



عدد ١٢ - مارس ١٣٦٠

١٢ - مارس ١٩٤١

شماره ٢٩٣ - ٥٠

سال (١٣)

دین و انسانیت - ۱۹۴۱



كتاب برس



## سیاست‌گذاری‌های دوستی

کتاب پر از سیاست

برگ کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و رئیس شورای انقلابی ه

سلطانعلی کشتمند رئیس شورا  
دمرکزی کمیتی دعمومی منشی او داغانستان  
دمو کراتیک جمهوریت دانقلابی شورا دوئیس  
در ارتباط به بررسی نتایج پا  
برگ کارمل په مشري دانقلابی شورا په مقر  
کی غونه و گره .  
بیلن کرد .

\* \* \*

داغنا نستان دخلک دمو کراتیک  
کمیتی دیپلomatic بیرو غری او منشی  
وطنی ملي چېری دملی کمیتی  
صالح محمد زیری دحوت په ۱۷  
نه مخکی دھلمند ولايت دمرکز لش  
او دھفه دمربوطاو له پېمنو او ز  
خلکو سره دھفه شار دشیدانو  
به یوه پوره دوستانه فضا کي .

\* \* \*

جلسه عمومی نوبتی شورای وزیران جمهوری  
دمو کراتیک داغنا نستان چهار شنبه ۱۸ حوت  
ساعت ده قبل از ظهر در مقر شورای وزیران  
داير ګردید در جلسه عمومی شورای وزیران  
که با پخش سرود ملي جمهوری دمو کراتیک  
افغانستان افتتاح ګردید ، پس از استماع

گزارش های از جانب دکتور پکتیوال معاون  
اول کمیته پلانگذاري و عبدالوکیل وزیر مالیه  
در باره بلان رشد اقتصادي و اجتماعي و  
بودجه دولت برای سال ۱۳۶۱ ایراد ګردید

برگ کارمل دحوت په ۱۳ نیته دانقلابی شورا  
په مقر کړی دجوړجان ولايت دېتمو خلکو له  
مشرانو سپین بیرو اوستازو سره وکتل او  
له هفوی سره بیس ددوستی او صمیمیت په پاکه فضا  
کی دنور دېرتمیں انقلاب او دھفه دنوی او  
 بشپړاتیابی پراو دهدفعونو په ارتباط خبری  
و ګړی .

\* \* \*

داغنا نستان دخلک دمو کراتیک ګوند دمرکزی  
کمیتی دیپلomatic بیرو چهار شنبه دحوت په  
کمیتی عمومی منشی او داغانستان د دمو -

داغنا نستان دخلک دمو کراتیک ګوند دمرکزی  
کمیتی عمومی منشی او داغانستان د دمو -  
باتیک جمهوریت دانقلابی شورا رئیس  
۱۹ نیته داغانستان دخلک دمو کراتیک ګوند



باقطع نوار توسط عبدالجید سر بلند معاون  
شورای وزیران و وزیر اطلاعات و گلتور  
گشایش یافت .

• • •

قرار داد جمعی بین اتحادیه صنفی وزارت  
امور خارجه و وزارت امور خارجه تسویه  
شاه محمد دوست وزیر امور خارجه و رئیس  
اتحادیه صنفی آنوزارت روز ۱۲ حوت طی  
محفلی در آنوزارت عقد و امضای گردید .

• • •

مردم شرافتمد و ز حمکش  
شهر کندهار به استقبال از کنفرانس سر تا  
سری حزب دمو کراتیک خلق افغانستان و  
بخاطر تایید از مردم حزب و دولت انقلابی  
شان روز ۱۹ حوت به صورت بی سابقه کار  
کمیته دولتی پلانگذاری عصر روز ۱۲ حوت  
داوطلبانه و دوستانه را سازمان دادند .

• • •

دمرگزی کمیته دیپلم په لوستلو سره دمارج  
اپمه یاد بنخو دین المللی بیوستون ورخ  
دحوت په ۱۶ نیټه په کابل ننداری کی و نهانغل  
شو .



مین پلینوم کمیته مرکزی حزب .

ن دخلک د مو کراتیک گوند  
ل دمیاسی بیرو غری او منشی  
محمد زیری دحوت په ۱۶ نیټه  
ل دشیدانو په چوک کی دکندهار  
شار دمربوطو د اوسيدونکو په  
نده کی گلون و گر دگوند اودولت  
وبه ارتباط بی هرا خیزه وينا

• • •

گوشه بی از محفلی که بمناسبت روز هشتم مارچ در کابل ننداری بوگزار گردیده بود .

ن دخلک د مو کراتیک گوند دمرگزی  
س بیرو دغیری او منشی نوراحمد نور  
نستان دخلک دمو کراتیک گوند



پیگیر مبارزه خواهد کرد  
ما بقین کا هل دار  
و پرورگرام های حزب و داد  
جهت بر آورده شدن آر  
دیرین مردم عذاب کشید  
سعادت و خوشبختی آن  
شکو فان و فاقد استثمار  
پیروزی نهایی رسید غر  
مد بوجانه دشمنان ارتقا  
بخاطر نا کام سا ختن  
متر قی حزب و دولت ا  
وضد انقلاب و همه دشمن  
همچون خس و خاشاک  
تو غنده انقلاب ما محکوم  
حتمی است.

مالمن طرح و فورمول بندی برنامه عمل حزب و سیاست عملی ناشی از آن هدف ساده و روسن رادر برابر خویش قرار داده ایم تا هر دو معاشر متمدن و کشور خود را شکوفان سازیم.

پیکان کارمل

شنبه ۲۲ حوت ۱۳۶۰-۱۹۸۲

## رویداد عظیم و سرنوشت‌ساز

بنایه حزب انقلابی حاکم صراحت عدف، رخ داده است بنا عمه اینها باید درج اساسنامه عمل داشته و کار عظیم ساز «نی» و تنظیم نماید. چنانچه رفیق پیکان کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی ج. د. خ. ا. طی اساسنامه حزب آورده شد.

در کنفرانس سر تاسری حزب د مو- کراتیک خلق افغانستان سند هم د یکی از نیز ضرور است که وظیفه عمده ستراتیکی بر نامه اول، هرام حزب د مو-کراتیک خلق افغانستان، یعنی کسب قدرت سیاسی انجام یافته است. اکنون در برابر حزب وظایف توین قرار دارد بنابرین هدف عمومی کنفرانس سر تاسری حزب هارا طرح و فورمول بندی این وظایف و تعین طرق مشخص پیش روی چشیده شکل میدهد.

آری، حزب د مو-کراتیک خلق افغانستان طی حیات هفده ساله خود پایگاه تو ده بی وسیع بیدا نموده در امر بسیج گروههای زحمتکشان کشیده پیروزی های اقوام و قبائل افغانستان، د موکرا تیزه سا ختن عیق و پیگیر حیات اجتماعی و سیاسی مردم ما در نظر گرفته شده و همچنان بخاطر تامین آرامش، قانونیت و قلم انقلابی تاکید عمل آمده است. بهمین ترتیب درین برنامه عمل گفته شده که حزب و دولت انقلابی ما در جهت معنو تمام بقایای فیو دالی و ماقبل فیو دالی، تجدید ملکت بزرگ ز مینداری و توزیع ز من به د هنمان کم ز من و بی زمین و کارگران زراعتی مساعی جدی بخرج خواهد داد که این امر در بیرون زندگی بعد از پیلو م دو م کمیته مرکزی ح. د. خ. ا. و تصویب اساسنامه قبلی حزب د مو-کراتیک خلق افغانستان تجارب معینی اتفاق افتاده باشد. از این تجربه میتوان از

روز (۲۲) حوت ما شاهد تدویر و بروگزاری بزرگترین رویداد تاریخی و باشکوه یعنی تدویر کنفرانس سر تاسری حزب د مو-کراتیک خلق افغانستان بو دیم که به اشتراک بیشتر از هشتاد و سی نماینده بروگزیده حزب از سر تاسری کشیده بروگزار گردید.

تدویر این کنفرانس و فیصله های آن که بعد از هدت طولانی یعنی بعد از کنگره اول، نخستین رویداد عظیم تاریخی در حیات حزب ما، حزب د مو-کراتیک خلق افغانستان و تمام زحمتکشان کشیده محسوب میگردد، بدون شک به سرنوشت میلیون ها انسان داشته و در حیات آئیه آنها تأثیر عمیق و شگرف خودرا بجا خواهد گذاشت.

درین کنفرانس که در فضای کامل وحدت و یکپارچگی و آزاد و د مو-کراتیک دایسر گردید دو موضوع مهم و سرنوشت ساز در آن مورد غور و مدافع اعضای اشتراکنده قرار گرفت و در توجه تغیر و تعدل در اساسنامه حزب و طرح بر نامه عمل به تصویب رسید.

از آنجایی که تحولات و دگر گو نی های انقلابی در کشور ما خشم و غصه وحشیانه و مقاومت هسته ایک و دیوا نموار ارجاع و امیر بالیزم را بر اینگیخت و این دشمنان قسم خود ره مردم زحمتکش ما به شیوه های گوناگون بداخله وسیع و همه

جانبه در امور دا خلی ما دست می زند قتل و ترور تخریب و وبرانگری را در کشور ما ساز مان میدهند و با هم نیرو و از هر

دل بین

گردآوری و تحقیق فو  
تاجیکستان سوری.

از مرگ تا زندگی ا

یک زن مبارز فلسطینی

چهره فارب این پر

چون ظیر فاریابی از

بحره هند باید منطقه

سرچ پشتی اول:

ستاره ذیباروی از

ر حله نوین انقلاب:

((الف مشهور ))

# دان کشود ما بطرف بھروزی و بھر یستی رہسپارند

وسو سیالیزم و کلیه نیرو های ملی  
و دمو کرا تیک ضد امپر یا لیستی  
و ضد استعماری جهان از این  
روز تا ریخی با جلال و شکوه و با  
تدویر کنفرا نس ها واپرداد بیانه ها  
استقبال بعمل می آید او لیست  
با ر این روز در سال ۱۹۱۰ میلادی  
توسط زنان امریکا و آلمان تحلیل  
گردید . در افغانستان کشور  
محبوب ما بیو سنه با تشکیل

حزب دمو کرا تیک افغانستان پیش ا-

هندک طبقه کارگر و کلیه زحمت -  
کشان افغانستان )) طرح و تشکیل

سا زمان دمو کرا تیک زنان افغان -  
نشستان بمنابع گردان مشکل

کننده بسیج کننده زنان کشور ما  
و تأمین همبستگی آنان با جنبش

جهانی زنان مترقبی و مبارز زدر  
سرا سر جهان در نظر گرفته شد

همان بود که در جولای ۱۳۴۴ به  
ابتکار زن مبارز و دلیر افغان -

«داتور اناهیتا راتب زاد» سرمان  
دمو کراتیک افغانستان تشکیل

و تا سیس گردید و این سازمان  
روز منده برای او لین با ر در تاریخ

کشور بتاریخ ۸ حوت ۱۳۴۶ از  
روز بین المللی همبستگی زنان

استقبال و تحلیل بعمل آور ردوهمه  
ساله این روز را بر گذاشت

است . سازمان دمو کرا تیک  
زنان افغانستان بمنابع حلقه از

سلسله نیرو مند سازمان های  
دمو کراتیک زنان سراسر جهان دو

شادو ش هو طنان خویش در  
راه انسانی د سايس امپر یا لیزم  
وار تجاع در حال فرا موشی  
برده ولی در سال ۱۹۰۹ در دومین  
کنگره بین المللی زنان سوییا -

لیست جهان که در کوپن ها گن

(دنمارک) دایر شد بود از طرف

زن مبارز و قهرمان آلمانی

((کلا راز تکین)) بیشترها دشده که

بخاطر یاد بود قهرمانی زنان

و در جهت تکامل جامعه ما از همان

بدو بدوانی سیس کارنا با خاطر

که نسبت ضعف اقتصادی لباس

کشورها ((البتة

دوش کشیدن بیرق مبارزین که

علیه استعمار تجاوز انگلیس می

جنگیدند کارنا مههای جاودانی

بیاد گار گذاشتند .

اینک در آستانه یکصد و بیست

و پنجمین سال لکرد حاده هشتم

ما رج ۱۸۵۷ قرار داریم لازم است

تذکر بد هیم که در تاریخ کشور

ما برای او لین با رابتگار بر

گذا ری هشتم ما رج را سازمان

دمو کراتیک زنان افغانستان (این

گر دان رز منده و پیش آهنگ زنان

کشور) بعده داشت . در این

نوشته قبل از آنکه به ذکر تشکیل

سا زمان دمو کرا تیک زنان

افغانستان بپردازیم میخواهیم

تا چگونگی بیان آمدند حاده

هم هشتم ما رج و بین المللی شدن

این روز را بمنابع روزنامه

در حیات زحمت کشان جهان

منجمله زنان زحمتکش بررسی

نمایم .

با مدد هشتم مارچ سال ۱۸۵۷

میلادی شهر نیو یارک برای اولین

باز شاهد یک نمايش اعراض

آمیز زنان زحمتکش کارگر

نساجی آتشهر بود . زنان کارگر

که نسبت ضعف اقتصادی لباس

های خلقی علاوه شده‌اند .  
بعد در سال های ۱۹۵۰ فولک  
بیش از پیش دقت متخصصین  
با خود جلب می‌نماید .  
متوجهان تاجک در نقاط مختلف  
الآنای وظیفه نموده در اوقات  
رسمی هنگام استراحت و روز  
به کرد آوردن اثر های شفاه  
افغانستان می‌پردازند . در سال  
چنین ترجمانها که در ولایت قط  
مشغول کار بود . پس از بر  
شوروی ضرب المثل ها و معا  
واوزبکی را به طبع رسانیده است  
یوف می‌باشد . او اثرهای خ  
از بسان سا کنان شیر .  
بغلان، گنوز و دهکده های ع  
دوری چشم شیر نوشته است  
مجموعه نمونه های ضرب  
های تاجیکان واوزبکان ولایت  
از دو بخش عبارت بوده قدر  
(۳۵۱) ضرب المثل و مقایه در  
را (۳۵۶) نمونه حکم و امثال  
داده است .

این مجموعه از روی الفبای  
شده و شرح و تو ضیع عبارات  
در آن صورت گرفته است .  
امثال و حکم مجموعه تهیه‌شده  
یوف با حروف روسی و عربی  
است .

بعضی فرقهای امثال و  
قطنهن افغانستان از ضرب ا  
تاجیکان واوزبکان اتحاد جما  
مجموعه آورده شده اند .  
متخصصین و خواندنگان زیاد  
افغانستان واپر ان را با نمو  
دهاتی مردم افغانستان نس  
ساخت .

یک عدد فولکلورشناسان  
از اول سال های ۱۹۶۰ به  
تازه لفظی دری زبانان افغان  
اند . در بوز نامه های («  
کامسامال تاجیکستان») و مع  
نمونه های دویستی ، روایات  
و مقال و چستان و سرواد

# گردآوری و تحقیق فولکلور افغانستان در تاجیکستان شوروی

نمود . آن را صاحب دولت مردمی شان گردانید  
امکان آنرا فراموش آورد تادر ساحة فرهنگ نیز  
تحولات همچنانه ای به عمل آید .

افغانستان بادر نظر داشت ضرورت عملی  
مجله نو فولکلور و مردم شناسی تأسیس  
شد و شرح و تو ضیع عبارات  
در آن صورت گرفته است .  
امثال و حکم مجموعه تهیه شده  
یوف با حروف روسی و عربی  
تاسیس شناسی را ادامه میدهد (فرهنگ خلق)  
فرهنگ شناسی را ادامه میدهد (فرهنگ خلق)

تاسیس به مجله سابق چنین او تری دارد که  
مواد فولکلور و مقالات علمی آن را ایجا د  
یات لفظی مردم پشتون زبان دریزبان او زبان  
ترکمن ، بلوج وغیره که در جمهوری دمو -  
کراتیک افغانستان دارای حقوق مساوی می‌باشد  
تسکیل داده اند .

از این رو منسوبین مجله فرهنگ خلق  
تصمیم گرفته اند که از ایجادیات مردم  
زمینکش همان آثار را منتشر سازند و تدقیق  
را بطبع رسانیده اند .

برای گردآورند گمان آثار مردمی دستور العمل  
و سن غنی می‌باشد . مردم در طول قرنها  
عنده رسم و آئین اجداد خود را مانند سایر  
تروت های معنوی ملی دوام و تقویت بخشیده  
تایید کرد که آثار فولکلور راه رچه بیشتر  
دراین سر زمین از قدیم تاکنون خلقها،

گردآورده عقیده های قدیمی را راججع  
به حوادت طبیعت و جمیعت تبت کنند ، تکارنده  
دقت دوست داران فولکلور را به بازیهای  
اطفال افسانه ها آغاز و ختم آنها جلب نموده  
می‌باشد .

فولکلور که بعض مهم فرهنگ خلق را  
تشکیل کرده در آن مقام خاصی دارد سرچشمه  
بی انتہای فرهنگ و ادبیات است . فولکلور

به ذات خویش آئینه انکاس حالات و گیفت  
های مختلف روحی مردم نیز به شمار می‌رود .  
در ایجادیات سفاهی مردم غم و شادی مزاج و  
سوختن های نمکین ، مبارزه جهت آزادی و  
استقلال و امثال آن افاده یافته است . فولکلور

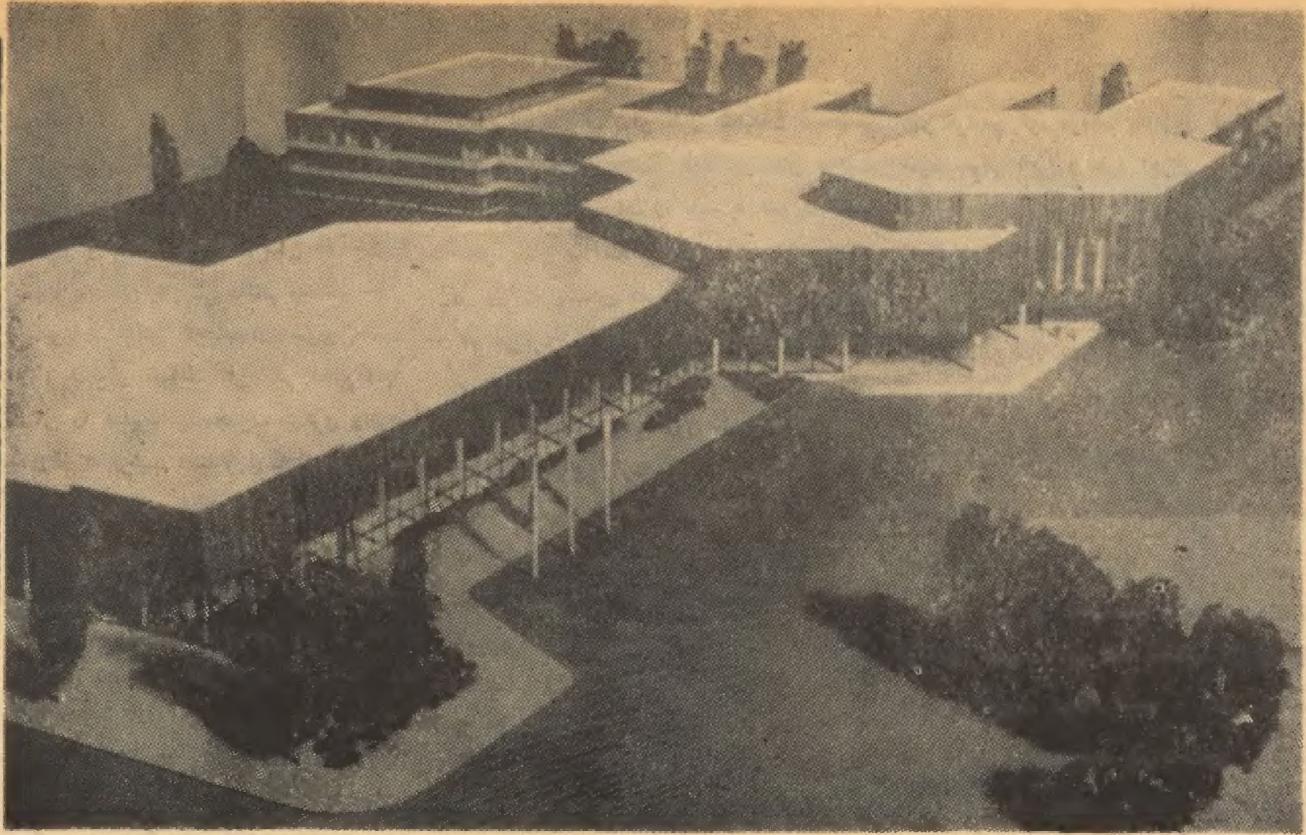
دروی زبانان افغانستان چون فولکلور دیگر  
خلق های ساکن آن مملکت دارای موضوع  
محتویات خاصی بوده اکثرا مسائل عمدۀ حیات  
خلق را فرا گرفته است همچنان اثا العاظ  
اسکال بدینه گونا گون بوده سرود و ترانه

در تاجیکستان گردآوری و بررسی فولکلور  
چندین شماره این مجله از چاپ برآمده بدسترس  
مردم گذاشته شده است . مجله مذکور نمونه  
مراسم موسی جشن های سال تو ، عروسی





کله چی یوی الیبر  
مخکبسانو یو بستنو اته



دالمان په دمو اکرا اقیک جمهوریت کې اد (ارنسنست-قا المن) یه نامه د مخکبسانو د مانۍ د تاسیساتو یوه  
منظمه .

## د مخکبې اندمانۍ څه دول فەاليت کوي

شی. یه سو سیا لیس  
هیوادونو کې د مخک  
وړکتوب او خوانې په  
کوچنیانو د سیاسې  
کلتوري شعور د روزا  
تر یېوی مر کزو نه  
سو سیا لیستې هیو  
مخکبسانو د مانیو د  
هر دول ۱ مکانات او  
اچول کېږي او لکه چو  
کې ورو سټینو را پود  
کړیده یه سو سیا لیس  
کې د مخکبسانو مانۍ ت  
نونو د شیدو خورلوا  
همدا رنګه د لو مرنیو  
ښوونځیو له پرو ګرا  
او نزدی ارتباط لري  
کراتيك جمهوریت کو  
لو هېرنې مانۍ د (ارنس  
نامه د ۱۹۴۸ کال د د  
په دیار لسمه نیټه ج  
دمخکبسانو دغه مانۍ  
فعالیتونو له نظره د  
تولنیز و ساز ما نونو  
سره زیاته ور ته وال  
مخکبسانو د مانیو پرو  
ښوونې او روزنه د

د مخکبسانو د مانیو له جوړیدلو مانۍ وظیفه لري چې کو چنیانو او  
کاندي. دا د مخکبسانو دهانیو وظیفه  
څخه هدف او مقصد دادی چې د  
تېنګو خوا نانو نهد هغوي د حقوقواو  
او رسالت دی چې کو چنیانو دتفريع  
کوچنیانو د مکلفیتونو په بابد  
کړۍ او دوی یه دی قادر وګر خوی  
چې خپل وخت په خوبنې او غوره  
مشغو ليتونو په سیوری کې تیز  
کاندي : د مخکبسانو مانۍ کولای شی  
چې ماشومان د ډله بیزو ګارونولوړ  
ته تشويق کړۍ او په دغه برخه کې  
سمه لارښوو نه ور ته وکاندي .



ه هیر مو نه شې چې د  
د ماقیو او د دوی دوالدینو  
و تر منځ هم غوره همکارۍ  
رباط شته دی . د (ارنسټ  
د مخکنستانو مانۍ د المان  
تیک جمهوریت د خوانانو  
از مان د مر کزی شورا له  
اره کیږي او د دغې شوراتر  
ئر لاندې فعا لیت کوي . په  
کې د ننه د مخکنستانو مانۍ  
نوونو او تنكیو خوانانو  
يو د بل سره د نژدی  
و تماس درلودونکي دي . د  
بو کرا تیک جمهوریت د  
ازاده اتحادیه په بیلا بیلو  
بیلو نو سره د هغه هیواد  
له مانې سره کمک او  
وي . د مثال په تو ګه د  
ددمو کرا تیک ساز مان د  
حاددي غړی کولای شې چې  
سو پروایزراتو، کنترو-

مخاروونکو په خيرد مخکنستانو  
کې د ورڅنيو کارونو خارنه  
د ټولیز سیاسی ټکنوری او  
ژوند په بیلا بیلو اړخونو  
کنستانو او تنكیو خوانانو به  
بیېند ګلوي او لارښوونی  
و نیده واخلي . د خپاره  
اپوروونو له مخې اوس اوس  
ډمو کرا تیک جمهوریت د  
ه ټو لنيزو ساز مانو نو او  
کې خه د پاسه یو میلينون  
څلويښت زره ته هلکان  
مخکنستانو او تنكیو خوانانو  
د غړي یتوب ويایه لري . په  
ladی کال کې هغه وخت چې  
قدرت ورسید دا یوازی د

څلويښت کو د جر منی د ګمو-  
ند د خوانانو دليگ دهلو-  
ه وه چې د هغه هیواد د  
زا منو او کو چنیانو ته  
ر غه ژوند امکانات تا مين  
ورو ستیورا پور ونو له مخې  
په اوږدو کې د المان ددمو-

چمهوریت د مخکنستانو دمانې  
پېنګ په لس ګونو پرو-  
کې به فعاله . ونې، اخستله

هم پیدا شويدي چې په نړیوال ډګر  
کې د ګو چنیا نو او تنكیو خوانانو په  
ټو لنيز ژوند کې د هر ډول استثمار  
او استعمار مخه ونیسي . په ۱۹۵۲  
کمال کې د دغه هیواد د مخکنستانو په  
مانۍ باندی د (ارنسټ، تالمین) نوم  
کېښودل شو او تر او سه یوری د  
ټولنیز ژوند له بیلا بیلو پروګرا مونو  
څخه بر خورداره ده .

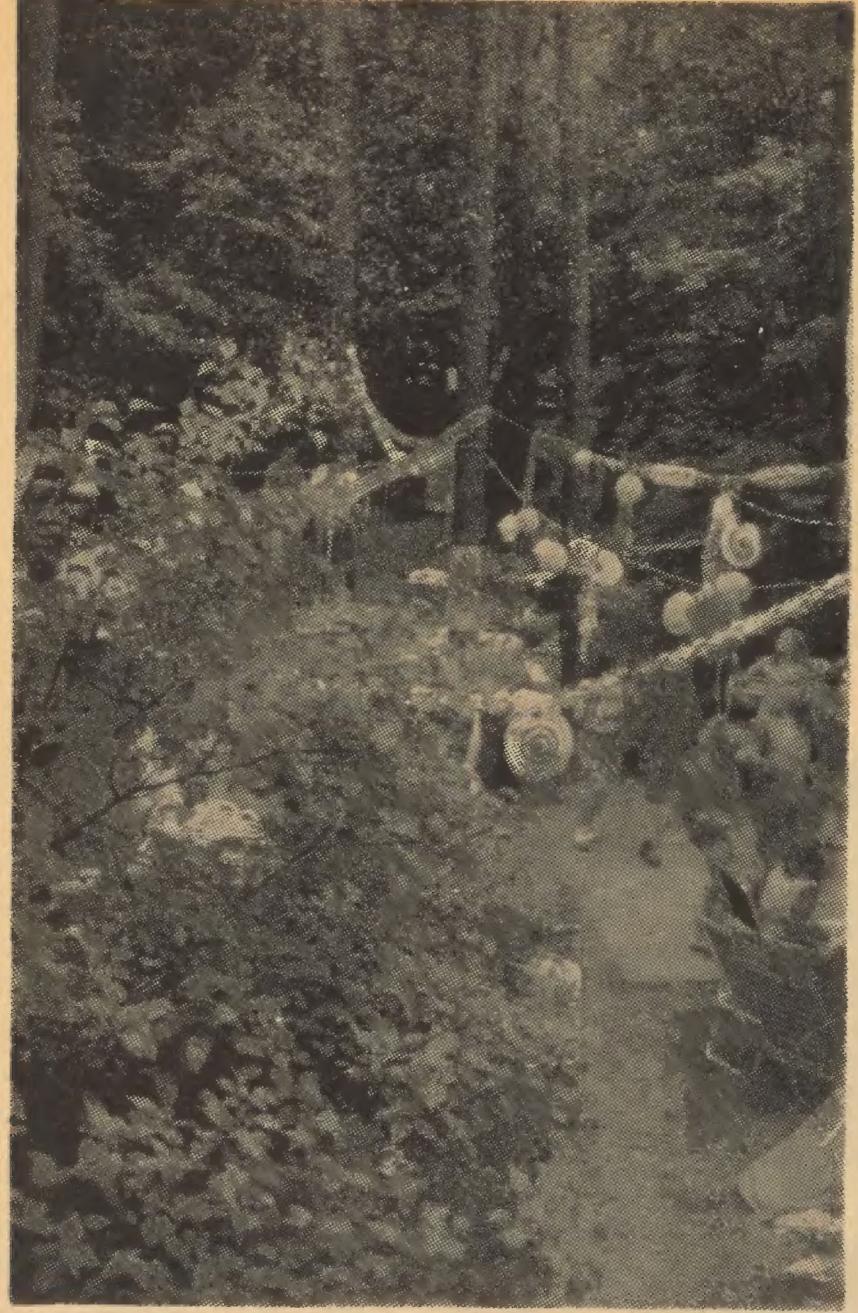
(ارنسټ، تالمین) د فا شیز م  
ضمد یو ستر اشخصیت وو اود  
جر منی د ګاټار ګرانو دهلي د انقلاب  
له ټېرو نا هتو او هسترو ډېبرانسو  
څخه شمیړل کیږي . نو موبدي د ګاټار-  
ګرانو غور ځنګ اټه د یو ټېر ګټورو  
خدمتو نو څخه ورو سته په اکمال  
کې د هتیله د فاشیستا په واسطه  
ووژل شو .

د مخکنستانو په مانېو کې د ژوندانه  
معیارونه :

مخکنستانو په مانۍ کې  
دغه یتوب موضوع البته یوه رضا-  
کاره هیله او ارزو ده . یا په بله ژبه  
په دغه مانۍ کې هر څوک کولای شې  
په داډ طلب ډول دغه په تو ګه  
شا مل شې . د طرح شویو لوایحه  
او جوړو شویو اسا سنا مو له مخې  
دبیو ونځینو ټول زده کوونکی او  
شا ګردان چې عمر له (۱۴) ګلونو  
څخه یور ته نه وي کولای شې چې د  
مخکنستانو د مانتو په غریتوب کې  
شا مل شې . د مخکنستانو د لو مړنیو  
دریو ډلويه کټګوري کې (۶-۹) ګلونو  
پوری « هغه خوان مخکنستان ونډه لړو  
چې د تنكیو خوانانو په ډله کې هم  
شمیړل کیدای شې . د مخکنستانو د  
مانې غړی (هلکان او نجونې) مخصوص  
یو یغورم آغوندی (۱۰-۱۳) ګلن

کو چنیان د مخکنستانو دمانې تخلوړم  
کټګوري په ډله کې شمیړل کیږي .  
همدا رنګه همدغه ډله (۷-۸) ګټګوري  
په ډله کې هم را تلای شې . د طرح  
شویو قوانینو او مقرراتو له مخې د  
مخکنستانو هر یوه غړی ته (هلک-  
نجلي) دغه یتوب یوه کتابچه او یا  
یوه کارت ورکول کیږي . د مخکنستانو  
به مانې دغه بول هلکانو او نجونې

دا هم د مخکنستانو دمانې دېرخه والو د مو سمی میلو او تفریحی  
فعا لیتونو یوه ګو بنه .



هم کولای شی او ورته زمینه  
یزد. چی د مخکنیانو د رو  
تشریق او سمه لارښونی د  
یه چارو کی ونده واخلي  
رول ولوبوی. د کار گرانو  
گری زوند سره د مخکنیانو  
بیلولو او گرپونو په آش  
سره د یوه خوشحاله او  
زوند د لاس ته راولو د پا  
ضروری امکانات او غوره  
تامین او برا بر یداهی شی  
دبسوونځی او مخکنیانو  
د همکاریو او اندیشیو تماسو  
ښوونځی، پړکتونو نه او  
نو موسسی نه یوازی په مت  
اندې و لیز م تو  
دل سره اړ تبا ط لري او  
بلکه دمیندو او پلرونو او  
سره یو خای په ټولنه کی  
نگړي واحد تشکيلوی. دطر  
قوانيينو، مقر راتو او ل  
له مخسی د مخکنیانو م  
خیل غږي او برخه والی ه  
مسئولييتونو او مکلفیتو نو  
ښوونځی یعن طرح ګړیدی  
متوجه کوي یې دښوونکو او  
په برخی اخستلو او ګیو  
سر د مخکنیانو مو سسنو  
تفا هم په شته والی سره  
قواو دیکار 1 چولو، کنځک  
دسلین، ټولنیز نظم او د ډ  
ملګر تیا کار کولو د رو  
درلود لو سره فعالیت کوي  
په ورڅ پر منځ ځی. په دی  
بول موسسی وظیفه لري چ  
سیالیستی زده ګرو له پا  
او نجونی دښوونځیو د  
کاندی د مخکنیانو په ماهیو  
هلکان او نجونی په دی پو  
چی تعليم اوتر بیه د دوی  
او ټولنیز زوند د پاره د  
او مهمو عوا ملو خخه شمې  
او دوی باید هرو مرو دغا  
خیله جدي تو جه او پاملز  
خوی. دا خیره الیه د یا

دمیندو او پلرونو او د دوی د کورنيو  
انفرادي مو سسنو او ساز ماښونو، د  
خوانانو او بندخو د ساز ماښونو او د  
ټولنه کی او سیبری  
په چارو او د خپل اړوندو ډلو د خپل  
کار او فعالیت وکړي. هفوی  
او بر خورداره کېږي. د مخکنیانو  
ماښونو کی د دموکراسۍ او په  
یو بل عمده او مهم خصوصیت دادی  
چی هفوی باید د کار گری ډلی او  
زيار ایستو نکو سره نزدی تماس  
ولري. دفعه اصل د په نظر کی نیولو  
سره نزدی د ټولو بنیوونځیو، وړه  
کتونونو او نورو تربیو او تعلیمي  
جوړولو ته اقدام کوي. په هره  
کادرنو ګیون کوونکی د تولیداتی  
کارونو له تصدیو او فابریکو سره  
دنزدی او نه شلیدونکی ارتیباط درلو.  
داده چی په ټولنیز او ورځنی زوند  
بلکه دمیندو او پلرونو او  
سره یو خای په ټولنه کی  
نگړي واحد تشکيلوی. دطر  
قوانيينو، مقر راتو او ل  
له مخسی د مخکنیانو م  
خیل غږي او برخه والی ه  
مسئولييتونو او مکلفیتو نو  
ښوونځی یعن طرح ګړیدی  
متوجه کوي یې دښوونکو او  
په برخی اخستلو او ګیو  
سر د مخکنیانو مو سسنو  
تفا هم په شته والی سره  
قواو دیکار 1 چولو، کنځک  
دسلین، ټولنیز نظم او د ډ  
ملګر تیا کار کولو د رو  
درلود لو سره فعالیت کوي  
په ورڅ پر منځ ځی. په دی  
بول موسسی وظیفه لري چ  
سیالیستی زده ګرو له پا  
او نجونی دښوونځیو د  
کاندی د مخکنیانو په ماهیو  
هلکان او نجونی په دی پو  
چی تعليم اوتر بیه د دوی  
او ټولنیز زوند د پاره د  
او مهمو عوا ملو خخه شمې  
او دوی باید هرو مرو دغا  
خیله جدي تو جه او پاملز  
خوی. دا خیره الیه د یا

او ګیون کوونکی وظیفه او رسالت  
لري چی لومړي د خپل ټولنه او هغه  
چاپریال چی په کی او سیبری  
ټولنه کی او سیبری د خپل  
کار او فعالیت وکړي. هفوی  
کولای شی چی د خپل عمر په لومړي  
په اوونو کی د دموکراتیکه  
خکنیانو په مانی کی د هر یو هماشوم  
د تفریح کولو او خوښی ټول  
روزی وسایط، لوازم او اسانسیاوا  
بری کېږي.

د تشکیلا تو له مخ د مخکنیانو  
مانیو کی هر ده ډله خان ته یوره  
څاره په کیدای شی چی په  
مخکنیانو د غږیو په تو ګه ټاکل  
کېږي. د دغه شورا ګانو یوه وظیفه  
دونګی دی. هر ټولنیز او ورځنی زوند  
د دوستی او همکاری د شورا ګانو  
کتونونو او نورو تربیو او تعلیمي  
شورا کی له (۱۵-۱۶) تنو پوری  
کارونو له تصدیو او فابریکو سره  
دنزدی او نه شلیدونکی ارتیباط درلو.  
داده چی په ټولنیز او ورځنی زوند  
د شبکه د مخکنیانو په  
ښدی او پلرونه هم په افتخاری تو ګه  
مخکنیانو د تدریس، لارښونی،  
رنی او نور کارونه په غایه لري.  
مخکنیانو د اوسمی سازمان مشر  
لمان دmmo کراچی جمهوریت د  
زانانو د آزادی اتحادیه له غږیو  
څخه په دائمی تو ګه ټاکل کېږي.  
کیدای شی چی دغه مشر دیو  
وونکی په صفت د مخکنیانو د  
ستی دسازمان ورځنی کارونه پر  
ج بوزی.

د مخکنیانو مشران خپل تعلیمات  
تحصیلات دښوونکو د روزنی په  
ستیتیوت، اکادمیو او خینو نورو  
علیمي او تر بیوی مو سسنو او  
سازمانو کی چی په خپل د مخکنیانو  
مانی له خوا تنظیم شوی وی تر سره  
روی. همدا رنګد مخکنیانو رهبران  
ولای شی چی له څلور ګلنو کورسونو  
څخه هم ګته واخلي. واقعیت دادی  
د مخکنیانو د خپل ټولنه دورځنیو  
ارو په تر سره کولو کی ونده  
څخلی او مکلفیت لري او دفعه هدف  
تعقق سره دوی کولای شی چی  
دmmo کرا سی رازونه او اسرار د  
مر په لومړیو د ورو کی زده کېږي او  
پا ورو ستنه یې د عمل ډګر تراپلی  
کاندی. د مخکنیانو هر ده ډله خان ته  
ډله شورا ټاکل. د دغه شورا په  
سوکلت کی یوره، د هفتمرسیتیال  
منشی ونډه لري. دوی دری واړه



د مخکنیانو د موسسی لیپو (رهنما) د مخکنیانو سره د خبرو په حال کې.

کی د مخکنیانو ورځنی کارونه او  
ښوونکی دوستی او رهنما په تو ګه یو تن  
فعالیتو نه کنټرول کاندی. د مخکنیانو  
ورځنی کارونه د دوستی او همکاری  
څخونکی لري. دغه څخونکی او رهنما  
داروندو شورا ګانو له خوا د قوانینو  
د ذکر شوی ټولنیز او غږیو په سمه  
خوی. دا خیره الیه د یا



مسکو اعمام گردید. جاده یکصد و نود سه کیلو متری این شهر اقتباس از خیا بانهای شهر مسکو بود که به آن شبا هست قطار که سرعت شش یا هفت کیلومتری ساعت عادی آنها ۴۱ کیلومتری ساعت است و سرعت اعظمی شان فی ساعت هشتاد کیلو متر می باشد روزانه شش میلیون نفر را انتقال میدهد این عدد گاهی به بیش از هفت میلیون نفر میرسد.

مشخصه خط آهن زیر زمینی مسکو عبارت از سرعت، آسایش و قیمت نازل میباشد یک مسافر میتواند با پرداختن صرف پنج کپیک یکصد و نود سه کیلو متر را سفر کند.

امروز معماران به مناطق جدید مسکو نی میترو (زیر زمینی) میسازند آنها در آینده حدود شهر را عبور خواهند کرد، و مسکو را با حومه های آن وصل خواهند نمود. مطابق پلان عمومی انکشافی هسکو، طول مجموعی سیستم میتروی پایتخت به سهصد و پیست کیلو متر میرسد.

متخصصین انجمن ساختمان

زیر زمینی مسکو تجارب خویش را وسیعا در معرض استفاده دیگران قرار میدهند. ایشان در ساختمان

راه آهن زیر زمینی در لینگرادر، کیف، تیلیبیسی، باکو، تاشکند، ایران و سایر شهرهای سوری همکاری نموده اند. تجربیات آنها در اکثر مناطق صعب العبور راه آهن (بایکال آمور) مراکز ابر ژی بر ق آبی در سایریا و آسیای میانه و در

هر روز حدود شش هیلیون و بعضا هفت هیلیون ساکنین مسکو از میترو استفاده می نمایند. در های ایستگاه ساعت شش صبح باز و یک شب بسته می شوند.

ایش برای مسافرین (شمار میتروی مسکو است. شانزده معلو هات لازم را به مسافرین تقدیم میکند و سه هزارو برقی لا تغییر ترین وقت را نشان میدهد.

ترجمه و تخلیص از: جهیله کریم

## ذخیره هیترو دارا

### آهن زیر زمینی

اولین راه آهن زیر زمینی مسکو پنجاه سال قبل از ۱۳ مرداد در منطقه سوکو ینسکی تو زل کشیده شد. این خط آهن ۲۱ کیلو متر امتداد داشت و دارای سیزده ایستگاه بود روز افتتاح آن تعداد مسافرین به سه صد هفتاد هزار نفر میرسید.

این امر، آغاز گر ساختمان هایی بود که درست در دراز نای سا لهای جنگ بوجود آمد.

قابل تذکر است که اولین میترو (راه آهن زیر زمینی) تو سلطراحتان شوری طرح شد و ساختمان گردید کذا و سایلی که در آن بکار رفت نیز ساخت اتحاد شوری بود. این طرح انتخابی که در جهان بی نظیر بود. صحت خود را در عمل



بنیاپارت وی را از زمرة مردان بزرگ و دوکتور حسین او را از نوابغ علم و ادب نیتی دانسته اند . در زمان گویته ، تحولات عظیم و گستردۀ علمی ، اقتصادی و سیاسی در قاره ارویا ، ظهور کرد . رنج و فقر مردم فرانسه ، قروض مالی و خزینه خالی دولت ، مردم علیه لوی اول عراض می نمودند . پدر گویته ، حقوقدان بود ، در جنگهای هفت ساله اروپا ، یکی از افسران فرانسوی را در متریش راه داد و در همان زمان بود که گویته به تعلیم و فرهنگ فرانسوی آشنایی پیدا کرد . گویته هنوز هفده بیهار زندگی را دیده بود ، او سوی شهر لپزیک ( شهر کنونی آلمان دمو- تبدیل می شود .

« مکالمه با کرمن » اثر دیگری رستم کراییک ) تهداد و در آنجا به فرازی بیرونی  
حقوق همت گما شت اما بصورت طبیعی به  
صنایع طریقه علا قمندی خاص داشت .  
گویته برای پیروی از سادگی در شعر و تپیه  
نقده اصلت در فکر چوانتان آلمان، همه  
بروسه ضروری می دانست  
و سنسکسپیر را سرمشق قرارداد .  
آنرا می پسندید و در برای  
یوهان و لفگانک فون گویته در شهر دایمار  
هرگز بی اختنا نبود و بیو  
در آلمان نیز صحنه های  
مکلف و ظایف پر مسؤولیت سیاسی و اداری  
گردید ، چند مشاور مخصوص سلطنتی و  
دیده میشد .

زمانی به و تبه و زیری ر سید . گوینته رومانتیزم آلمانی را اساس گذاشت در فلسفه از روش کانت یا اصالت عقل پیروی کرد در غرایف و شیرین سخن از شعرای فرا نسے پیروی می کرد ا ما اشعار دور جوانی وی از عمق خالی نیست و کار وی از شیوه استادان خوش آمد گویی جداست .

آثار مهم گوینده: یافته است و مجموعه آن در شود. در این اثر گوینده دوی پرداخته و همچنان آنرا بسایر ملل مشرق و غیره و نظریات خود را در داده است و به خاطرات جنگی مار کوبولو، مو. نت لیزیک زندگی اختیار نمود او لین انگلیش شاعرانه خود را بنام «نیب» سرود بعمر سالگی که چیز ماموریت عازم شمرد



تمثال گویته فیلسوف، شاعر، نویسنده و دانشمند شیراز بمناسبت یکصدو پنجاه و پنجمین سال  
لـ وزیر :

Digitized by srujanika@gmail.com

# یوہان ولفگانگ

# فون گو یته

محافل فرهنگی جهان در مارچ ۱۹۸۲ یاد و بود یکصوپنجاهمین سالروز هرگ «یوهان و لفکاتنک فون گویته» فیلسوف، شاعر، نویسنده و دانشمند شیراز با تدارکات وسیع و محافل علمی برگزار می نمایند. به همین مناسبت در جمهوری دموکرا تیک آلمان محافل با عظمت علمی و هنری دايرمى شود و در لبزیك نمایشگاه بخصوص من تحت عنوان «گویته در هر کتاب جهان» گشایش می یابد که در آن آثار گویته، محصولات جدید پیرامون این شخصیت بزرگ جهانی و استنادی که چاو دان بودن نام این

شاعر را باز گویی نماید در معرض تجاذب گذاشته می شود .  
در کابل نیز این روز در پو هنرمندان کا بل برگزار می شود . آنچه در این مقاله می -  
خواهند ، در سه بخش تو تسب شده است ، برگزیده های است از زندگنی امه و شخصیت



بود و انقلاب و تحول بزرگ فکری ، تکان  
بزرگی در ز مینه در اروپا پیار آورد و بنای  
کلیه عقاید و افکار کمین را واژگون ساخت  
در آن زمان شرق شناس اتریشی بنام «هرم  
پور گستال» به دیوان حافظ را بر زبان  
آلمانی برگرداند و گویته از این طریق به  
فکر و عقیده حافظه به استعاره لکش و پرمتنی  
وی راه یافت و بقول خود و پیش از این  
انتخاب و تدوین کرده بود و پیش از این  
شرق و نسیم ادبیت را که از جمله و دشت  
های شرق می‌ذویزد ، احساس کرد . حافظ  
برای گویته دنیای دیگر ، فکر دیگر ، روح  
دیگر به ار مقان آور دخود را شاکرد حافظ  
خواند و گفت : استاد آ رزوی من آ نست

که در آن هنگام که دنیا پایان می‌یابد من  
در کنار تو و همراه تو باشم » در سال  
۱۸۱۴ گویته در دفتر یاد داشت خود

می‌نویسد :

« از و قبکه این سخنیست عجیب و بزرگ  
در صحنه زندگانی من قد م گذاشته ، دارم  
دیوانه می‌شوم . اگر خود را سرگرم کاری  
نکنم و محصول ادبی پدید نیاورم . مسلماً  
طاقت تحمل این تحول بزرگ را نخواهم  
داشت . »

گویته در ۱۴ دسامبر ۱۸۱۴ برای نخستین  
بار نام «دیوان» را در دفتر یاد داشت خود  
آورده است « اکنون مشغول تبیه ا نتری  
همست که می‌خواهم آنرا بصورت آینه  
دنیا (جام جم) در آورم و دیوان آلامی  
نام بگذارم . » اندکی بعد در همین دفتر  
نوشت :

« آرزوی من آ نست که باین اثر ، غرب  
را یا شرق و گذشته را باحال در هم آمیزم .»  
بدینصورت گویته مجموعه اشعار را بوجود  
آورد که آنرا « دیوان غربی و شرقی » نام  
نهاد و در سال ۱۸۱۹ ، انتشار یافت و در سال  
۱۸۲۰ قطعات دیگری به آن افزود . و  
در چاپ ۱۸۳۶ پس از مرگ او انتشار  
یافت چندقطه دیگر از روی نسخه های  
خطی ایکه پس از مرگ وی مانده بود .  
اصل « دیوان » شامل دوازده کتاب است  
که گویته آنها را به اساس دری و شرقی  
نامیده است بدینترتیب : مفتي نامه ، حافظ  
نامه ، عشق نامه ، تکفیر نامه ، رنج نامه ،  
حکمت نامه ، تمیور نامه ، زلیخا نامه ،  
ساقی نامه ، مثل نامه ، خلد نامه .  
هریک از این کتابها شامل قطعات مختلفی  
است که گویته آنها را به پیروی از طرز

تاریخی پس از طی یکدوره بر  
فره روزی با وصفی فجع و طرز  
ی شود ، دو سたاش جسد اورا  
دو نزدیکی منزلش ییدا میکنند  
آن او وارد می‌شوند کف ز مین  
آ غشته بخون می‌یابند آنوقت  
بود که شیطان فاوست را تلف  
بته ، نویسنده معروف ا نگلیسی  
ار لو در سال ۱۵۸۸ درامی بنام  
نوشت او فاوست را چنین توصیف  
می‌کنند باشد به تعلیم علوم پرداخت  
ر رسته علوم الهی کسب داشت  
نزدیکی به بسیوده بودن دانستهای  
برد لبنا دست به جادو گردی و  
ند تابه اسرار جهان دستیابی  
و به حد اعلای قدرت پرست .  
دیوان حافظ در دیف آثار منظوم نه فقط  
اثر هنر است بلکه اثر فلسفی نیز است .  
دیوان حافظ گنجینه ایست از تفسیر و  
تصمیم فلسفی تکه بین و باریک ا ندیشی  
و تنوع استدلال . شیوه بذله آمیز حافظ  
شگرف است و از طریق ترین انواع دیشند  
فلسفی است . احتجاج او بشیوه ای هنر  
یست یعنی با چهره ها ، استعارات و صور  
هنری افکار خود را بیان می‌دارد جهان بینی حافظ  
برای جهان امروز در مجموع تا پذیرفتی است  
ولی در آن یافت های زرف و نگرشیان باریک  
وجود دارد .

امید در دیوان حافظ موج میزند . ایات  
پر از مژده و تسکین هاست و همین هاست  
که دیوانش را جالب ساخته است . همین  
افق و سیع حافظ است که وی را در دیده  
صاحب نظران جهان چنین گرانقدر ساخته  
است تا آنجا که یو هان دلگانگ فون گویته  
شاعر نابغه ای آلمان در « دیوان شرقی و  
غربی او را کسی شمرده است که بآنکه  
زاهد باشد مقدس است و در وصفوی این  
كلمات پر سور را نوشت .

ای حافظ ! سخنان تو همچون ا بدیت  
بزرگ است ، زیرا آنرا آغاز و انجا می‌  
نیست کلام تو جون گبید آ سعاد تهاب گفود  
وابسته است لاجرم میان نیمه ای عزلت با مطلع  
ومقطع آن فرقی نمی‌توان گذاشت چه همه ای  
آنها آیت جمال و کمال است . اگر روزی  
دنیا بسر آید ، ای حافظ آسمانی آرزو دارم  
که تهبا باشو و در کنار تو باش همراه تو  
باده نوشم و چون تو عشق و رزم ، زیرا  
این شبیه است . پنجمین مشهوده  
بد هید که من پدر خوانده پسر قان  
می‌کنم که خلق و خوی مرا پیدا  
دلباخته هر دختری گردد که بشما  
ش شبیه است . ششمین آن « شار لوت  
نم داشت . پانزدهمین و آخرین



# نگاههایی



## از هفت اول بیم

ترجمه (م، مرود)

### شیوه‌های مفید طبابت

#### عنعنوی

از مکتب طبابت چینایی یاد می‌کند که یاد اوری از ز مینه ضروری من باشد. کره‌یی زمین ساحه بسیار عنعنوی امریکای وسطی و شمال امریکای جنو بی ا سیستم طبابت سابقه عمد دارد که ریشه های آن حت بینانگذاری تمدن های ما

اکنون مساعی گستردگر جریان است تاشیوه موثر استفاده ادویه عنعنوی در کشورهای مختلف جهان خصوصاً کشورهای رو با اکتشاف بکار گرفته شود. موقع مطالعه این موضوع استفاده از ادویه محلی و عنعنوی نیز در نظرمی باشد. مطالعه این موضوع زمینه آنرا فراهم می‌سازد تا از خدمات طبی توده‌های عظیم مردم خصوصاً در کشورهای روبانکشاف

ترجمه: میر حسام الدین برومند

## گسترش فقر و تندگیستی

### در السلوادور

امپریالیزم ایالات متحده امریکا و گروپ نظارتیان فاشیستی آنکه خودرا به حیث تمدن کنند گران امنیت دو السلوادور جازده و بر مرد ما ن بید فاع آن حکمرانی یی دارند روز تا روز تلاش‌ها یشانرا گسترش می‌بخشد که مقاومنت مسلحانه جبهه آزادیبخش ملی ((فارابوند و مارتی)) را بشکند آنکه در راس این نظارتیان فاشیستی قرار دارد، منحیث یک الله سیاستی زود گویان واشنگتن ناپیخر دانه و کورانه سترانیزی ظلم و تعدی کار پردازان امریکایی و فاشیست های السلوادور را تعقیب میدارد و پیوسته سعی برآن دارد تا در السلوادور بشکل دیکتا تورانه، سیاستیم دیکتا توران ۱۹۸۱ تروپهای راستبداد را تحمل بدادرد. این شنگنن بی شر مانه در قبال سازی السلوادور مسلط است. از اکتوبر ۱۹۸۱ تا جولای ۱۹۸۲ تروپهای راستبداد را بیشتر از پیش تحت فشار در آوردند، تا باشید که آنان با التوبه عرض و حود کند.

یکی از باغهای که در آن گیاههای طبی پرورش می‌شود، های طبی در هانگیگی و یتنام واقع است.

و عقب نگهدار شته شده مستفید استیک‌ها، انکاس‌ها و غیره گردند و طبابت بحیث خدمات عامه اکنون طبابت علمی به مطالعات وسیع در م

مومه، مراحل شفابخش  
و محنت را مورد مطالعه  
نمود.

س علمی سبب شده  
ناده از ادویه عنعنی  
و در جریان مطالعه

ادویه مفید معاصر  
نمود استفاده قرار

همین قسم مطالعات  
و اثرات دوا های

عنعنی که همین اکنون در ویتنام،  
یمن، مغلستان و حوزه بحر الکا هل

را پیش است، معلومات وسیع داده  
شد. شا ملان سمپوزیم در مورد  
اماکن استفاده عملی از یافته های

نو در چمله ادویه عنعنی بحث  
گردند و به راپور مفصل در مورد  
نتایج تحلیل اولی گیاههای که بحیث

منبع دوا در آسیای مرکزی بکار  
میرود، گوش دادنلو همچنان در

جریان این سمپوزیم عکسها و نمونه

های از ادویه محلی و یاستانی در  
عرض نمایش گذاشته شد.

این گرد هم آمی علمی، مورد  
تو چه خاص مطبوعات قرار گرفت

و زور نالیستان هم در جریان مباحثات  
زهرا این کنفرانس نه تنها در،  
چکو سلوا کیا بلکه در تمام کشور

های کو میکان در نوع خود اولین  
کنفرانس بود و قرار شد تا این  
سمپوزیم با تسویر اجتماعات دیگر  
علمی دنبال شود.

یکی از بخش های بسیار دلچسب  
تحقیق در سمپوزیم او لی عمارت بو-

از روش ووسا یلی که در طبابت  
عنعنی ویتنام بکار میرود. برای این

موضوع دو دلیل وجود داشت، او لی  
نسبت اینکه این روش طبابت در

سرایط دشوار چنگکدر معرض تطبیق  
و آزمایش وسیع قرار گرفت خصوصاً

سا در موقع عملیات وسیع علیه  
استعمار فرانسه متوجه عناوی  
طبابت در واحد های نظامی ویتنام

که شدیداً به قلت ادویه و پرسونل

طبی مواجه بودند بکار برده میشدند،  
از همین جهت است که اکنون بلوں



## مطالعات علمی روی هاو گیاههای طبی در انتستیوت طبی هانوی

استفاده از ادویه عنعنی در ویتنام عبارت است از روش رفع اعتیاد به دوا است باید متذکر شد که در سال ۱۹۷۵ پس از اتحاد شمال و جنوب ویتنام، تعداد زیاد معتادین در بخش جنوب کشور وجود داشت. تنها در سیگون آنروز (شهر هو چی مین امروز) ۵....۵ نفر وجود داشت که اکثریت آنها به هیروین معتاد بودند و این خواسته بترین انتیاد است. شفا-یابی آنها با تداوی دوا مدار و رفع اعتیاد از سر آنها صورت گرفت. در بعضی حالات از روش داغ کردن،

بعضی قسمت های وجود و بسا استفاده از گیاه های تسکین دهنده کار گرفته می شد. همچنان بیماران آماده آنسا خته می شدند، تا شرایط صحی خود را بهبود بخشنند. تائیر این روش هشتاد فیصد نسبت روشی که نو سلطمو سسات طبی در دیگر کشورها بکار می رود بیشتر بود. در نتیجه نجر به دیده شد که این معتادان با ادامه این روش به وجود یافته و تمایل شان به مواد مخدوش سه تا چار چند کا هش یافته است.

نتیجه این مطالعات نشان میدهد که راه برای ادامه و گسترش ادویه

آمده بتواند. مکتب توک نام باشاخه جنوبی ادویه عنعنی برای بار اول در تیمه دوم قرن چهاردهم تو سط نکوین بانین ثبت شد. این شخص که به نام توییقی شهرت یافته بود، چندین جلد کتاب درین باره نوشت کتاب بسیار مهم آن (اثرات اعجاز آمیز دوای جنوب) است. این طبیب حاذق محلی در باره شش صدو سی گیاه واستفاده از آنها بحیث دوای شفا-بخش معلومات میدهد. طبابت

عنعنی به استفاده از بنه های طبی که هر کدام اساس محلی دارد و این مغایر مکتب تداوی عنعنی توک باک یا بخش شمال ادویه عنعنی ویتنام است که تو سط چوکان از معاصرین تو نین تو ضیح و ترویج یافته است این نوع شیوه تداوی عنعنی از طب عنعنی چنین انشقاق یافته و مربوط دوره سه لاله هان (۲۰۶ قبل از میلاد نا ۲۰۶ بعد از میلاد) است انکا دارد بر تعليمات بود یزم، تاویزم، کانفیو-چیز در آن وخت ادویه که از حیوانات منشاء میگردد زیاد استعمال می شد که اکثر از آنها را

از دوا فروشی های شهر رضه لمی شود.

چیز عنعنی نمیتواند بسیار جیز های وجود است که مضر که گفته شود. این واضح است بشری جنبه های وجود دارد که ایجاد این مفیده دوا نموده و مخصوصاً اثرات منفی

سمپوزیم برای بحث در

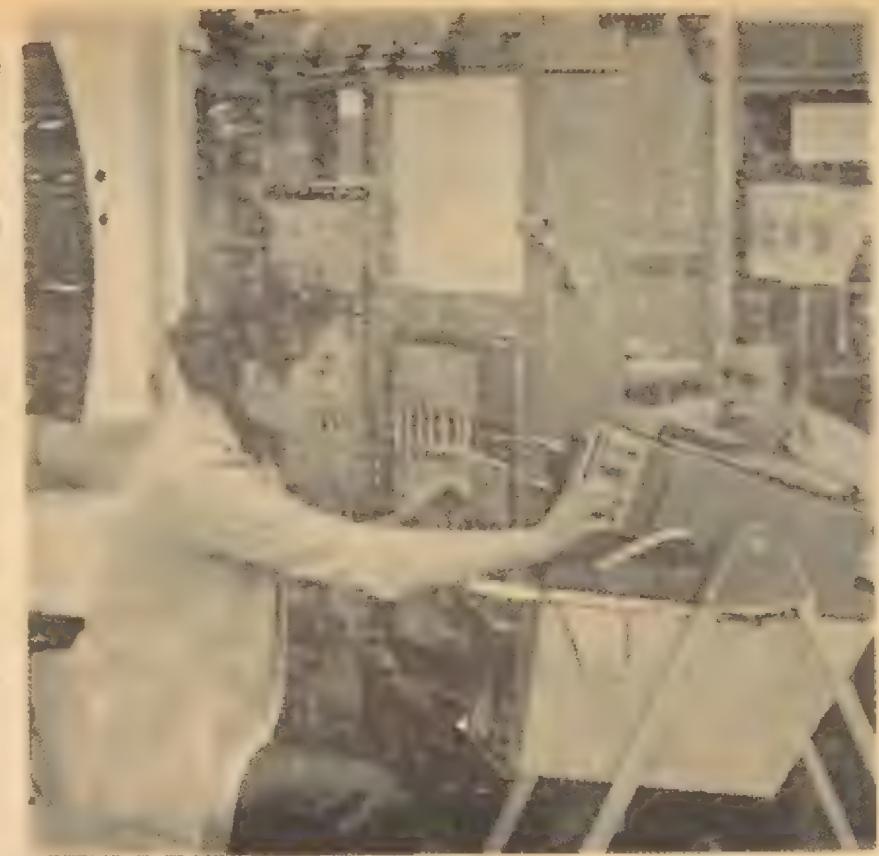
د علمي تکنالو جيکي افغان  
بروسيه ي عمبيه کي د حوانانو په برخه کي خه ويلائي شد  
ز، سيدونکي وتنيز رشد او په حوانى  
- زه فکر کوم نه شد

دوی نظر يي وړاندۍ شد  
هم دوه ډوله فکره شته  
وویلشی چې د دغه اغیزی  
دهفي هویت او خرنګ  
په ټولنیزو شرایط او  
اوه لري . بورروazi  
له پاره دوګو او پر آ  
او روزنى سوبی ته په  
دي . اوس بورروazi  
بوهان د علم يا پو هه  
حطر) پېژند سو پویز  
موبوبه نه گنه که دوګو  
ارل چې په عیني او وا  
ټولنیزو شکلونه په لاندې ډول  
دی :

لو مرۍ ، په متداول ډول سره په برياليتو ټولنیزو  
په ندې تو ګه د پرا خيدو نکو .  
يو خانګړي پانګوالی پو  
معنو ماټو او اطلاعاتو راقول او د  
خیل قابليت او لياقت اصلاح کول،  
دوهم، په پرا خه تو ګه د هفو  
واساینو او اسپابو تطبیق او په کار  
وړل، چې د علمي تکنا لو جيکي  
انقلاب به وسیله منځ ته راغلې دی،  
درېم، د حوانانو دابتکاري، علمي او  
تخنيکي کارونو د سو یې پرمخ بیول  
او په پای که د هفو ټولو ابزارو،  
آلاتو او وسایلو په اغیز من ډول سره  
به کار اچول، چې د علمي تکنا لو.  
جيکي انقلاب په ترڅ کي منځ ته  
راغلې دی .

- په اوستني وخت کي د پر ګنو  
تو لیدي عملیي ، تو ذیانی اندافی  
د کار په معیاري عملیو او بنتی دی.  
آیا دغه بخیز د حوانانو پر برخه اکي  
دهفوی د پر یکړي ټکنیکي د هکله د  
څلواک او آزاد فعالیت ، نو بمت  
او ابتکاري روشن انه نیسي؟  
- کمو نیستی ګوند پر خوانانو

باندې دکاري به زیاتو برخو کي اعتماد  
او باور کړي او کوي یې د مثال به  
ډول د بایکال ، آمور د ریل پروژه،  
د کسمول د کار خایونه او د کار  
داسې نوری بنې د حوانانو د انرژۍ  
په ابتکاري تو ګه د په کار لو یونیزمینه  
جوړول پر خې پو هم  
او د لوری سطحی کلنې  
د ټولنیزو شرایط او



د یوی پر منځ تللى مترقبی یوغوره خصو صیت په ټولنیز ، سیا سی  
ژوندانه او تولیدي چاروکي د حوانانو په فعالانه ټوګه سره برخه اخستل  
دی .

دیو هنیار محمد هاشم بشرييار ټباوه .

## حوانانو او علمي تکنالو جيکي انقلاب

ټولنې مستقيمه اغیزه او تا ټير پر  
شو روی خوانانو باندې ، د هفوی د  
ښوونی او رو زنی په سو یې کې د  
کتنی وړلوبه والي دی . له دی کبله د  
بوا هی په لاس راپړل او را غونډمول  
ددغه انقلاب یوه خرګنده نښه نښانه  
کورو .

له دی کبله «سمینا» د شوروی  
اتحاد د حوانانو مجلی لیکونکي ډلي  
دولاد یمير شیر بیستکی د شوروی  
اتحاد د کمو نست ګوند د مرکزی  
کمیتی د سیاسي بورو د غږی اود  
او کراین د کمو نست ګوند د مرکزی  
کمیتی دله مری منشم، خڅه وغوشتل

هو نو ری دا و میرا کثرأبحیث وقت و همچنان تضاد های اجتماعی نشان مید هد که این میتوان چهره هنر بحیث سلاح در تبرد عدا لات تمام نمای خصوصیات اجتماعی یاد می شود . این چهره ئبر و عصری باشد که دا و میر در ازند ه هنری ، تبارز دهنده و ازندگی میکرد .

قیمت روشن و نقاد بر از نده دید و مفکوه دا و میر در ازند زوا یا مختلف اجتماعی از طریق زمان در واقع تعهد و گرا یش بود برای انقلاب که سالیان متعدد هنر میباشد . جو زی ما رتی از هنر دوستان کیو با چند یعنی او را بحیث یک چهره روشنگرای بیان نیرو های پیشا هنگ قرن بار از این هنر مند سر شناس و هو گارت بحیث ایجاد کننده روش ( شکل دادن یک انگیزه از طریق مبالغه بیش از حد آن ) یاد عرض وجود کند ، او بحیث ( نقاد سلوک می کند : این هنر مند از نگاه تبارز کرد . کارتون های او



تابلوی پرو سیا اسا مبله‌ملی را به مردم فرانسه معرف میکند

تا ریخی بحیث ( نقاش کننده انحرافات بود تمثیل کننده کامیون شیوه کارش اتفاق داشت بهاف پا ریس ) شهرت یافت است . این همه زوا یا هنر داو میر وا قعی و بر ازندگی نقاش کلاسیک که جو هر و ذات اشیا هی از آثار او در مو زیم ملی هنرها زیبا درها و آنرا ، او ترسیم کننده واقعی هنر دوستان نهاده و مقا



نهای از هو لوزی داو میر

داو میر :

## نقاشیکهه با حساس مودم جان بخشید



# از شفته های زرگان

## گیاه در مان گشته طبی بجای چ

در بلغا ریا استعمال گیا  
طبی عموم میت دارد و به از  
همین مو ضوع و درین او اوا  
یک کو پرا تیف زرا عتی ابتدا  
در زمینه نموده است و آن  
ازین است که گیا ها ن ط  
عوض چای در جعبه های  
مخصوص جای داده شده و  
طبی این گیا ها ن و اینکه  
موا رد از آن استفاده شده  
تواند با لای جعبه (خریط  
مند کور تو شته شده و  
دکان های بازار در معرض  
گذاشته شده است . در چ  
این گیا ها ن طبی ، مسهل  
شکم درد ، دوای التها ب  
گا ستریت و سرفه ، ته  
عصبی ، ریزش و زکام  
و جود دا رد هنگا میکه کس  
ادویه طبیعی ضرورت پیدا  
کند آنرا از بازار خریدار

و بیوه بر دا ری از تنبایک  
تجارت پر مایه است .  
اینکه دود کرد ن تنبایک کو چه  
وقت آغاز شد و کشیدن پیپ  
وسگرت و سیگار چه زمانی را یج  
گردید سوال جا لبی نیست  
سوال عمدہ اینست که چرا امروز  
علی الرغم اخطار های متعدد  
دو کتو ران طب و متخصصان، مبنی  
براینکه سکرت دشمن خطر ناک  
صحت و سلامت انسانها است،  
مليونها انسان در سر تاس  
جهان به دود کردن سکرت  
مشغول بوده و کشیدن سگرت  
یک امر عادی و سنتی برای انسانها  
گردیده و فا بریکات بزرگ  
در سر تاس جهان به تولید  
این دشمن سلامت انسان شغقول  
اند و سگرت یکی از اقلام مهم  
تعاریق تی را در جهان ما تشکیل  
داده است؟ شکنی موضوع هم  
در همینجا است !!!

## د کردن تنبایک کوچه وقت آغاز شد؟

تبایک از کشف قاره امر یکا  
بتدریج آنرا دود می کرد نا گهان  
بوسیله همسرش نا فلکیگر  
شد و همسر او که می دید ازدهان  
و بینی او دود بیرون می آید به  
تصور اینکه شیطان به جسم او نفوذ  
کرده و آتش بر افراد خته است  
برای راندن شیطان از بدن همسر  
ب بود که دود کردن تنبایک کو  
قاره ها رایج گردید به این  
که سر خپو ستان بو می  
به کشت و دود کردن این  
تبایک از چند روز توانست لب به  
مجروح و بی حال افتاد و قتنی  
پس از چند روز توانست لب به  
سخن بگشاید به همسرش که هنوز  
نگران و رور مجدد شیطان به جسم  
او بود آصل ما جرا را تعریف  
کرده و به نژادهای دیگر  
سانده شده است . سر -

امروزه کارخانه های بزرگ  
سیگار سازی در سراسر جهان  
برای معتادان سیگار ، پیپ و انواع  
سیگار برگ می سازند و گشت  
با عادات سنتی و قبیله یی  
میخته بود . مگر هیچکس نمی  
که آنها از چه زمانی به دود  
سگرت پر دا ختند و یا کشت  
را چگونه آموختند و لئی  
ز کشف کرست کلمب

بوستانتی که به این قاره  
به تدریج با این گیاه و طرز  
مال آن آشنا شدند و آنرا به  
اودیگر نقا ط جهان پر دند  
د کشند گان او لیه تنبایک کو

## بزرگترین آبشار جهان

معروفترین آبشار جهان را  
پر قدرتی از بلندی سه هزار متر  
که جریان کوه پیکری از رشد  
آن جلو گیری میکند . داشتمندان  
استیتوت تحقیقات ((قطب شمال  
یکصدو پنجاه هزار کیلو مترمکعب  
میباشد و طول آن از همه دریا  
و جنوب )) لینینگراد کشف کرده

# ترکیب مضمونی خون

## نیخنگه هر رضی عشقی

۱- عناب لب های ناز ک	۲ دانه
۲- سب سرخسار	۲ دانه
۳- نو گسی چشم	۲ دانه
۴- انار سینه	۲ دانه
۵- مروارید دندان	۱۳۳ دانه
۶- خال سبز پیشا نی	۱ دانه
۷- با درنگ زنخ	۱ دانه
۸- صراحی گودن	۱ دانه
۹- انگشت های قلم دانند	۱۰ دانه
۱۰- مو های سیاه سنبنی	۲ دانه
۱۱- شربت دهن خورده قلبی	۲ متقابل
۱۲- عرض سینه	۲ سانتی
۱۳- بلند بینی	۲ سانتی
۱۴- کمر بار یک	۲۸ سانتی
۱۵- قدسرا	۱ متر
۱۶- کیلو گرام	۵۰
۱۷- نمک حیا باندازه که شوری و دوری پیدا نکند.	ثقلت وزن وجود
۱۸- کمان ابرو باندازه که عاشق جکر خون و دل پاره را خوش و	متنون سازد .

این همه را با اونگ صبر گویند از صافی البت و محبت کشیده و غایی عشق مخلوط نموده ، در حائیکه از طرف طبیب یو نانی و دا کتنا دانا تشخیص مرض شده باشد ، که واقعاً مریض بیچاره به مرض عشوی مبتلا و گرفتار است ، هر صبح باندازه دو ، دو قاشق ما سست خوره به مریض داده شود اما داکتر معالج پر هیرا زبغض و عدادوت کینه و حسن کدورت و شکایت را دستور داده لازم است که جدا خود داری شود ، هر کجا بستور فوق داکتر عمل شود اعید است بزود ترین فرصت صحبت یار گردد زیرا نسخه مذکور تجری بشد است .

بنایسته میر (محسن) ننگرهان

## کاغذ چه وقت اختراع شد؟

پرده سال قبل با خون را اجرا نماید . با کشف این یکی هیچ نصور نمی رفت اما رضی خونی ، زهری شد نخون و عیره ازین ترکیب استفاده صورت می نیارد اکنون مخلوط فلور و کار بو رها در کلینیک مورد بجز به و استفاده بیشتر قرار مگر فته است در پنجمین گرد هم آیی ((سیموزیم )) بین املای که اخیراً در شهر ماین آلمان ندد زال دایر گردیده بود مثالهای زیادی از موارد استفاده این ترکیب غرض تداوی من یسان اراده گردیده است .

فعلاً مسا بقات بین لا برا تواری های چا پانی ، امریکایی ، آلمانی و فرانسوی برای یا فتن بهترین ترکیب مصنوعی که عاری از ضرر بوده و همه عملیه های خون را ایفا نموده بتواند در جریان است .

اینکو نه رقا بت های سالم در زمینه یا فتن میتوه های جدید نداوی اقدامات بشردوستی نهاده و کاربرو ها ((بوجود و نوینی محسوب میگرد .

## دل سخت تراز سفک

وایله فصله ذیل را نوشته برسید :

- اگر حالا گفتی کدام جسم من مصنوعی است ؟

آن دوست زود جواب داد : جشم راست .

- تو میدا نستی جشم را مت من مصنوعی است . اگر کسی نداند نمیتواند بفهمد . برای امتحان حالا از کسیکه مرا نیشنا سد میگرد .

یشمن آمد و گفت : صنعتیم را عوض کردم که دیگر تمیز دادن آن نمیگرد .

گدایی کنار کوچه ایستاده بود ، باورزد یک شدیدم . دوست من یک گفتی کدام چشم هست .

الملئی و مبارزه استوار ما بر خود  
توطنه امیر بالیستی در برابر مردم  
و در برابر سایر خلقهای جهان داشت  
صنفی سیاسی و اقتصادی ناز  
دهقان و کارگر و تلاش فراوان  
مبارزه با پیسوادی همه سنت ها  
و افتخار آمیز سازمان را درین  
مید خواهد .

سازمان دموکراتیک زنان  
با وجود مسلکات کونگوون لحظه‌ها  
اصولی و بر حق خود انحراف نمود  
های ازدرا را هرچه مسترد نمود  
میان موسسات زنان و طبقات  
زنان بخصوص کارگران دهقانان  
بسط و توسعه بخشید و مسیر  
تصور اصولی تعقیب کرد .

سازمان ما از یکطرف مبارزه  
را جزء لاینک از مبارزات آزادی  
خلق ما ارزیابی کرد و عقب مانده  
تسلط نظامهای وابسته به فیض  
امیر بالیزم را عمدۀ ترین مانع داشت  
های تمام زحمتکشان کشور شد  
دیگر از بر خورد مسؤولانه در  
بعضی از زنان زحمتکش کشید  
و در میان این قشر عظیم از طرف  
بلا فاصله و عاجل واژ مبارزه داشت  
این مطالبات هیچگونه دریغ نمود  
طرح های سازمان برای برخواهی  
حقوق و آزادی های سیاسی زنان  
دستمزد زنان با مردان متفاوت است

زنان وایجاد تجهیزات لازم برای  
کوکدگ در میان زنان کشور ما  
و پشتیبانی قرار گرفت و ذمیه  
و تشکیل آگاه ترین اقتدار زنان  
وطن ماساعد مزدید .

اگر بخواهیم مثلی زنده از  
وجانبازی زنان ذکر کنیم بدون  
دشوار بیگر و عشیارانه زنان  
دوران سیاه تسلط باند حفیظ  
این صفات را دارا است زنان  
و در پیشایش آنان سازمان  
کارگری زنان افغانستان با استفاده  
و سراپای متنوع مخفی ، علنی و  
آنها حساسه های فراموش ناشی  
آفریدند . آنان چه در زنان

سرور از زنان لحظه‌ای میان  
نگفتندو بسان سربازانی دلواز  
و های خوب ایمن داشتند



نیرومند ویرافتخار باد سازمان دموکراتیک زنان افغانستان این سازمان ده صدیق همه زنان کشود .

## نگاهی مختصر به تاریخچه سازمان دموکراتیک زنان

کشور ما هم رسید قابل ملاحظه‌ای نمود و  
هموطنان ما در مسیر موج بسیج نیرو های  
متفرق و انقلابی کشور فرادر گرفتند .  
این پروسه رسید شرایط عینی تشکیل نیرو  
های متفرق در سال (۱۳۴۴) منجر به ایجاد  
سازمان دموکراتیک زنان افغانستان مزدید و به  
این ترتیب برای اولین بار در تاریخ نسبت  
رهایی بخش زنان افغانستان فرستی برخواهی  
طرح حقوق و مطالبات دموکراتیک زنان کشور  
و گسترش و تعمیق مبارزات سان فراهم آمد .  
سازمان دموکراتیک زنان افغانستان این  
سازمان مسؤول پیشو از زمانه در شرایطی  
علمی دار مبارزات دموکراتیک زنان کشور  
مزدید که رسوم و عادات یوسیده و کهنه  
نیرو های محافظه کار فیو دالی و قیا یلو و  
سلطنت مطلقه افغانستان عرصه را برای  
شرکت زنان در مبارزات تنگ و تنگ تر  
می ساختند .

سازمان دموکراتیک زنان افغانستان ناتمام  
این دشنعت مکار و جله‌گر پنجه نرم گردید .  
نهاده تاریخ افغانستان می داد .

اگر چه رسید مبارزات سیاسی نه کشود  
و بخصوص نقش قابل ملاحظه مبارزات زنان  
وایجاد شرایط عینی لازم هیات حاکمه سیاسی  
وزارتی نبود اختصاص می داد .

اما در بدیل این کار هیچگونه مزدی دریافت  
می نمایند و صاحب کار فقط به تجدید تیروی  
کار این زحمتکشان به زنده نگهداشت و به  
شدید بروگیری از کار وزندگی انسان می رداخت و بس .

زنان کوچی کشود ها از ابتدائی ترین  
سازمان زندگی اسلام مددود بود . ۲۱ میکان

شد به انجام رسیدن مرحله  
کراتیک را درگشود ما  
زین و قاطع ترین راه برای  
طالبات صنفی و سیاسی زنان  
رد و در طول حیات پرافتخار  
مبارزات مشترک با تمام نیرو  
کراتیک در راه پیروزی این  
فرو گذاشت تکرده سازمان  
ن افغانستان انقلاب شکوهمند  
امسایی ترین قدم در راه  
بهای خلق ما واژ آنجلملزنان  
ن ما استقبال نمود و برو خد  
درین راه علیه تمام توطئه  
و نمایندگان امپریا لیزم در  
امین اعمال سیا در کشورما  
ان پر داخت .

هر جله حساس تاریخ کشور  
به زنان بلا گشیده افغانستان  
یگانه راه خوشبخت و سعادت  
ن های والا انتساب ژوراست

زنان حمامه بسازماحتی در دوره اختناق خاندان نادری بدون قرس و هراس فیرمانه میرزیدند و میستگ های باشکوهی را سازمان  
میدانند .

ازاده گشور ما خواهد ماند .  
به امید آنکه هشتم صارچ راسال آینده در  
دامر دست آورد های قاطع و پر ارزش در  
دامر صلح و همبستگی تمام خلقها و در  
دامر امنیت خاک وطن خود برو گزارگنیم .  
بردازند به رژیمهای مر تعج و ظالمانه عرب  
به رژیم دکتاتوری پاکستان اسلحه و پول  
می فرستند و بر ضد زنان، مردان، برادران  
و خواهران ما به جنگی اعلام نشده می -  
سازمان دموکراتیک زنان افغانستان  
ازاده گشور ما خواهد ماند .

اجتماعی جبهه ماست مادران و خواهان  
ما برای دفاع از صلح بر ضد معاقل جنگ  
طلب امپریالیستی به مبارزه شدید برخواهند  
و خواهران ما به جنگی اعلام نشده می -  
سازمان دموکراتیک زنان افغانستان  
جبهه نیروهای صلح ، ترقی و رفاه همچنان بیشقدم و پیشانگ مبارزات زنان

سدها و زمانه ها، گوهر خاتون مادر بزرگوار  
مولانای بلخ مادر حسنک وزیر که به گواهی  
تاریخ بیهقی وقتی خبر به داد کشیده شدن  
پسرش را به او باز گفتند بی آنکه جزء و  
فریادی گند گفت :

« بزرگ مرد اکه این پسرم بود : که  
پادشاهی چون محمود این جهان بد و داد و  
پادشاهی چون مسعود آن جهان ... و سخت  
به درد گریست ... » این سخن تا هم اکنون  
که بیشتر از هزار سال از آن سپری گشته  
است . باطنین عظیمی در دھلیز سده ها  
بازتاب یافته است و به ما رسیده و می -  
بینیم که بیهقی این تصویر گر بزوگت تاریخ  
ما چه شکوهمندی از چگر آوری مادران ملت  
خرسان سخن میگوید ، یاد آ نان همواره  
گرامی باد .

## وزن را گراهی بداریم

زنان گشور ما در دراز نای پر افزایش و  
گذر ، عاشق پیشه ووفا دار ، مادرگیغسرو  
وزن سیاوش . صد ها و هزاران تن دیگر که  
در تاریخ فرهنگ ما ، چهره گشوده اند ،  
همه از شایستگی انسانی ووالایی مقام  
برخوردار بوده اند به دنبال آن د و  
های سترگی از خود به یاد گار نهاده اند .  
خرسان رابعه بلغی و مهستی گنجوی  
رزمجوان مرد افکن ، مادران پر عطوفت  
و همه زنان خیراندیش در امور اجتماعی ، همه  
تارهای طریفترین ترین روح انسان یعنی شعر  
و همه و یزه گی اهمیت زن را در آن آوان  
دوتن از شاعران . تکاره گز که بادستان نفیس ،  
به ایات و سانده است . کتایون ، مادر  
در آن راه و قف کرده اند . رابعه نه تنها  
اسفندیار روین تن از زمرة زنان آ گاه

لاب تور منجمله دیمنان  
ادی های دمو کراتیک زنان  
سازمان دموکراتیک زنان  
در دیگر با پشتیبانی قاطع  
مردم مایه دفاع از اندیشه  
منافع و مطالبات زنان وطن  
کنونی تمام تلاش خود را برای  
برضد این جانیان آدمکشان  
ت و مردان آزاده وطن ما انجام  
سازمان دمو کراتیک زنان  
آن میکند که بر آورده شدن  
دگترین مطالبات مردم ما فقط  
رشد و تکامل انقلاب نور و به  
مرحله انقلاب ملی و دموکراتیک  
ت وسی سازمان دموکراتیک  
در سطح بین المللی مبارزاتش  
بیالیزم و جنگ همچنان ادامه

یده !  
امريكا د وتلاش است که يكبار  
را به کانونی از جنگ و برادر  
ازد آن را نمی شود انکار کرد  
وشاهی ز مین اين برا د ران  
تن که ق بان سیاست ها ،

# هشتم مارچ روز بین المللی زنان

مناسبت پر افتخار دا برای نخست  
عننه مبارزه زنان افغانستان شام  
و بطور کلی بخاطر ببود و  
تجليل بعمل آورد . سازمان  
زنان افغانستان از بد تاسیس  
و هبری حزب دمو کراتیک خلق ا  
خستگی ناپذیر خویش ادامه مید

مبارزه خویش دا در دو جهت س  
از یکسو مبارزه بخاطر تامین آزا  
و اقتصادی زنان و برای برحق  
سوی دیگر سهمگیری فعال در ج  
بغش ملي کشور . زنان پاشهامت  
که از بو پیروزی انقلاب تاکن  
تحقیق آر مانهای انقلاب تور فعا  
اند روز هشت مارچ را تحت این  
زنان افغانستان از انقلاب وطن  
فعالنه دفاع می نمایند تجلیل مو  
مبارزات خویش ادامه مید هند .

انقلاب فضای نوینی را بخاطر  
مادران و کودکان در کشور ایجاد  
زنان افغانستان نیز از دست آور  
تور فعالنه و بصورت انقلابی د  
درین راه افتخار رات شهید شدن  
کردانه . پیروزی انقلاب تور  
مرحله نوین تکاملی آن در کش

مبارزات انقلابی زنان در استاد  
دولت انعکاس یافت تساوی ز  
اعلام و اقدامات عملی نیز درین  
شد . در ترکیب کوئینه ملي جبه  
پدروطن جمهوری دمو کراتیک  
تن زن عضویت یافتند . سازمان  
زنان افغانستان به تابه پیش آ  
کشور کار سیاسی تنویری و  
مبارزه با پیسوادی را به پیمانه  
میدهد که این کارها وساير  
در مجموع به معنی دفاع فعالنه  
های انقلاب تور است .

مبتنی بر همین واقعیت ها  
باشهامت و مبارز افغانستان خ  
تحقیق خواسته های جنبش جهان  
می داند و این افتخار را کمای  
در آرمان بزرگ بشریت یعنی  
صلح و علیه چنگ سهم فعال  
زنان مبارز افغانستان تازمانی  
خستگی ناپذیر خویش ادامه مید

فدراسیون دمو کراتیک بین المللی زنان  
مشکل گردیده اند در قسمت زیادی از  
کره زمین زنان به حقوق اساسی خویش دست  
یافته دو شادوش مردان و برای ایجاد جامعه  
نوین می رزمند .

در برخی دیگر از کشورهای جهان زنان  
برای حقوق اساسی خویش و برای دمو -  
کراسی مبارزه می نمایند اشتراک وسیع زنان  
در جنبش عمومی جهانی بخاطر ترقی اجتماعی صلح  
و دموکراسی یکی از مشخصات عمدۀ معاصر این  
جنبش را تشکیل داده نوید گویایی بر -  
پیروزی های بزرگ آینده آن می باشد .

هشتم مارچ را در کشور انقلابی و پسر  
افتخار خویش در شرایط تجلیل می نماییم  
که مادران قهرمان و خواهران مبارز باشهامت  
ما بادیدن سلکر های دفاع از انقلاب که از  
خون فرزندان ، برادران و دختران ایشان  
رنگین است عليه امپریالیزم چنگ طلب  
ارتفاع استبداد و هر نوع حق تلفی با دلیری  
و شهادت مبارزه می نمایند و از هشتم مارچ  
به تابه و سم مترقب همبستگی اتر نا سیو -

نالیستی زنان بمنظور تجدید تعهدات خویش  
در دفاع از دست آوردهای انقلاب تور  
تجلیل بعمل می آورند .

در روز هشت مارچ که ۷۲ سال قبل بعیث  
روز همبستگی بین المللی زنان در دو میان  
کنفرانس زنان مترقب در گویندها گن به پیشنهاد  
کلاراز تکنیک تعیین گردید زنان ترقی خواه  
سر تاسر جهان بخاطر حقوق برابر اجتماعی  
پیشرفت صلح استقلال ملي و دمو کراسی  
نتایج مبارزات خویش را جمعبندی نمودند .

در عصر ما که زندگی انسانی در گروه  
زمین په علت نیات کثیف دشمنان بشریت  
و چنگ طبلان به خطر رو بروست زنان یعنی

بزرگ زنان روسیه به تاریخ ۸ مارچ ۱۹۱۳  
با فریاد نابود باد چنگ می توان نام برد .  
کره زمین زنان به حقوق اساسی خویش دست  
یافته دو شادوش مردان و برای ایجاد جامعه  
نوین می رزمند .

در برخی دیگر از کشورهای جهان زنان  
که نیمی از بشریت را تشکیل میدهندندی -  
توان جامعه خویش بخاطر ترقی اجتماعی صلح  
و دموکراسی یکی از مشخصات عمدۀ معاصر این  
جنبش را پیش از چهار سال از بهترین روز  
های زندگی اش را به مبارزه در راه ایجاد  
جنبش بین المللی زنان به خاطر ترقی اجتماعی  
و صلح و قف نموده بود روز هشتم مارچ را  
به تابه روز بین المللی زن پیشنهاد کرد .  
ولی نه فقط برای آنکه این روز دارای مراسم  
خاصی بوده واحیاناً چنین گرفته شود و  
هدایایی رد و بدل گردد بلکه وی پیشنهاد  
نمود که درین روز زنان در سراسر جهان  
متعددانه بشنیدند و بسجند که چه کرده اند  
چه موفقیت هایی را در مبارزات خود بدهست  
آورده اند و مبارزات آینده شان را به اساس  
کدام معیارها و نیازها و خواستها باید  
انجام دهند .

از آن زمان تاکنون که ۷۲ سال می گذرد  
جنبش دموکراتیک زنان ابعاد گسترده‌یی  
گرفته و بیک جنبش وسیع بین المللی مبدل  
گشته است . سازمانهای مترقب و دموکراتیک  
زنان در اکثر کشورها ایجاد گردیده و در  
سطح جهانی این سازمانها در چوکات

برای اوکین بار به تاریخ ۸ مارچ ۱۸۵۷  
شهر نیویارک هزاران زن کارگر بخاطر  
سب حقوق مساوی با مردان و بر علیه شرایط  
کار وزندگی به راه پیمایی پرداختند .  
نیک آنان به مرکز شهر رسیدند به عکس -  
جمل شدید و غیر انسانی پولیس مواجه  
دیده و راه پیمایی مسالمت آمیز شان  
صورت وحشیانه سرکوب گردیده و عده  
اسیر شدند ولی دائر کار و پیکار زنان

و گر مبارز نساجی شهر نیو یارک موفق  
ایجاد اتحادیه زنان شده و بعداً به اتحادیه  
کار گری پیوستند .  
آن تاریخ بعد جهانیان شاهد مبارزات پرشور  
ان در امریکا کشورهای اروپایی و سایر  
سورها بوده اند . که از جمله پر جسته -  
بن نمونه های آن می توان از بیانیه  
متواتر میل در مجلس عوام ایسلندان به  
طر حق دای دهی برای زنان از اشتراک  
جماعانه ده هزار زن قهرمان در حمامه  
بون پاریس از تظاهرات پرشکوه در شهر  
دیس بر علیه دستگیری روزانه میورگ  
بن زن مبارز و شجاع آلمانی ازراه پیمایی

## درهور دزن

- پاکی و عاطله زن ، دوستی مرد را جلب می کند نه زیبایی او .

(شکسپیر)

- قلم: ذهن هر گفاه مدارا هم تواند بخشید بخوبی بک نگاه و آن علاوه داشت: بهز

# هر گئ قاز ند گئ های و حشتناک یک زن مبارز

## فلسطینی



رسمیه ادی دختر مبارز و قهرمان  
فلسطین

اعتصاب غذا بیلی :

مقامات مسئول زندان

برای ما اجا زه نمیدادند تا هفته وار با فا میل خود ملاقات نما ییم و اصرار داشتند که اینکار باید ماه یکمرتبه تکرار شود، و نیز کتابهای را که اقارب مان به مصر ف خود برای مطالعه مامی آورده اند اجازه نمی دادند در مقابل این همه فشار دشمن راه دیگری برای ما باقی نداشت بود جزا اینکه به اعتصاب تخردن غذا داشت بزنیم و با یнтерتیپ دشمن را مجبور قبو لی خواسته های خود نمایم . در روز اول اعتصاب تمام خواسته های خود را که مشتمل بر حق داشتن کتب ، رفتار درست و انسانی زندانیان و شنا سایی مابحیث یک محبوس سیاسی بود ، نمودیم . در هفته اول مسوولان زندان در مقابله با این تقاضا ماندند ، بعداز آن چند نفر را نزد ما فرستادند و آنها ازما خواهش نمودند تا از شدت عمل دست بردار شده و از اعتصاب غذایی دست پکشیم و نیز تلاش زیاد می نمودند تادر بین ما بی اتفاقی ایجاد نمایند . ولی ما از اینکه کر کردشمن وحشی صفت را خوب می دانستیم حاضر به هیچگو نه سازش نشدمی از طرف دیگر هر روز یکه از اعتصاب ماسپری می شد وضع صحی رفقا خرابتر شده میرفت تا اینکه مقامات زندان محبور گردیدند بوسیله نل

ادی یکدختن مبارز و را بید تم میگذاشتند که فلسطینی است . وی اکثر قسمت های بدنم به شمول ر زندان صیهو نیزم سینه هایم سیاه و کبد گردیده بود . یکروز آنها پدرم را به اطاق من در حالی که فوق العاده مریض بود آوردندو در حضور او بلت و کوبعن پردا

ن علاوه از اینکه خالی از از دهنم جاری شد .

وقتی پدرم این صحنے را دید مزاد آغوش خود گرفت ولی این دیو صفتان او را از من جدا نموده و مرا

در نزد او برخنه نمودند و به اوامر نمودند که بایستی با من هم آغوش

شود همین که می خواستند او را برخنه نمایند پدرم بیهوش بسویه زمین افتاد ، بعد از آن ایشان دست

و پای مر را بسته نموده و یک مرد جوان را به اطاق آوردند که بر من

تجاوز کند که من وقتی این موضوع را دانستم بیهوش گردیدم و بعداز

۲۴ ساعت دو باره به هوش آمدم .

هدف دولت نام نهاد اسرا ئیل از

این همه تجاوز و بی عفتی بر مبارزین علاوه از اینکه او نامزد من بود از

عملیات کماندویی من هیچ شناخته نمی داشت . در جریان تحقیقات پولیس

گیلاس آب را پیش روی من گذاشتند و برایم گفت تا زمان که معلوم مات

مورد نظر را در اختیار ما نگذاری اگر از گرسنگی بمیری برایت اجازه نمیدهیم که آب بنوشی . علاوه بر

آن آنها برای مدت سه روز برایم - اجازه نمیدادند که بکنار آب بروم و وقتی که اجازه هم برایم میدادند آب

را قطع میکردند زیرا آنها میدانستند که من مخصوصا در وقت عادت مان-

ر بازه دیگران معلومات رون من از اظهار معلومات

فلسطینی اینست تا پدران و مادران این دختران مبارز را وادار سازد تا

از مبارزه دست کشیده و مثل یک موجود ضعیف در محیط خانه محبوس باشند زیرا دولت اسراء ئیل این

موضع را خوب میداند که درین عننت مردم عرب بی عفتی و تجاوز بیک

دختر باعث بد نامی یک خانواده می گردد و ازین رواج شریفانه می خواهند

بدرختان مبارز فلسطین و عرب بی

ام ادامه داده و خانه مرآ خواهند نمود . ولی من

بزیر خواهند نمود . ولی من

# زنان موزمبیق همپاوه همسنگر برادران خودمی رژهند

وحشی نتوانست از میان به متابه مادران و هموطنان پدران و فرزندان خویش سیاه ترین و تنگ ترین آنگاهیکه یک مشت هوا تنفس خود نداشت پرچ مبارزه را همواره بلند و در نگهدا شته اند.

حزب دمو کراتیک خلق حزب طبقه کارگر و همه کشور از همان لحظه تاسیس فعالیت خویش کار آموزشی و سازما ندهی را در بین از وظایف مهم خود دانست مساله جلب زنان به جنب دمو کراتیک کشور توجه داد و اصولا برای نخستین بار کشور مساله زنان را به

همه جانبی طرح نمود طبق بیرون کارمن منشی عمده مرکزی حزب دمو کراتیک نستان در بیانیه افتتاحیه سر تا سری زنان کشور

(۲۸) نوامبر ۱۹۸۰) حزب در اولین مراسم از گانیک جنبش زنان را

رهایی بخش ملی و اجتماعی نموده و بایگیری در راه اصل پیکار نموده است.

ضرورت مبارزه به خاطر از قید و بند هاو سنت ها که جا معه طبقا تو و به مناسبات فیودالی و ما قبل زنان کشور ایجاد نموده بود

مشورتی طبی بوجود آمده است و در خدمت زنان اند.

آنگاه که ما از وضع زنان در کشور های تو به استقلال رسیده و پیروزی آنان سخن می پردا یم بايد در نظر داشت که همه این دست آوردها فقط نخستین گامها در راه حل مسئله زن است. مبارزات زنجیرشکن خلقها به خاطر طرد میراث شرم استعمار و تحکیم پایه های اقتصاد ملی آغاز گردیده و طوفا نزا ادامه دارد.

وضع زنان در بسیاری از کشور های وابسته و تحت استعمار ژرفای یک واقعیت ترازیبدی آنان در بسیار از کشور های آسیا یی افریقا یی و امریکای لاتین به دشواری های بزرگی رو برو اند از مغان تسلط طولا نی استعمار برای خلقهای اغلب این کشور ها فقر و مرض بیسواند

دنیج و محرومیت بوده است امپریا- لیزم با توصل به شیوه های نو استعماری تلاش دارد تا آنان را وابسته به انحصار رات بزرگ حفظ کند. از مجموع دو میلیارد و شصصد میلیون باشنده کشور های بسیار استقلال رسیده یک میلیارد آن دایما گرسنه اند. در آمد روزانه نهصد میلیون نفر در این مناطق کمتر از یک تیل دالر است. در اکثر بیان مطلق کشور های آسیا یی افریقا یی و امریکای لاتین مسئله کار زنان فرهنگی محسوب میگردند. سازمان مستقل را برای حکم می نمود. سازمانیکه برا گنده زنان را باستوار بیرون نداشت پرچ

مردم جمهوری دموکراتیک مالگاشی که یک سال قبل در نتیجه پیروزی انقلاب ملی دمو کراتیک در آن کشور سمت گیری متر قی را بر گزیده است با گامهای استوار و بلند به سوی فتح قله های شا من پیروزی به پیشروی خویش ادامه میدهد.

تمام اتباع آن کشور صرف نظر از تعلیمات مذهبی جنسی و انسانی از حقوق مادی بر خور دارند تنها بعد از پیروزی انقلاب شرکت همه جانبه زن در پیشبرد امور دولتی و اداری امکان پذیر شده است برای اولین بار در تاریخ کشور امور حکومت را زن بدست گرفته است علاوه بر صدراعظم یکی از اعضای مجلس عالی تدوین قانون اساسی نیز زن است پانزده زن دیگر اعضای کمیته انجمان بزرگی رو برو اند از اطفال یکی از مسایل محوری سیاست دو لتی این کشور به حساب می رود.

سال ۱۹۸۰ برای خلق پیر و سال مشحون از حوادث و پیروزی های استوده است در نتیجه انتخابات سال ۱۹۸۰ و بوجود آمدن حکومت متر قی

مشی جدید دولت تنظیم گردید که در روشی آن خلق پیرو به حقوق و آزادی های وسیعی نا یل آمدند.

زن پیور در بر تغولات جدید و امکانات تازه ایجاد شده سومیین کنگره ملی خویش را تدویر نمودند که مرحله پراهیمتی را در تاریخ مبارزات اتحاد یه توده های زنان پیر و گشود و دو سرا بر زنان گما شته می شوند.

قانون اساسی مورخ ۱۹۷۵ که زرگرین دست آورد انقلاب مردم و زمینی است حقوق مساوی زنان ۱۱ تضمین نموده برای زنان تسهیلات فرمی جانبه فراموش گردیده است به زنان گما شته می شوند.

سازمان زنان موزمبیق در جنبش بوده ای مبارزه با بیسواند که در سال ۱۹۷۸ آغاز گردید فعلا نه شترالاک ورزیدند همین اکشنون را سرتا سر کشور ۱۰۰ مرکز سواد آموزی ایجاد نموده است که

سازمان زنان موزمبیق در جنبش بوده ای مبارزه با بیسواند که در سال ۱۹۷۸ آغاز گردید فعلا نه شترالاک ورزیدند همین اکشنون را سرتا سر کشور ۱۰۰ مرکز سواد آموزی ایجاد نموده است که

سازمان زنان موزمبیق در جنبش بوده ای مبارزه با بیسواند که در سال ۱۹۷۸ آغاز گردید فعلا نه شترالاک ورزیدند همین اکشنون را سرتا سر کشور ۱۰۰ مرکز سواد آموزی ایجاد نموده است که

زندگی می نماید . بعد از پیروزی وطن -  
پرستان و سر نگوئی رژیم خون آشام پول بوت

جبهه ملی نجات کمپوچیا تشکیل شد و در  
چوکات آن کمیته ملی زنان نجات کمپوچیا  
نیز تشکیل گردید و چخوک چخم بعثت رهبر  
این کمیته انتخاب گردید . کمپوچیا درسا -  
ختمان جامعه توین تبا نبوده  
بلکه تمام جهان متفرق از آنها پشتیبانی  
می نمایند کمیته زنان نیز ازین پشتیبانی  
بی بهره نبوده و وظیفه سنگینی را بلوش  
دارد . چخوک چخم داکتر طب می باشد و  
بزودگیری آرزوی وی اعمار و ایجاد شفا خانه  
ها ، کودکستانها و شیر خوار گاه و قرار -  
دادن آنها در راه خدمت به خلق رنج دیلم  
کمپوچیا می باشد .

وطنپرستان کمپوچیا که چخوک چخم یک  
منال زنده آنها میباشد باروچیه عالی وطنپرستی  
شب و روز برای عمران وطن خود مبارزه  
خستگی ناپذیر خود را ادامه مید هند .  
باید بافتخار یادآوری نمود که چخوک چخم  
دوشیزه قهرمان خلق کمپوچیا به نما یندگی  
از سازمان زنان کمپوچیا قهرمان در کنفرانس  
سر تاسری سازمان دمو کراتیک زنان  
افغانستان اشتراک ورزیده بود .  
ماخذ : معلم سو تیسکا یا ژستنا شماره  
هشت سال ۱۹۷۹ .

رفت و حتی در میدان نبرد در جنگ های  
تن به تن حصه می گرفت در ماه اپریل ۱۹۷۵

جلاد معروف بول پوت کمپوچیا را اشغال نمود  
و اولین اقدام وی عبارت از برقرار ساختن

رژیم « نظامی مطلق » بود .

در اکثر نقاط کمپوچیا « کمون » های را که  
دواویقیت مرآکز زیر و سکنجه بود ایجاد

نمود و حداقلی از وسائل زندگی در آنجا  
دیده نمیشد و اشخاصیکه در کمون ها دست  
به مقاومت می زدند جابجا تیر بازان می -  
گردند .

برادر بزرگ چخوک چخوک چخم نیز بر ضد رژیم  
بول پوت به مبارزه آغاز نمود و او را در

مزروعه برج و حشیانه با خالی نمودن یک  
شاه جور به قتل رسانیدن عساکر بول پوت

دوخواهر چخوک را با خود برداشت و از آن  
ها تا حال اطلاعی نیست ممکن آن ها نیز در

راه آزادی شمید شده باشند و دو برادر دیگر  
وی نیز مفقود الاثر می باشند در کمون ها

بدون در نظر گرفتن وضع صحي اشخاص کار  
های اجباری بلاوفقه ادامه داشت و افراد

مسلح کنترول می نمودند تاکسی در اجرای  
اعمال ساقه سهل انکار نه نمایند و این

چخوک چخم همه این اعمال را تحمل نتوانسته  
ودر کمون هلاک شدند و برادر کوچک چخوک

که صرف هجده ساله بود در جنگ تن به تن  
شمید گردید . چخوک چخم فولاد پنون بن به تنهائی

کابل رول قابل ملاحظه را ایفا کردند  
و برای اولین بار نماینده سازمان  
دمو کراتیک زنان در پارلمان بکچوکی  
بدست آورد و صدای نیرو مند زن  
برای دفاع از حقوق و آزادی های  
دمو کراتیک در پارلمان کشور پلند  
شد .

در جریان مبارزات انتخاباتی  
و بعد از آن از طریق واحد های  
اساسی سازمان و فعالین آن حتی -

الامکان با قشر های مختلف زنان  
تماس بر قرار گردید همچنان به  
موازات آن سازمان در زمینه های

دفاع از حقوق و آزادی های دمو -  
سالهای بعد از ۱۳۴۴

آگاه و مترقبی افغا نستان  
مایشی و تجربه سالهای  
مکمل دمو کراتیک سالهای

سعه سازمانی بوده است  
از مان دمو کراتیک زنان  
به ابتکار رهبر جنبش

صیت بر جسته سیاستی  
رفیق دکتر سوس اناهیتا -

در وجود یک محفل کوچک  
۱۳۴۵ گام ارزنده و مفید -  
در راه رهایی نصف نفوس

سا ساختن صدای آزا دی  
طا لبات ایشان بر داشته

له بعد اثر تشکیل سازمان  
دوره دوازدهم پارلمان -

که با وجود سلطه و تحریر -  
اع سیاه و رژیم فیودا لی

قت . تعداد قابل ملاحظه  
متدان و شاگردان تشکیل شد که

روی اصول و موازین مردمی و سازمانی  
مانی رهبری و مشی سازمان بحث

آزاد و تبادل نظر دمو کراتیک صورت  
گرفت که در نتیجه آن تصا میم تمر  
بخشی اتخاذ گردید .

بحیث نماینده های شهر

## خطاب به زن

ای زن بیا که خوانیما مروز این ترا نه  
مر عسعادت ماسرزد ز آشیانه

دیگر نه جای داری در کنج تنگ ز ندان

با مرد همنوا شو بیرون بر از خانه

ای زن نزد آری می خوان کتاب اجداد

آزاد بوده ای تو ای با ستان زمانه

ای زن کل قشنگی ، کا نون نام و ننگی

از لطف و مهر بانی حقانو بی نشانه

# با چخوک چحمد ختر همبارز کمپوچیا آشنایش وید

شاعر تا جکستان شو روی

انقلاب ثور

باد سرد از نوبکا بل میوزد  
در بها ر نوزسوی نسو بهار  
لاله میکا رنده د ردشت و دمن  
خلق افغان در بهارخو شگوار  
بی زوال است انقلاب با شکوه  
مثل هندو کش به مر ز کو هسار  
انقلاب آوردازدی به خلق  
در دل این سرزمین نا مدار  
در دفاع از انقلاب خویشتن  
هست پو یامرد مافغا نید یار  
انقلاب گرم سرما دیده گمان  
باد تا باشد رو ندر و زگار



دوی بھار

بها ر مير سدو بوی يسار ميا يد  
نها ل صبر و شكيم بيار ميا يد  
شفق دميد و مرا مزده و صالح آور د  
كه آفتا ب د لم در کنا ر ميا يه  
با سما ن خيا لش فر شته دل من  
قرار ميرود و بيقرار ميا يد  
بيا بيا گل با غ بها ر زند گي ام  
كه از خزان تو بوی بهار ميا يد  
ز ديد ه و دل من اشك لا لـ افشا ن است  
سرود عشق از يين ۲ بشـ ارمـ يا يـ  
بر گ رـ گ دـ لـ منـ موـ جـ زـ نـ گـ يـ سـ رـ وـ اـ نـ  
اميـ رـ فـ تـ زـ دـ سـ تـ دـ وبـ اـرمـ يا يـ  
شفـ قـ بـ كـ لـ بـ دـ لـ نـ وـ رـ ماـ هـ مـ يـ رـ يـ زـ دـ  
بتـ اـ رـ وـ يـ زـ دـ وـ جـ وـ دـ مـ شـ رـ اـرمـ يا يـ  
دوـ بـ اـ رـ دـ اـ منـ اـ يـ نـ دـ شـ تـ آـ شـ يـ نـ گـ دـ دـ  
شرـ اـ رـ بـ دـ لـ لـ اـ لـ هـ زـ اـ رـ مـ يا يـ  
بـ كـ لـ بـ دـ لـ اـ لـ شـ مـ جـ وـ دـ اـ نـ سـ وـ زـ  
كهـ حـ سـ تـ هـ بـ دـ لـ شـ اـ متـ اـ رـ مـ يـ اـ يـ



شاه رضا ((منشی زاده ))

نشہ معجون

قلبی که ترا نشناخت، آشفته و پر خون بـ  
افسرده زد و ران و پیژمرده ز گرد و نـ بـ  
چشمی که ندیدهست، بینا نه بـ سود بـ یشـلـ  
ذهنی که نه یاد تکرد، دلسته اـ فـسـونـ بـ  
ما رابه طمع هر گز، از جـا نـتـواـنـ بـ سـرـ دـ  
قـانـعـ بـهـ نـگـهـ اـزـ توـ، اـزـغـیرـ تـوـ بـیـرـ وـ نـ بـ  
گـرـ کـسـ کـهـ نـیـاـ زـارـ، پـندـارـ کـهـ نـکـوـ کـارـ  
ازـ عـاـقـلـ مـرـ آـزارـ، نـادـاـ نـیـ مـجـنـوـنـ بـ  
اشـکـیـ کـهـ زـدـلـرـیـزـدـ، باـشـکـ شبـ آـمـیـزـ  
صدـ موـجـ خـطـرـ خـیـزـدـ، حتـیـ کـهـ زـ جـیـحـوـنـ بـ  
درـ عـالـمـ تـنـهاـ بـیـ، دـ رـحـاـ لـتـ شـیدـاـ یـ

## چنگ

همچو مو ج رود ها خمیا زه گر  
چون فقا ن مستمندا ن پر اثر  
چون نوای بال بلبل در بهار  
ناز بخش غنچه امید وار  
اوج گیرد چون به سوی چشمها د  
چشمها گیرد رنگ چشم اشکبار  
لرزش چنگت چولرزموی چنگ  
مرغ دل در چنگ گیرد بی درنگ  
چون سر انگشت بلرزد روی چنگ  
نا له در کهنسار بر خیز دزسنج  
در نوا یش جمله پنهان رازها  
رازها در پرده های سازها  
چون صدای سبزه در نوسان باه  
دختر رمه چران زو گشته شاد  
یا صدای فال دهقان در زمین  
خوش به گوش مردمان خوشچین  
گویش : ای ما هر نگار نفسمان  
ای پری ، ای ناز نیسن ، ایدلنوای  
چنگ را سوی لبان خود ببر  
آشنا کن غنچه با گلبر گ تر  
چنگ زن ، ای چنگز ن بیباکومست  
تاکه پاکوبان بیفشنایم دست  
روح ما با تغمه های گونه گون  
وارهان ازماجرای چند و چون  
چنگ همچون من بود رنج آن مون  
باشد شن افسانه های پرسون !

دلو ۱۳۳۵ - شهر کابل



## شکایت

از ازل بر دل من عشق رقم گردیده  
تا پرستش کنمیش یا در صنم گردیده  
چقد را نظر خلق نما یامنیان  
حسن او در همه آفاق علم گردیده  
د عوی عقل و جنون را بقضاتتوان برد  
زا نکه بر عقل و جنون عشق حکم گردیده  
یا ر میگفت بمن مهر فرا واند ارد

بر خیز و زا ری کن دمی  
و بیقرا ری کن دمی  
مان ابر های راهجوی  
شا عر شو د یله خوی  
ی عشق پیچان در سحر  
ره و دریا پیر  
د شتهای سینه سوز  
را شمع هستی بر فروز  
مله های بر فکیر  
با د نو بها را ن در صفير  
دره های خوشنمود  
چون بر فراز شعله دود  
ستهای خو شنمای  
ر مقدم دهقان بسای  
\* \* \*  
شعر از دل زا ر مبدل  
منوردم کن سفر  
پیو سته ، بی پروا و مست  
کوی د ختری ، عاشقپرست  
ای دلبر پنا آورده ام  
از اشک و آه آورده ام  
قوت جان بینوا  
رنج روانم را دوا  
کف گیرو بالاکن سرت  
از رخش با چا در ت  
آنکش گرده آهنگ درست  
ش گرده آهنگ از نخست  
ر کو ره تا بش داده است  
آنکه شرا بش داده است  
آن محصول دهقان نده  
ش نفمه شاعر گره  
آنکش د ختر دهقان زند  
زیکر افغان زند .  
آن همراه آهنگ شبان  
دار سوز اسرار نهان  
لگش چو خوی آهوان  
و حشیست پاک و بیز یان  
رینش بالب عناب رنگ  
ار غ زپرد از فر نگ  
چون گل سرخ بهار  
خنده اش رنگ و قار  
ش با پسر انگشت چو سیم

نئه از : هما (علی زوی)

صل یوهنجی حقوق و علوم سیاسی

# نمای فرستادهای شما: شعر - قصه - مقاله - حکایت

## بهار

بهار آمد ...  
 فراراه دونه گمی ، جنبش و ت  
 خلق بالندگی ها ۰۰۰ بهار دیگر  
 انسان فرا رسید .  
 باموجی از سر سیزی و خرمی و  
 بنه ها ، زمین و درختان از ق  
 سپیدزمستانی را بدور انداخته و  
 بهاری را باناز و کرشمه دربرمیکشد  
 بستان ، دشت ، و دمن میگردد  
 این کوههای قد بر افراسته و  
 ولی کوهها ۰۰۰  
 قهرمانان اسطوره‌ی بیرون خدشهو  
 از زهستان دارند .  
 درخت با تسمیه بهار زنده می  
 بازورشده غنچه ها زاده میگردد  
 برگهای سبزیه ۰۰۰  
 و بر گهای نوزاده ، از پرده  
 بدرسته و بارنگ سبز در پیچ و  
 طبیر و ملایم ، سر زده و آغ  
 و در نخستین دیدار ، جلاش  
 پنهان میگردد ۰۰۰  
 دنستها از سبزه هاوغلهای نو  
 شده و دامنه ها از رنگ شقایق  
 گون به دنگ شراب سرخ در  
 و نسیم از گلیای عطرالشان  
 روح انگیز .

مشکار شده و در پهنه دامن  
 خرم عطر هارا تا دور دستها  
 وادیها و مرغزارها ، تا دامنه  
 تاتله ها ، بر فراز کوهساران ،  
 و صخره ها آنطرف ساحل و رو  
 آبشاران که از بالای کوهپایه  
 سرکشیده کرده و لجام گسیخته  
 واقر در روی زمین برای خود بسته  
 پهن میگند و میگسترد ، و  
 فصل نشانی از شادابی زمان  
 ... وبالآخره تازه‌ای آسمان  
 و دمه های سپیدگون و غلیظ عطر  
 میسپارد... و تاعمر روح و جسم انسان

خواننده باید وجود قهرمانان را عیناً احساس  
 نماید و خودرا در قالب وی پندارد ، ضمناً  
 نویسنده تکناره تا ذهن مستعدش تحت  
 تأثیر ضوابط اندیشه های غبغیر آن و شیوه  
 های متناول تغیریگرانه غربی رفتہ و از تعاس  
 مستقیم با آثار اندیشه وران و قلمزن  
 مترقی و اندیشه‌های پیشتر و عصرش دور ماند  
 پرداخت و چگونگی تکارش داستان فاشی  
 از قریעה هنری تکارنده جماعت محتواهای و مضمون  
 یک داستان خوب را می‌سازد ، از جمله عناصر  
 یک قصه ، سوژه یا مضمون است که باز  
 تاییست از عینیت ، حقیقت ، و واقعیت که  
 بایان هنری از اینه میگردد .  
 مقدمه قصه که تشریحیست گوتاه و دلپذیر  
 به طور غیر مستقیم ونا خود آگاه خواننده را به  
 محتوى و مضمون داستان داخل میکند . نویسنده  
 پرسوکاژ قصه اش را از میان مردم و اجتماعی  
 انتخاب کرده وبا دادن شیوه خصلت عینی و  
 واقعی به آن ، قصه و بافت اجتماعی میدهد  
 که در پرسویه گره افگنی و هیجان و اوج متكامل  
 قصه بارور میگردد .  
 و نویسنده ما بدين طریق با خلق چنین

آثار ارزشی و زیبا در گستره دانش زمان ما  
 نوونه‌های بی‌مثالی از ادب کشور خواهند گردید.  
 و تاریخ کمین پرغنای ادب کشود و از گنجینه  
 های ادبی خویش پر غناتر و مکمل تر خواهند  
 ساخت .

## چند سخنی در باب قصه‌ای زیک

### نویسنده جوان

ستان نویسی‌های نیست به غایت پیچیده نویسنده باید ژرف نگر ، باریک بین ،  
 واقعیت گرا ، موشکاف ، با مطالعه و دارای  
 احساسات نیک باشد تا بتواند داستانی تحریر  
 کند که از عمق احساسش واز وجنان پاک و  
 رستگارش سر چشم میگیرد : نویسنده باید  
 تضادی داشته باشد عادله ، تاباعدالت  
 تگاری اش اذهان عامه را به سوی خوبی ها  
 و رستگاریها و ندیشه های پیشرو و مترقی  
 گرایش دهد و براست اجتماعی اش را به صداقت  
 و پاکی تکاریده و ذهنیت عالم را به سوی  
 افق تابان خوش بینی ، وحدت اجتماعی  
 و مودت همیستگی سوق دهد . این نکات رسالت  
 اجتماعی و عظیم یک نویسنده را مشخص  
 می‌سازد .

نگفته نباید گذاشت که نویسنده قصه‌لزوماً  
 باید شناخت عینی از جامعه و عصر خویش  
 بایستی داشته باشد . و در تعیین کرکترها  
 حداقل دقت ، و تعمق را به کار برد تا  
 داستان خصلت اجتماعی بخود بگیرد .

محمد نبی «صلاحتی»

### تنکی همیله!

دغه سپرلی کی خو شحالی د هرزبون غواهم  
 نوی احساس ، تازه بنکلا ، زنگین ژوندون غوا بهم

وینه کری له خو به ویره خلکورته و رکری پوھه

۱۶۷ نوی از دهانه د گران همه اد سیمون غوازم

نشستن داستان و قصه ، سعی گردد ،  
 ل همه جانبی به بررسی و پژوهش گرفته  
 رای نویسنده تازه کار و مبتدی لازم است  
 ز روشنگران عصر خویش یاری جسته  
 گنجینه های فکری قصه نویسان مایه گیرند

## وصف جمال

### خيالوي خوب

چي را په ياده شي ثها راشي  
سر په زنگون گرمه سودا راشني  
پوب شم دفکر په خيالونو کي ذه  
لار شم دميني په خالونو کي ذه  
وروسته په چيفو زره زمارا شسي  
چي را په ياده کرم ثها راشي  
نا ستببر سر غيري گريوان يمه مزه  
لكه مجنون سر په بيا بان يمه مزه  
كله به خواتهمي ليلي راشي  
چي را په ياده شي ثها راشي  
ستاند ديلن يمه ارما نبي محبوب  
به عشق کي ستا مستي محبوب  
طالع بهوي که زما بيا راشي  
چي را په ياده شي ثها راشي  
که مي خندا او که ثها ده ليلي  
زما له تادا تمنا ده ليلي  
که يو خلي زما پر خوا راشي  
چي را په ياده شي ثها راشي  
بسيم

گر خط و حال را بستا يم چه مي شود  
حسن و جمال را بستا يم چه مي شود  
و زيب و جمال وصف کمال است و راسني  
گر من کمال را بستا يم چه مي شود  
خو بي مگر در آن قد موزون يار نيسست  
آن نو نهال را بستا يم چه مي شود  
پادا ش نيكو يي نبود غير نيكو يي  
گرا يين مقال را بستا يم چه مي شود  
زا هد زقهر حمله بيجا چه مي شود  
من وجود و حال را بستا يم چه مي شود  
بالا گرفته کار نوایم زقدیار  
روح خيال را بستا يم چه مي شود  
جمعي ستوده ما لک و ارباب جاه را  
شوریده حال را بستا يم چه مي شود  
محبوب جمله صورت يار ست و ديدنش  
مي مون خصال را بستا يم چه مي شود  
صاحب کمال ، مرد مك چشم عالم است  
صاحب جمال را بستا يم چه ميشود  
در دشت بي کرانه و گسترده جهان  
چشم غزال را بستا يم چه مي شود  
(هادی) نياز مندم و پستي نمي کنم  
قطب جلال را بستا يم چه مي شود

### اجتماعي

صبح دو قاسق بهتون سربت  
ا فانم فولادين اهانت بالکمال  
تامين صحت و سلامت هموطنان  
مايد بعد جامه راستين کار و  
کنيد .  
هتيين در خدمت گذاوري به مردم  
وسرواست روانه دفتر شويد .  
دو قرص تابليت شکيب و برد  
به بود صحت خوش صرف  
کارهای محوله خوش داد  
و خلوص نیت آغاز نموده و با  
 تمام سعادت کار با جديت  
و در اخر روز نتیجه کار هاي  
و جدان سپرده و بعداز تحليل  
جزء يه فزيکي و كيمياوي ، و  
بيولوژيکي آنرا يكاييک سنجيده  
عمومي و فضوات هيات با -  
 و جدان و حاصل نمودن اطميان  
بودن کار روزمره خود ميتوانيد  
استراحت نمایيد .

### پسر لى په پښتو لندې يو کي!

د پسر لى کييفت او پښتو  
رۇند د تا ئير او جذبى نه ھكى خىنۇ  
لندي په لاندى چول و ۋەناندى كېنى  
پسر لى داغى مىلان چۈر سو  
دا دا بىل كىل بىل چۈر جانان لەر ورومه  
په پسر لى غونئى تە خىزو  
دانق مىنځ کى مو مىلان گو لى دىتە .  
پېرىلى بە ستاله كېرىخ خوار شى  
بە زرغونو جستو دى مات گرمه نە گلۇنە  
خدا يە سېرىلى تو مىلان گل سو  
زما د زره مىلان سېيل و هلى دېتە .  
زما د زوه مىلا بە راسه  
بە بورو خلکو سەر زەنە بە زەنە .  
د سېرىلى - چى ما يە زەنە

نن سبا دىغ زمى شېرى او ورخى  
نۇ د پښتنى رۇند يوھ چىرى په زره  
بورى هنداره بىل كېرى .  
او بە چىرى اوچىتلەسويە په خېل دلکشە  
قوت پە زېرو تو اغىزى پېښە  
دلته مو زەنە لندى چى دى زېرو  
او با شەما متە او لىس خىنى غو پېښى  
او پسر لى رۇند انثۇرى ، لىكۆ . اميد  
دى چى د نوى كالد سېرىلى دى يادېت  
بەلەر كى بە د پېښتو ادب مينا نو او  
دېسىرىلى مىنە وا لو تە په زېر پورى  
وى حدى نى وکپى ، چى بورى  
كالد د نوى رە سېرىلى د گرمان هېپار  
زېرو نو کى د نوى رۇند ، خوا نى هېپار  
دېلىزى خەن ئەغا ئەجىس سەبات

ای ذيل به خاطر بېبود صحت  
نمایيد از جمله از خيانات  
و غيره کار عاي منافى اخلاق  
و اجتناب کنيد .  
رېد صحت قان بىكلى سالم  
مردم صرف نظر كېيد فەرسەس  
غ و ترقە انهازى باخت الۋايس  
گذاشت كە بىمير هيلى متعاين  
شە موض داستېتىر و عاقب  
يسازد .

رەواجات و جمار بود ، د  
هدايت يەن كېيىم ئەغا ئەجىس سەبات

## زنان کشور ما

ما یقین کا مل داریم  
کشور ما این حقیقت را  
کرده اند که آنها نیم ای  
جا معه اند و انقلاب ما  
ونا بید و پشتی با نی حزب دمو-  
به پیروزی نهایی بر سر  
مردم هما نا مردان و  
نستادند که امروز که ای  
مردم کشور ما با جنگ  
از بیان و امیر یا لیزم رو-  
واز جانب دکر اعمال  
امیر یا لیزم جهانی صد  
بخطر اند خته است و  
مردم ما منجمله زنان د  
مرحله احساس تاریخی  
و جهان خطیر تر است  
ما یقین کا مل داریم  
مشکلات فایق خواهیم  
بعه ایده آل را در کشته  
خواهیم اورد . فرخنده  
مارج - زندگ باد زنان  
قهرمان افغانستان .

پیروزی های چشم گیر حزب و دولت  
ملی و اقلابی شان در راه ببر-  
وزی و به زیستی مردمان سربلند  
و آزاده کشور میباشد در پیام  
امسال کمیته مرکزی حزب دمو-  
کراتیک خلق افغانستان بمناسبت  
۱۰ مارچ گفته شده است که : از  
همین جاست که امسال هشتاد  
ماجر در کشور ما تحت شعار (زنان  
افغانستان از دست اوردهای  
انقلاب نور - منافع وطن و مردم  
خوبیش فعال نه دفاع نمایید بر-  
کنداز میگرد ) .  
همه مردم افغانستان اطمینان  
دارند که سازمان دموکراتیک خلق  
زنان افغانستان این پیش قرار اول  
و تنظیم کننده مبارزات قهرمانانه  
زنان این کشور - بشکل پیکرها نه  
و دلیر انه این خواست بر حق حزب  
دموکراتیک خلق افغانستان . را  
بیاری همه زنان میهن مادر عمل  
بیان ده خواهد کرد .

نوجه و ارزشمند در این مورد  
تدویر گفرا نس سرتاسری  
زنان افغانستان میباشد که در  
برتو مرحله نوین انقلاب تصور  
بنا زیخ ۷ قوس ۱۳۵۹ با جلال  
شکوه خاص و با شرکت نما -  
یند گان طبقات و اقشار مختلف  
زنان در کابل گشایش یا فست  
بیرون کارمل منشی عمومی کمیته  
مرکزی حزب دموکراتیک خلق  
افغانستان و رئیس شو رای  
انقلابی جمهوری دموکراتیک  
افغانستان با بیانیه پر شور علمی  
وانقلابی شان این گفرا نس را  
افتتاح فرمودند . هکذا بیانیه  
اسانسی گفرا نس که خیلی  
همه جانبه علمی تهیه شده بود تو سط  
دکتور انا هیتا راتب زاد رئیس  
سازمان دموکراتیک زنان افغان -  
زنان زحمتکش وطن از درد فقر -  
بیان ری - بیسوادی - تبعیض -  
واستداد شدند زعامت مرحله  
نوین و تکا ملی انقلاب نور به نیکی  
درگز کرده است که رهائی زنان  
لزقید ستم با منافع توده های  
و سیع زحمت کشان و طن مطا بقت  
کامل دارد . مرحله جدید و تکاملی  
انقلاب نور افق های و سیع راجه  
از تقاضی نقش زنان در تحقق پلان  
بود هکذا کمیته مرکزی حزب  
دموکراتیک خلق افغانستان ضمیمن  
ارسال بیانیه این دیگر  
به عهد زنان کشور ماست که از  
این شرایط دموکراتیک و مساعد  
استفاده های مثبت و همه جانبه  
این گفرا نس افغانستان براحتی  
ارسال بیانیه این شرایط  
نمایند . بهترین مظہر این شرایط  
توجه و با اهمیت دیگر در این  
مساعد هما نا تامین همه جانبه  
گفرا نس هما ناشتراک نمایند  
و عملی و قانونی تساوی  
حقوق زنان و مردان  
میباشد . چنانچه  
در اصول اساسی جمهوری  
دموکراتیک افغانستان که حیثیت  
شور راه صلح ) میباشد .  
اینک امسال زنان آزاده ورز-

بیان صفحه ۲۳

## اوهو گ تا ۰۰

بعاطر آزادی وطن خود  
اند .  
در قسمت تعلیم و تر  
معیط زندان باید یاد او را  
دشمن جدا کوشش می  
اوقات تقویح و بیکاری د  
به نفع انقلاب فلسطین ثبت  
بین المللی این حق را  
بود تا با استفاده از ا  
قانونی در تغییر رفقاء  
وزیریم . در بین ما یه  
منور و تعلیم یا نته و  
کسانی که از نعمت  
بودند وجود داشت که  
را به صنوف مختلف طبق  
رفقای تعلیم یافته مایم  
سیاست ، فلسفه ، سیاست  
ندریس می نمودند . و  
زندان دا نستند که این  
توییز ذهن محبوبیت غیر  
است تحریم این کلاسی  
نماینده صلب سرخ  
اجازه نمیدادند تا کتاب

از دو سیان خود کتاب اخذ بداریم  
و همه اقارب ما حق داشتند که  
هفتنه یکبار از ما دیدن نمایند .  
پیروزی ما در زندان بر خدم  
دشمن محصول وحدت همه جانبه  
رفقای مبارزها بود که دشمن را بزراند  
آوردیم . مابا وجودیکه از سازمان  
های مختلف با ایدیا لوزی های مختلف  
در آنها گرد آمده بودیم ولی در مقابل  
دشمن مشترک امیریا لیزم و صهیونیست  
نیزم هیچ نوع اختلاف در بین ما  
مو جود نبود .

یکروز برادر زاده ام که پنجساله  
بود در زندان نزد من آمد و من اورا  
گفتم تا برایم آواز بخوان و او به  
خواندن آوازی که در باره فلسطین  
بود شروع کرد همین که یو لیس  
زندان فهمید که او در باره فلسطین  
نماینده نمیدادند تا کتاب

# هـ فـ اـ رـ يـ اـ بـ اـ يـ اـ بـ اـ يـ اـ بـ اـ يـ اـ بـ اـ

## بـ زـ رـ گـ يـ چـ حـ وـ رـ شـ گـ اـ هـ مـ دـ اـ

استادان حتی از روشنی هم پیشروع  
تبارز میدهد بدین الزمان فروزانفر  
میتواند.

ظہیر از شاعران زبر دست قرن  
ششم است در قصیده سبک خاص  
ولطفی دارد و تغز لات اونغزو دلپذیر  
است) هکذا ذبیح الله صفا چنین  
اظهار عقیده میکند (ظہیر شاعر و  
استاد سخن سرای پلیع بایان سده  
شش از جمله بزرگان قصیده سرا  
یان و غزل گویان است.

بهر حال شناسه مان پیشین و امروز  
قدرت سخنوری وزیبایی کلام ظہیر  
را اراسته با تمام فنون ادبی دانسته  
باستاد دیش گواهی میده هند دوره  
حیات ادبی ظہیر را که ازا وسط قرن  
پنج منبع گرفته باوایل قرن هفتم  
منتسبی میگردد روزگار در خشان  
شعر و ادب دری خوانده اند زیرادر  
آن مام و سال شعر اسیما ادبیات  
را باجوهر زبان بسی صیقل داده  
بویژه در خراسان ماوراءالنهر و سیستان  
سخن سازان لفظ و معنی را در  
روشنی تشویقات امرای وقت طراوت  
وجلال خاصی بخشیده اند تشبیهات  
دیگر اهل این دوره یکی هم ایجاد  
تر کیبات تازه آمیزش مرکبات عربی  
لغات تر کی است در ذمه شعرای که  
این تحول را پدید آورده اند استاد  
ظہیر فاریابی نسبت بدیگران بیشتر  
مهارت نشان داده سبک ظہیر را  
محصول وضع روحی و شخصیت  
ادبی او بنداشتند اند ولی بعضی  
حلول سبک انوری را در شعر ظہیر  
نظر میدهند مگر استاد خسرو و  
یکمده دیگر از ادب شناسان گفتند

پریزادان خوش سیما خوانده است  
آذر بیک دلی در آتشکده ظہیر را بیک  
دو دمان علمی نسبت داده مینویسد  
(اویه حلاوت گفتار و بلاغت اشعار  
نیها یت امتیاز دارد) ظہیر احق در  
سخن وری فرید عصر خود بوده و  
در قصائد ابیات رنگین دارد دولت  
شاه سمر قندی گفته است ظہیر  
بی نهایت فاضل و اهل و در شاعری بی  
قطیر بوده است محمد عوفی در لباب الـ  
لباب مرقوم داشته (دیوان ظہیر مطبوع و  
مصنوع است) و شعر او لطفی دارد  
که هیچ شعر ندارد) حمد الله مستوفی  
معتقد است که ظہیر (کلام شیرین و  
سخنان نازنین دارد) عارف روشن دل  
کشور مولانا عبدالرحمن جامی در  
بهارستان ظہیر را از مشاهیر و  
افاضل دوران شناخته دیوان آنرا  
از نگاه لطافت و روانی مطبوع و مصنوع  
خوانده است و غز لیات حافظ را در  
سلامت همدوش قصاید ظہیر میداند  
صاحب خزانه عامره گفته است (ظہیر  
فاریابی حکمیست قرین ابو نصر  
فاریابی و ریاضی و فلسفه و اسرار مایه  
شادابی) بنابرین صدرالحكما یشنس  
مینویسند.

اما آوازه بی سخن وری استاد ظہیر  
فاریابی از زادگاهش تا سر زمین  
داده ظہیر فاضل شکر ف سخن نیکو  
ضمیر شاعر شیرین کلام و خوش

جمال ادبی سر زمین فاریاب از قرن  
چهارم هجری زینت بخش اوراق  
تاریخ گردیده همین در خشش  
تاریخی نشان میدهد که سر زمین  
فاریاب زادگاه بسی نوابع علمی و  
ادبی بوده که مایه ادبی کشور ما  
نـ قـ رـ سـ وـ دـ مـ دـ اـ (معجم البلدان) در  
میباشدند از جمله ابو سحق سعدی  
مؤلف معرفت الرجال از فرزندان  
دانشمند کشور است که در فاریاب  
متولد گردیده همچنان ابو عبید  
جوزجانی شاگرد ذهن اپو علی سینا  
صاحب دوازده اثر علمی و تحقیقی  
در قصائد ابیات رنگین دارد دولت  
شاه سمر قندی گفته است ظہیر  
بـ نـهـایـتـ فـاضـلـ وـاهـلـ وـدرـشـاعـرـیـ بـیـ  
قـطـیرـ بـودـهـ اـسـتـ مـحـمـدـ عـوفـیـ درـلـبابـ الـ  
لـبـابـ مـرـقـومـ دـاشـتـهـ (دـیـوـانـ ظـہـیرـ مـطـبـوـعـ وـ  
مـصـنـوـعـ اـسـتـ) وـ شـعـرـ اوـ لـطـفـیـ دـارـدـ  
کـهـ هـیـچـ شـعـرـ نـدـارـدـ) حـمـدـ اللهـ مـسـتـوـفـیـ  
زـینـتـ الزـ مـانـ مـتـوـ فـیـ (۵۷۷) هـجـرـیـ  
ابـ الـ قـاسـمـ عـمـامـ الدـینـ مـحـمـدـ بـنـ اـحـمـدـ  
الفـارـیـابـیـ مـوـلـفـ خـالـصـتـهـ الـحـقـایـقـ  
لـمـافـیـهـ مـنـ اـ سـالـیـبـ الدـقاـیـقـ (۶۰۷) وـ  
یـکـ تـعـدـادـ زـیـادـیـ اـزـ عـالـهـانـ وـشـاعـرـانـ  
شـمـبـیرـ کـهـ درـ فـشـ اـفـتـخـارـاتـ رـاـ دـرـ  
ادـ وـ مـعـرـ فـ بـرـ اـفـرـاشـتـهـ اـنـدـ گـرـچـهـ  
هـرـیـکـ اـزـ يـنـ دـانـشـمـنـدـانـ دـرـ وـقـتـ وـ  
زـمـانـ خـودـ بـائـرـ اـبـراـزـ آـثـارـ عـلـمـیـ دـرـ  
زـعـرـهـ رـجـالـ سـتـرـکـ عـلـمـیـ اـحـرـافـ رـاهـ  
نمـودـهـ اـنـدـ بـنـاـ بـرـ گـرامـیـ بـودـنـ مـوقـفـ  
فضـیـلـتـ شـانـ مـوـرـ خـینـ وـ مـحـقـیـقـینـ  
عـصـرـ وـ زـمـانـ اـزـ آـنـهاـ یـادـیـ گـرـدـهـ اـنـدـ  
بـ تـذـكـرـ دـادـهـ اـسـتـ .

ستـوـ فـیـ (۷۲۰) درـنـزـ  
فارـیـابـ رـاـ درـوـفـرـتـمـیـوـهـ  
آـذـرـبـایـجـانـ وـاصـفـحـانـ عـرـاقـ گـیـشـاـپـورـ  
درـخـشـنـدـ گـیـ یـافـتـهـ آـهـنـگـ روـجـ بـخـشـ

معرفی دو کتاب تازه :

دکتور نصر الدین شرفزاده و  
اسمعیل عبدالرحمن

مولف در تر تیب  
(فرهنگ تغییریکی) عن  
طرز نو شتن واژه ها  
نداشته از سبک عا  
نو یسی استفاده نمود  
در انتخاب واژه ها  
تغییریکی که از وظایف  
کوشش کرده است  
شنا سان به شمار می  
را از مواد زبان گفتاری  
البته لغات (فرهنگ)

دری بیشتر معمول بو  
عات جمهوری د مو  
ستان نیز مورد استفاده  
در آخر فرنگ .  
بخش (راهنمای) گه هم  
دری و روسی میباشد  
است .

چاپ (فر هنگ) م  
حات تغییریکی رو سی  
برای به وجود آوردن  
دری و کار بردا مسلسل  
ز مینه تعیین هماهن  
برای کلمات فنی مورد  
و کار مندان رشته ها  
می شود باید تذکر داش  
مختصر اصطلاحات  
به دری) برای خوانند  
شماگران مکاتب مسلسل  
زبان روسی ، محصلی  
کارمندان ، انجینیران  
کار گران رشته های  
نظر گرفته شده است  
\*\*\*

از :

## جروح نا گوش، گلو

گلو و بینی عنوان ک  
است تالیف دکتور  
وولا تین رو مانو و پیچ  
اخیرا به وسیله دیبا  
گلو و بینی اکادمی  
و لایه نش آلمان

# فر هنگ مختصر اصطلاحات

## تغییریکی روسی به دری

پرو هش قرار گیرد و این وظیفه زبان  
شنا سان میباشد .

این فر هنگ از طرف دکتور  
اورا لزاده تالیف گردیده و انتخاب  
معادل های دری لغات و تصحیح آن  
تو سط بو هاند نگهت سعیدی و  
دکتور ناریمان عبدالله یوف که هر  
دواز زبان شنا سان ورزیده دری می  
باشند صورت گرفته است . در  
فر هنگ فوق الذکر قبل از پیشگفتار  
به زبان روسی و دری (فسرده) مضمون  
و هدف مختصر آن تذکار داده شده  
است .

در پیشگفتار کتاب در باوهی

منابع مأخذ که برای تدوین فر هنگ  
استفاده شد نیز تذکراتی به عمل  
آمده است .

مؤلف در مقدمه کتاب پیرامون

تاریخچه تدوین فر هنگش نیز نکاتی  
چند به بیان آورده است .

بر اساس گفتار مؤلف برای

تر تیب معیار معین زبان ادبی و  
محاویری دری و شیوه کار بردا دقیق

تر جمه و برای تر تیب فر هنگ های  
دو لسانی ساحتان گونا گون صنا

بع مشکلات زیادی را به میان

میاورد . در غیر آن وضعیت اصطلاح-

حات ساحوی رشته های مختلف

نکتو لوزی و ساینس و مخصوصاً صا

اصطلاحات تغییریکی زبان دری آموختن

دقیق را نیاز دارد .

مسوده بی فر هنگ تغییریکی وزارت

عارف ، کابل ، افغانستان سال ۱۳۴۹

فر هنگ اصطلاحات نوین ، کابل ،

افغانستان ، سال ۱۳۵۸ (مؤلف

محترم تالقانی )

فر هنگ مختصر اصطلاحات

جیو لو جیکی روسی به دری ، کابل ،

۱۹۷۸ .

لغات مختصر اصطلاحات اقتصادی

و تغییریکی دری به روسی ، دوشنبه ،

۱۹۷۹ وغیره



دکتور خالنظر اورال زاده مؤلف  
فر هنگ مختصر اصطلاحات تغییریکی  
روسی به دری

«فر هنگ مختصر اصطلاحات  
تغییریکی روسی به دری» قاموسی است

تالیف خالنظر اورا لزاده دانشمند

زبان شناس معاصر که در ۱۹۲

صفحه به وسیله وزارت اطلاعات و

کلتور به تازگی از چاپ برآمده

است .

ذخایر لغات زبان دری مثل دیگر

زبان ها محصول یک سلسله دوره ها

بوده ، در برای اکتشاف زندگی

اجتماعی و اقتصادی و فر هنگی با

پیشرفت علم و تغییریکی و کلتور و

ادبیات مردم ، ترقی نموده ، و غنی

میگردد .

در نتیجه اصطلاحات جدید علمی و

تغییریکی وهم اجتماعی و سیاستی را

وجود می آورد .

ساخته است، طیا و های تُقیل  
بمب امکن بی ۵۲ بطور مدا و ماز  
پایگاه های مستقر در استرا لیسا  
و ((گوا ما)) بر فراز بحر هند در  
بر واژ است. هکذا از بهار امسال  
به اینطرف یک ما هواره‌انکشنا فی  
بیو سته بحر هند را زیر نظر  
دارد.

ایا لات متحده امریکنا و  
منحدین و شر کا یش در یسن  
مو صع گیری ها و فعالیت همراهی  
کرده و می کند فرانسه، انگلستان  
و آسترالیا هم در بحر هند  
حضور نظا می دارند. انگلستان  
یک تعداد کشته های جنگی  
خویش را از شرق دو ربع  
بحر هند انتقال داده است و هکذا  
فرانسه و یک تعداد از کشور های  
دیگر نیرو های حر بی خود را  
در نقاط مختلف این منطقه مستقر  
ساخته است. در حالیکه معا فل  
اجتماعی و سیاسی جهان خواهان  
قطع فعالیت های نظا می درمنطقه  
میباشد و لی ایا لات متحده  
و محدین هم پیمان آن بر خلاف  
این خواست مردمان صلح دوست  
جهان فعالیت های نظا می خویش  
را تشدید می کند. نیرو های  
تجاور و جنگ با انجام ایسن  
فعالیت ها علاوه از تشدید  
تشنج سعی دارد تا آزادی کشور  
ها می منطقه را مورد تهدید قرار  
دهد، قیمه میت خویش را بسر  
دولت های منطقه تحمل و آنها

را به مسا بقات تسليحا تی بکشاند  
قرا ر آمار رسمی و قابل اعتبار  
نهما ماما لک شرق نزد یک  
۴۸ فیصد تما م اسلحة وار دا تو  
جهان را خریداری می کنند.

هکذا کمک های نظا می تاز  
ایکه ایا لات متحده به یا کستنا ف  
نموده و می نماید و هکذا تبدیل  
نمودن پا کستنا به راندا ر متا  
دندا ن مسلح منطقه بجا ایران  
نیز از جمله پلان های تحریر یک  
آمیز و تشنج زا درین منطقه می  
باشد از آنچه گفته شد فوراً این  
نتیجه بدست میاید که امریکا

ساخته است، طیا و های تُقیل  
بمب امکن بی ۵۲ بطور مدا و ماز  
پایگاه های مستقر در استرا لیسا  
و ((گوا ما)) بر فراز بحر هند در  
بر واژ است. هکذا از بهار امسال  
به اینطرف یک ما هواره‌انکشنا فی  
بیو سته بحر هند را زیر نظر  
دارد.

گرچه ظاهر ایا لات متحده  
و متحده ین ناتو و دیگر دنیا له روان  
آن از تامین امنیت راه های بحری  
برای حمل و نقل نفت و دیگر  
مواد خام دم می رند، ولی حال  
کند سنه و یقیناً حلال نیز برخلاف  
اقدامات نافع که درین جهت  
صورت می گیرد مو ضع کمی می  
کند. ازینجا سمت که واقعیت  
ها بر ملا می شود. امپریا لیز م  
تنها و تنها امنیت خود و تامین  
منافع خود را می خواهد و این  
از سر شت خود خواهانه اش ناشی  
می شود هر زمانیکه بلند گوهای  
امپریا لیستی از امنیت در بحر هند

شود. در چهل و سه کشور سا  
حلی و جزیره ای و قاره ای این  
منطقه در حدود یک تلث نفوس  
شود.

ازینجا حیات بسر می برند. پنج  
آینا و راه های متعدد و مهم بحری  
از تبا ط بین خاور دور آسترالیا،  
ازو پا و شرق نزد یک و افریقا  
تامین کرده است. لذا این منطقه  
یک منطقه پر جمعیت، از لحاظ  
سوق الجیشی مهم واز نظر منابع  
زیر زمینی خیلی غنی میباشد و  
ذخیر طبیعی آن کم نظیر است  
زیرا در اعمق آن تقریباً ۶۰ فیصد  
ذخیر کشف شده نفت و یورانیوم  
جهان سر ما می دارد و نصف  
ذخیر طلا نهفته است.

حالا ببینیم که آیا کشور های  
امپریا لیستی از امنیت در بحر هند  
ن راه جهت حمل و نقل  
خصوصی کسی های  
ت حد اعظم استفاده  
د و در بدو امر پرا من  
راه به نفع اقتصادی  
چنان به نفع استحکام  
نی است و لی بیادیا -  
۱۹۸۱ را که به  
و چار میں و سی  
اجلاسیه مجمع عمومی  
مل متحده با پیشنهاد کنفرانس  
بو مر کن سر یلا نکا به  
ه مواتقت نامه جهت  
حر هند به منطقه صلح  
بود. ایا لات متحده در  
ل با تشکیل این کنفرانس  
ورزید و دنیا له روان  
بیکار اعضای پیمان ناتو  
کنفرانسیه ای همراهی  
کنفرانس نه تنها به  
نر سید بلکه این موضع  
و ضد صلح ایا لات  
لا و ه از آنکه مو جب  
مردمان باشند  
حر هند گردید، انجاز  
فلی متر قی و اجتماعی  
نگیخت. مردم و محافل  
و متر قی خواهند  
دان شتند و حق دارند  
از خواهش را ازین

### تابع و تکارش محسوس

# بحر هند باشد

## منطقه صلح باشد

حرف می زنند منظور آنها دست  
با ز گذاشتن شان در چور و  
چپاول ثروت ها و منابع طبیعی  
منطقه است. امنیت بزم امپریا -  
لیز م هما نا غارت ثروت های  
کشور ها و سر کوب همه نهضت  
های آزادی بخش ملی و سر کوب  
مسابقات مردمان در راه آزادی  
ملی و اجتماعی است.

مالک از ویای غربی و دیگر  
کشور های سر ما می دارد که  
بخش اعظم نفت استخراجی و دیگر  
مواد خام بدست آمده در کشور  
های این منطقه را به مصرف می  
رسانند و اکثر این مواد را از راه  
های آبی این منطقه حمل و نقل  
می کنند به امنیت و تامین صلح  
درین راه های علاقه مند هستند؟ در  
بدو امر باشد چنین باشد زیرا  
در منطقه بحر هند و خلیج بزر -  
اگر امنیت این راه های مهم  
سوچ الجیشی مختلط شود مواد  
اختیار دارد و به عجله مصروف  
مذکور به کشور های فوق  
ایجاد بحر یه پنجم مرکب از چهل -  
الذ که رسیده نمی تواند ولی

# نوسفان قلمرو شعر و فصله

ارسا لی اتحادیه نویسنده گان

## دویا...

محمد هو سی فر کیش

بزد ، دست نوارس بسر  
غم را ، اندوه را از قلمرو  
برا ند و آن فر یاد درو  
خا موش کند آن نعر  
را که میگفت :  
— انتحار ...  
جوان با طرف افسنگر  
حیلی تنها بود .. در که  
هر زمان نیکه با نتظر ((  
یستاند یکجها ن خوشی  
قلبیش از شادی میخوا  
سینه بیرون برد و به ما  
هاو به دیار بکر ... اما  
قلبیش از غم فشرده شده  
و آوا ایستاده بود ..  
میدانست که (( او )  
رو یای سا بقش نیست  
دیگری سپرده اند . بیاد  
چند رو ز قبلا :  
دو سه رو زی شده بو  
ر اندیده بود آشفه و  
مینمود .. پای درخت  
بود ، بدشت سر زده بو  
را پانیده بود و نی ...  
گم شده بود .  
جرئت اینکه از دیگر  
دختر بیکاره ای را بگیر  
از رسوانی واز بیخر دی  
دهکده اش میتر سید ،  
نیکه در تاریکی ها می ز  
وجز راهی تاریک نمیداد  
بالآخره او را ، گد  
رو یارا یافت ولی  
رو یای او رابه جبر  
داده بودند . دختر را به  
خته بودند واین برای او  
ناک بود ، رنج آور بود  
فرسا ..

چنان رقیبی نبود  
رقابت با رقیب زمیندا ر  
پدرش دهقا نی بی بقدر  
که از بس کمر بزمین خ  
کمر ش خمیده می نمود  
تو انسنه بود یگانه فر  
بمکتب بفرستند و خر  
هنوز آن ایام بز دن  
تحصیل بیادش بود ، چ  
درد دهنده بود آنروز ه

لها یش را میگسترد و جوان بیاد  
گذشتنه نه چندان دور میافتد :  
— در پای همین درخت با او ،  
بار و یا آشنا شدم .. درخت  
آنرا مان بر گداشت ، شور  
داشت زیبا نی داشت . وما هم  
چون این درخت غافل بیاد پائیز  
زندگی نبو دیم .. همه چیز برای  
ما زیبا بود ، همه چیز ، سپیده  
صبح ، آفتاب داغ نمیروز ، عصر  
و عرب و حسی تا ریکی شب برای  
ما نموده زیبا نی ها بود . برای ما  
باز با نی بی زیانشان سخن  
میگفت ما محظوظیت بو دیم  
و محظوظیت ما .. آ ، که چه روز  
های خوشی بود آنروزها ...  
جوان چرخی بدش رش زد . یاد  
ایام مرده در او زندگ شد  
بودند . احاطه اش کرده بو دند ،  
همه جا او را میدید ، رو یا یش  
را .. پای هر درختی ، کتا ری  
هر سنگی خود را با او می دید  
صدایش را از لا بلای شاخساری  
می شنید میپنداشت همه جا حتی  
بر گهای خشکیده و پژ مرده  
خاطره از آندو در سینه دارند  
مرغکان با زمزمه خود صحبت  
از آندو میکنند و صبا سخن عشق  
آنها را بگوش ها میرساند ..  
ولی حال جوان تنها بود غمین  
وافسزده .. بر گهای خشک  
گام بر میداشت بر گهای زیر  
پایش صدا می کرد و از هم میباشد  
شید .. جوان زیر لب گفت :  
— او گفته بود امروز عصر  
میاید ..

و سپید نش لرزید و ندامت چو  
سیلابی عصیا نگر اورا درهم گرفت  
آهسته نالید :

— چرا او را گفتم بیاید .. او  
دیگر از من نیست .. او را ، رو  
یا یم را از من گرفتند ..  
سخت نادم بود فکر میگرد که  
چون غریقی امواج غریونه  
است و چنین غریقی بهر خسی هم  
دست میبرد تا شاید راهی تعاقی  
یا بد ولی او میدانست دستش  
تو انسنه بود یگانه فر  
هنوز آن ایام بز دن  
تحصیل بیادش بود ، چ  
درد دهنده بود آنروز ه

شتنده راه آنها همیشه و هر زمان  
چنین تراست .  
در اشتباوه بودند در غفلت  
و ظلمت . در تیر گیها نارسا  
نیها ، نا دانیها و خرافات راه  
گشتنده و خود میدانستند این  
گمشده بروان از تیر گیها است  
و بیرون از خرافات و لجه  
این تیر گیها بر بدنشان رخنه  
کرده بود چو جدا م ، با آنها در  
آمیخته بود . آنها را ذره ذره می  
خورد ، می پو سید و معمو میگرد ..  
آنها ازین درد بی خبر در تاویکی  
ها می زیستند و چو قطره با ران  
در بحر ظلمت غرق شده بودند  
و سینه ، به سینه صخره های  
مرگ میزدند . و جز علم چه  
چیزی میتوانست آنها را از قلمرو  
سیه جهول بیرون کشید و آنها را  
از آن درد که آنها را می خود  
نجات دهد ، آندود یکه همه گلها  
را بود س میگند ...

جوانی ایستاد . نگاه می  
سکسنه اش بکوشنه ها سرگشید  
و او دست بد رختی نهاد و با  
افسر دگی گفت :  
— سرا هم از درخت آرزو ها یم  
جدا کردنده ..  
فریاد سیطا نی ، یک فریاد  
بسان را نجات در درونش  
از همه حاکمه شده .

از صدا یش یاس میباشد همه  
ان در د بود ، رنج بود . حکایت

پیری با پشت کمان بی ((همه چیز)) نمی‌مانیم ...  
بدینسان رو یا برای اخوشی‌ها راه‌راه آورده زندگی‌زا با او آموخت زندگی را با و آموخت و را هی فرار از تیر گیها را ...  
اما حالا رو یا او را گرفته بودند و همه آرزوها یش را به خاک سائیده بودند ..  
روز قبل را بیاد آورد که مادر پیری‌ش را به خانه پدر رو یا فرستاده بود اما وقتی ما در شن برگشت .  
- برگشت چهره چر و کیده او را اشک شسته بود و هنوز هم میگریست :  
- پسرم از او بگذر .. پدرش مرد طما عی است او را بمرد پو لهاری داده بمن رحم نکردند و مرا کشیدند .. از او بگذر پسرم ..  
اما او دیوانه وار فریاد کشیده بود :  
لطفا ورق بزنید

و مهر سیرا ب کرد . جوان خشن حال آنهمه ظلم‌ها و نارسانیها را از یاد برد و بود همه چیز برای او کشور شیرین زندگی داشت واین ارungan عشق او بود .. و گاهی با دختر از نابسا مانیها سخن میراند :

- آه که ما دهقانان و زحمت کشان چه زندگی مصیبت با ری داریم ..  
و دختر بالحن نواز شکرانه می‌گفت :  
- ما می‌توانیم ازین مصیبت رهائی یا بیم بشرط آنکه یکدست و متعدد باشیم ..  
و جوان حال چسان میتوانست قلبی پاک از نفرات آدمیان داشته باشد ..  
و هر گز تصویر نمی‌کرد دیوار نفرات قلبش فرو ریزد ، دژپولادین آنوقت .. آنوقت زمین از خود ما می‌شود صاحب خانه می‌شویم دیگر این ارباب نمی‌ماند که خون مارا بمکد و مادر گل عشق نشاند و آنرا از محبت ای شان به دور از زمین ارباب کمرش دو تاشده خمیده بود و قتنی رو ز آخر نزد ارباب رفت تا حصه اش را ، مزد کار و زحمت کشی اش را بگیرد ارباب با مخصوصی کمی برا یش داد بوي گفت :

- دیگر بتوجه احتیاج نیست .. دیگر بزمین‌ها مانیا ئی .. و بیرون فرو افتاده ترا از همیش برگشت چون او دیگر مرد پسر نیروی نبود و ارباب با گرفتن نیروی پر بهای جوانی او باومزدی هم داده بود : پشت کمان و کمر خمیده ..  
و جوان حال چسان میتوانست بازیگر بران بقلبش اهیکه مملو از تماسخر و بعد با و گفت :  
ای نیست دها تی ..؟ رای او دیگر در آن از جایش بلند نش را بست . ۱. شک چشمها نش عجله داشت نه محقر شان رسید طوب بود ..

سته اش سرا و را بر هر روزش همینظرود و غمین به خانه مادر او را تسلی مرض سو زندگ را هی بست و اشک از چر و کیده چهره ..

آن روز بعد مکتب یکر توان تیشخندها هر آلد را نداشت پاک و بیرون یا یش ت انبیا شته شد ، ییان ، آن آدمیان که محبت پاک کرد هبودند مهر گاه لطیفتش کو ..

ن پسر بجوان خشن و مندی مبدل شده با قلب آگنده از



نه .. نمی توانم ..  
و عصر آنروز او را ، رویا را با  
بسربندی دیده بود خیلی عجله  
و آهسته نایله کرد :  
ـ رو یا .. ؟!  
ـ دختر بطرف او آمد و صدای  
دلپذیرش گوش مرد را نوازش  
کرد :  
ـ تو ... بو هنوز اینجا سنتی !!  
لذت شوق پیکر جوان را بهم  
فخرد و برای لحظه آن فریادها  
خاموش شدند . کلمات بزم حمت  
از بین لبان رنگ پریده اش  
بیرون پرید :  
ـ با زهم اینجا آمدی رو یا ..?  
ـ دختر با هستگی گفت :  
ـ من اینجا را هیچگاهی فراموش  
نمی کنم .. اینجا لانه عشقمان بود  
و کاشانه محبت و آرزوها يما ..  
ـ بچه امیدها نیکه اینجا میآمدیم  
در حقیقت ذو نفر ازین اجتماع را  
کشته ایم و قتل کردیم .. می فهمی  
دختر قتل کرده ایم .. و ما قاتل  
خواهیم بود ...  
ـ دختر اشکر یزان به سینه  
جوان سر نهاد :  
ـ نه .. قاتل نی ..  
ـ مرد جوان سر دختر را بالا  
کردو به چشمان سیه و بیر یا او  
خیره سند چشمان نیکه همیشه بر  
قلبش آشوب میاندخت و حال  
می باشد با آن چشمان و داغ  
کرد ..  
ـ صدای خفه اش را از گلوی  
بغض کرفته بیرون کرد :  
ـ و تو دختر که چون یک  
رو یا در زندگی من در خشیدی  
اکنون برو .. برو و بکوش با  
شو هر ت زندگی خوشی داشته  
باشی ...  
ـ مگر یه غم آسود دختر با صدایش  
آمیخت :  
ـ آه خدای من .. نی ..  
ـ جوان مصمم بود بدختر زندگی  
بخشد :  
ـ حالمانمی توانیم با هم باشیم  
ـ دختر ... دست سر نوشست  
ـ هارا از هم برد و اما تو میتوان  
ـ نه ...  
ـ میکرد :  
ـ هر دو با هم .. یکجا بمیرید  
ـ هر دو با هم .. یکجا بمیرید

موهای معراج او را بساد  
بیازی گرفته بود زانو انش لرزید  
داشت حرف با و گفته بود که :  
ـ فردا غروب پایی همان  
درخت ...  
ـ و جوان دهقان پنداشت  
صدای او را از قعر گوری می  
شنود ..  
ـ مرد جوان تکانی خورد چشما  
نش را که اندیشه ها بهم  
آورده بودند باز کرد و با تعجب  
با طرافش نگریست .. همه جا  
سیاه بود و سیاهی شب :  
ـ دهکده را با خوش کشیده بودو  
او پای در ختنی عریانی زانو  
زده و اطرافش را بر گهای  
خشکیده گرفته بود و صدای  
خشش آن بر گهای پژ مرد در  
گوشش می نشست .  
ـ جوان آن درخت عریان .  
ـ میدانست چقدر تنهاست ، تنها  
چون آن درخت عریان .  
ـ در تاریکی ها نظر کرد  
و گفت :  
ـ او نیامد ...!  
ـ سخنا نش از بین دندان های  
کلید شده اش در لا بلای پرده  
شب خزید :  
ـ او دیگر نمی آید ...  
ـ و چنین می پنداشت که تیرگی  
ها با وهم چیره شده چون نعره  
آن غریبو شوم را می شنید  
ـ میآرzd :  
ـ انتحار ...  
ـ فکر میکرد این کلمه از پرده  
شب از نوای شاخسار و از  
زمن مه هر بر گه برمی خورد :  
ـ انتحار ..  
ـ و جان میگیرد بزرگ می شود  
ـ و چون سیلا بی سر افگن بربند  
ـ نش رخنه می کند ، جوان فریاد  
ـ زد :  
ـ نه ...  
ـ و در تاریکی ها دوید . از بین  
اشجار راه باز کرد ، بر گهای را

ی هفتة غیر نظا می هند و خلیج نیز از میلیتا ر یستی و تجاوز است گون نا شی می از تشکیل کنفرا نس کو- تبدیل بحر هند با فضای ن به منطقه صلح دا ئمی، بحر هند بشکل قا طعانه محکوم گردید هر انسان عقلمند و بیغرض می درین منطقه ، بر- یگا همها و تا سیاست محو ذخائر سلاحها را سایر سلاح امها ر

د ها مستقیماً با نقشه های یک نظا می و اقدامات متعدد امریکا در تضاد بحر هند هیچ پا یاه سراسر را بر قراری سلطنه های ساحلی و هسم- هند و ذخائر عظیم طبیعی تکیل می دهد هم چنان کرات اتحاد شوری روی پس از سال ۱۹۷۸ که به ازطرف ایالات متحده می تواند هکذا باید

رفت با دلايل فوق مدد می تواند همچنان که ایالات متحده براي نیروهای این اقدامات خطر ناکخویش ی واقعی و غیر واقعی دموکرا تیک افغانستان جهاد خواهان غیر نظا می شدن بحر هند می کشد و با این شیوه خلیج بوده و خواهان بر چیزه شدن پا یگاه همای نظامی امپریا- لیستی از منطقه می باشد.

برای کنی های خوشی شرار می دهد . این تبلیغات و کینه توزی یک علت دیگر هم دارد و آن اینکه کشورها غیر معتمد و افسع در منطقه ابتکار طرح غیر نظا می ساختن بحر هند و خلیج را بعده داشتند .

اجلا سیمه بو روی هیأت زئیسه شو رای جهانی صلح که اوا یل سال گذشتۀ عیسوی در آنتا- نا ریو تشکیل جلسه نمود ازطرف جنبش هوا داران صلح تمام قاره ها اعمال امپریا لیز مریکا در بحر هند بشکل قا طعانه محکوم گردید هر انسان عقلمند و بیغرض می بیند که بر خلاف دولت های امپریا لیستی که پیوسته تلاش می و رزنه تا تقویت نظامی را در جهان بدست گیرند برا رسیدن به این هدف واهی هر چه ازدست شان پوره است ، می کند .

بر عکس ، اتحاد شوری در منطقه ندارد و درین منطقه دست اندرکار تقویت نیروی سترا تزیک و نیروی بحری خود نیست در حالیکه اعمال امریکا منا فعساير کشورها منجمله اتحاد شوری را تحت تهدید قرار می دهد . لذا بخوبی نتیجه گرفته می توانیم که از مانند کتاب زیر بحث به نشر آید و پژوهشگران و محققان امور طبیعی فرستاده باشند از این امکانات به منطقه تشنج بدوش نیروی های امپریا لیستی میباشد .

نیروهای ای صلح دوست جهان منجمله مردم و دولت جمهوری دموکرا تیک افغانستان جهاد خواهان غیر نظا می شدن بحر هند می کشد و خلیج بوده و خواهان بر چیزه شدن پا یگاه همای نظامی امپریا- لیستی از منطقه می باشد .

ای غیر معتمد و افسع منطقه بحر هند . زنده باد صلح .

## جروح ناریه .

در شرایط کنونی که همهی علوم وبالخصوص علوم طبی هر روز با کشفیات تازه رو برو است و ساخت آن به پیمانه وسیع گسترش میابد یکی از عمده ترین خدمات برای آگاهی دکتوران و افزایش معلومات آنان در زمینه کار شان تالیف هاو ترجمه های تازه پیرامون روش هاو متوجه های تو شناخته شده و کشف های تازه طبی است که سطح دانش مسلکی پژوه هندگان جوان را افزایش دهد . آنان را در کاری که در پیش دارند مسلح تر گردانند .

جای خوش بختی است که اکا د می علوم طبی قوای مسلح کشور پادرنگ نیاز مندی های فروانی که در این زمینه وجود دارد و به منظور گسترش ساخته شده فعالیت فر هنگی خود و مدد رسانی به دکتوران و پرسونل طبی نیک متوجه کاستی ها و کمداشت های مادر چاپ کتب مسلکی بوده و باز هم فرآ هم آوری امکانات و تسهیلات زمینه هایی را کار سازی میکند که کتب و رساله هایی مفید و بالارزشی از مانند کتاب زیر بحث به نشر آید و پژوهشگران و محققان امور طبی فرستاده باشند از این امکانات بهره گیرند .

کتاب جروح ناریه و ترخیصات گوش، گلو و بینی که به همکاری دوپزو هشکر شناخته شده افغان و شوروی به دست چاپ سپرده شده دارای یکصد و چهار ده صفحه است به فقط بزرگ که در آن عنوانین :

(او صاف و مشخصات جروح ناریه گوش گلو و بینی) (میکا نیزم و طرز تشکل جروح ناریه گوش، گلو و بینی) (تشخیص رادیو لوژیک جروح ناریه گوش، گلو و بینی) (جروح ناریه گوش گلو و بینی) پر نسبیت و میتوود قطعیت جراحتی و تداوی آن) (شوك

# نویسندهان قاهره و شاهزاده

## روایتی که به حقیقت پیوست

با غ بسیار زیبا و پر از  
انبوه بود ، هوا می معطره بـ  
ها داخل اتاق میشد . سیم  
منظره ای دل انگیز را پوشـ  
بسیم یتیم بود ، پدر و  
سیزده سالگی در اثر طـ  
حوادث از دست داده بود  
خانه نداشت در خانه یکـ  
که مال داری و کشتزار زیـ  
حیات به سر میبرد تا صـ  
تحصیل کرد ولی بعد از مـ  
و مادر از تحصیل باز ماند  
کودکی خودرا به یاد آورد  
خاطرات خوشی از آن داشـ  
گیش با پدر و مادر مـ  
سرور بود .

در آن زمان هیچ نـ  
بود که رنج یعنی چه ؟ مـ  
چیست !

پی برده بود که زند  
و کشنده است ، بد بختی  
تیر بر مغز انسان فشار  
سالها و ماه ها می گـ  
با قلب پرامید و آرزو در  
واندوه بزرگ میشد ، از  
ومطالعه در هنگام فراز  
میکرد ، آرزوی بزرگی  
می پرورانید ، میخواست  
باشد واحساس درو نـ  
خفته قلب خودرا بر صفحـ  
در آورد ، به جامعه ، به  
که به او به دیده تحقیر  
نفرین بفرستد . باخود  
که چرا خداوند او را از  
مادر و آغوش گرم دست  
شان دور ساخته است  
درین مدت چند سـ  
و مادر خود را از دست دـ  
دست نوازش به سو شـ  
بود .

اکنون جوان زیبا و نـ  
بود . از طرف روز در زـ  
میکرد ، از طرف دیگر  
که هم پیدا میکرد به مـ  
برداخت .

این پسر زیبا که اسمش بـیم  
بود همه بچه های دهکده او را زاغ  
صدای زدن . پسر سیاه چهره با  
چشمان سیاه و قد بلند بود ، همیشه  
تنها می گشت ، با خود حرف مـیـ  
زد همیشه در تفکر واندوه به سر  
می برد .

در همان جایی که خوا بش برده  
بود ، صدای او را از خوا ب بیدار  
کرد . وارخطا بر خواست در چند  
قد می خود سکشن را دید که به دو  
پا نشسته و به او می نگرد . از جا  
برخاست به سوی چشمۀ در حرکت  
شد ، از آب سرد چشمۀ نوشید .  
بعد با قلب مala مال از درد و روح  
غرق در افسردگی به سوی خانه  
در حرکت شد با خود اندیشید

((حالا باید برای چراند ن گاو هـ  
برگ ، بیدهای زیبا و مناظر  
خیال انگیز را از نظر گذشتند  
حالا وقت این بود که این گله حیوانـ  
نات را به خانه پردازد ، به عقب گـ  
او هـ و گوسفندان را باز کرد ، به  
سوی صحراء و چرا گاه هـ در حرکت  
شد .

گاو هـ با چراند ن مشغول شدند  
خود در زیر سایه نشست و به کتابی  
که در دست داشت به مطالعه پرست  
داشت ، گـهی چشم را بالا می کرد  
به راه افتاد . گـهی هـ را به طویله

((ظاهره افضلی))

تابستان سخت با گـرمای طاقت  
قرسـا آغاز یافتـه بود . همه جـا رـا  
سکوت فرا گرفته ، گـویی هـمـه  
اشیا درختان ، انسـانـها و پـرـندـ  
گـان به خـواـب فـرو رـفتـه اـند . بـادـیـ  
نمـیـ وزـید کـه بر گـان درـختـان رـازـ  
شعـاع آـفـتاب نـجـات دـادـه وـیـا نـواـزـشـ  
کـند .

صدای زمزمه جوییارـها وـغلـلهـ  
وشـور و فـرـیـاد هـرـ غـانـ بهـ گـوـشـ  
نمـیـ رسـیدـ گـوـیـیـ صـدـایـ هـمـهـ اـینـ  
کـائـنـاتـ درـ اـنـرـ تـابـشـ وـ شـعلـهـ آـفـتابـ  
درـ گـلـوـ خـشـکـیدـهـ استـ .

همـهـ جـارـاـ روـشـنـیـ آـفـتاـبـ وـگـرمـایـ  
آنـ تـحـتـ تـصـرـفـ دـاشـتـ ، تـمـاـمـ  
صـحـراـهـاـ وـ دـافـنهـهـاـ بـیـ پـرـ اـزـ درـختـانـ  
زـیـبـاـ باـشـاخـهـهـاـ هـایـ سـبـزـ وـ تنـهـهـایـ  
زمـرـدـینـ اـزـ فـرـطـ تـشـنـگـیـ سـکـوتـ رـاـ  
اختـیـازـ کـرـدهـ بـودـندـ .

درـ آـسـمـانـ زـیـبـاـ وـ نـیـلـگـونـ اـبـرـیـ

ت و تحمیلی گریبان  
روانا ن دمکده همه  
درختا ن کهنسال  
میشدند . بسیم نی  
و با صدای جان  
ح و نو میدی خود را

، زمزمه جویباران  
آواز نی که می نوا  
رو نی خود ، یک راز  
ش را ، رازی که  
آشنا بی نداشتند

، با بد بختی و  
میخواست بربختی  
وشیختی را از چنگ  
آور و تار یکی ژرف  
و مشعل آنرا چسو

ن در دست گرفته  
دا ل بد بختی را به

که بسیم می نواخت  
خوشی میکردند با او  
بودند با ری وی  
نواخت و ملا انگیز  
د . زیرا عقیده داشت  
ید . همه یک نواخت  
شد . و هم به این  
اگر درده باشد نمی  
با یی که می اندیشید  
به شهر برود و داده داشته  
دانش داشته باشد  
نده شود . هما نبود  
ده زیبا خود آهنگ  
گرد .

از خواب بیدار شد  
غ رفت ، هوا بسیار  
کیز بود باد مو هایش  
داد ، به چشم رفت  
خود را شست .

ن خود بر گشت لباس  
داشت به سوی شهر

ی پیاده رفت ، تاینکه  
و تر رسید .

ال حركت بود ، اشعه  
ی کوه ها مید مید و

دارد ، شاخه های آن چو عبور  
زیبا بی شفته است .  
تنها من نه بلکه همه ای آنها یکیه  
در منجلاب به سر میبرند از زندگی  
پوسیده خود بیزار اند ، از زندگی  
که در آن مهر و محبت و جود ندارد  
برایشان پوچ و بی معنی است .  
آیا این عدالت است ، که یکی  
را زندگی پر مهر و محبت بد هند  
و به دیگری زندگی پر از زجر و  
بدبختی ، و فرو رفته در گو دا ل  
تاریکی ؟

این صدای که حا لا می شنوید  
صدای انسانی است که از طبقه  
زجر کشید گان بر خاسته صدای  
انسانی است که به جز از رنج  
باچیزی دیگر آشنا نه بود . بادرود  
نراوان از میان طبقه زجر کشیده  
بلند شده است . ))

بسیم حا لا بعد از تلاش زیاد به  
آرزوی خود رسیده بود او توا  
نسته بود نو یستنده شود

سه نفر به کرایه گرفت ، بعد از  
فراغت کار وقتی به خانه می‌مد .  
تائیمه شب ها خواش نمیبرد ، به  
آرزوی که در قلب داشت می‌اند -  
یشید که آیا به حقیقت خواهد  
پیوست یا نه ؟

روزها و ماه ها گذشت بسیم از  
مطالعه دوامدار دست نه کشید ،  
اندوخته زیادی از علم و دانش  
داشت ، بسیاری چیزها را در ک  
کرده بود :

چندی بعد توانست مقاولات و  
نثرهای ادبی خود را به نشر  
بسیارد ، تلاش زیاد به خرچ میداد  
تا بتواند داستانی را به رشته تحریر  
درآورد ، داستانی که در آن احساس  
درو نی خود را بگنجاند .

چند وقت او توانست داستانی  
کوتاهی بنویسد و در یک قسمت  
آن چنین احساس خود را گنجانیده  
بود .

(دل از تیرگی و بد بختی نفرت

بسیم به جز از رنج به چیزی دیگری  
آشنا نبود . زندگی را به صورت  
یک نواخت دیده بود . همه مناظر  
در نظرش پو سیده جلوه میکردند  
و به جهان پر راز و زندگی همچو  
یک رویا می اندیشید او حا لا باده  
دوستداشتنی که پدر و ما در ش  
در آن خفته بود و به خواب ابد  
آرامیده بودند . با قلب پر امید به  
عقب رویا و آرزوی خود سفر  
میکفرد .

وقتی به شهر رسید به خاطر  
دریا فتن کار خود دو چار مشکلات  
زیاد شد . بالآخره توانست شاگرد  
نا نوا بشود . از صبح تا شب بیکار  
نمیشد ولی شباهه تا نیمه  
شب ها مجلات ، اخبار و کتب مطالعه  
میکرد .

چند وقت بعد توانست در یکی از  
فابریکهای مشغول کار شود . در  
کارهای خود بسیار دقیق بود .

بسیم اطاقی را در یک حصه همراه

بقيه صفحه ۱۷

## نقاشیکه ۰۰۰

احساس مردم جان بخشید و با  
مسخره و خشم بر حق به قاتلان  
و شارلاتانها حمله برد و عناصر  
بد نما و ناقص را باد رایت و  
زیبا بی تمام شیوه سخن رنگین  
باود یا می بینی کرد . ازاولین  
روزهای سنگر بندی تا تشکیل  
کمون پا زیس ، از او لین زوا -  
یا یی عاجزانه یک زندگی  
روستایی ، تا رویداد حلقه های  
هنری یا اساس اختراعات  
جدید ، همه با شیوه سوال و  
تشريع و به مهارت تمام توسط  
دا و میر بیان می شود . وی از  
چهره های بر ازنده و بزرگ  
رو شنوندگان عصر خود است  
که با تکمیل کار زندگی خویش  
موضوعات را بدون قید زمان با

نقاشی های او بیچ و خمدا ر ،  
تیز و بر جسته است . در نقاشی  
های او ، مجسمه های او ، و -  
رسمهای او حقیقت از طریق

جایجا سازی ما هرانه اجزای  
که سیر تحول ارتقا ای را نشان  
میدهد ، متابا روز میگرد نتیجتا  
یک زبان هنری است که در عصر  
حاضر نافذ و در خشنان و هدف

دو گانه شوخی و رز جویی  
از آن بدست میاید .

آنچه از تاریخ قرن ۱۹ فرانسه  
و نزاعهای بین امارات تو سط  
چهره های مردمی و واقعیت های  
گرا برای ما بازگو میشود ، میتواند

در هزا ران اثر چاپ سنگی  
باشد . ازین جهت همیشه تابلو  
های هنری او هما هنگی خاصی  
دیده شود . بدون آنکه خصوصی  
صیات تشکل دهنده رو ما نتیک

را به خود می کشاند و بیننده هر  
واقعیت های نهفته اند در خود  
فرو میبرد . او قادر بود تا رو -  
یدادها را با درونمای و سیع  
آن بینند و در عمق زوا یا زندگی  
نفوذ کند .

واقعیت گرایی این هنرمند  
تا آنجا بود که در کارش از بخش  
های اشیا و رویدادها را انتخاب  
می کرد تا تابلو یعنی بهتر بتوانند  
انگاس دهنده واقعیت های  
زندگی و رویدادها را از عصر  
باشد . ازین جهت همیشه تابلو  
های هنری او هما هنگی خاصی  
با نوشتنهای داشت که واقعیت  
را با زگو می کرد . شیوه بیان

## یوهان و لفگانگ . . .

گویته گفته است :

دانست ! چنان ممکن است شعری را که  
نه از حافظه دست و نه از نظامی ، سعدی و  
جامی برای دلدار خواند .

در حکمت نامه ، گویته ، در برا بر شاعران  
معروف می‌بین ما زانو میزند و چنین می‌گوید:  
«انوری» شاعر هو شمند که از داز دل و  
ممای روح خبر داشت چنین گفت : «همه جا  
در پس آیینه طوطی صفت داشت رفتار  
آنچه از ل گفت بگو می گوشیوس »  
ساقیا می‌ده که با حکم از ل تدبیر نیست  
قابل تغییر نبود آ نیزه تعین کرداند .  
هردو شاعر کاهی از قیل و قال ز مانه  
دلسرد شده و گوشش گیری را پسندی دارند  
و به تنهایی بنام می‌برند . گویته می‌گوید :  
مرا با پیاله‌ام تنها بگذارید که مرد در  
روح مشرق ذ مین از راه مدیترانه پیروز -

مندانه وارد اروپا می‌شد آ نبا نیکه در  
اروپا از گفته نفر « کا للرون » لست  
حالا مصلحت و وقت در آن می‌بینم  
که کشم رخت به میخانه و خوش بشیم  
حافظ اند .

از مقایسه آثار گویته و حافظ چنین  
برمی‌آید که در نهاد هر دو شاعر بزرگ  
حقیقی واحد جایگیر بوده و علت گرایش  
گویته و حافظ همان شباهت محتوى و قرابت  
روحی بوده است که با وجود فاصله مکانی  
و زمانی باز همداستانی آنها بظهور و رسیده  
است . در ذیل بسیار مختصر بعضی مشابهت  
هارا باد آورد می‌شویم :

هردو شاعر در سن پیشرفت خود ، نشاط  
جوانی و حیات نوین احساس می‌کنند

گویته می‌گوید :

ای بیرون باش ، ملال می‌باش .  
اگر هم موبیت سفید شده در عشق یا بدار  
باش .

حافظ می‌گوید :

پیرانه سرم عشق جوانی بسر افتاد  
و آن راز که در دل بنهمتم بذر افتاد !  
هردو شاعر پیوسته از عنیق سخن می-

زنده : حافظ می‌گوید :  
بحربیست بحر عشق که هیچکس کناره نیست  
آنجا جز آنکه جان بسیارند چاره نیست

گویته می‌گوید : ای عشق تو تاج زندگی  
و خوشی بی آلام هستی !

هردو شاعر نسبت به ظاهر و ظاهر برستی ،  
اعتراف کرده و آنوا به گفته‌اند گویته می-

بالباس گشیش آراسته بودند مورد انتقاد  
قرار دارد به همان شیوه حافظ گفت : فقید  
مدرسه‌ای مست بود و فتواد که می‌حرام  
ولی به زمال او گافت .

قرن‌ها پس از حافظ ، شاعر بزرگ‌العائی  
وستاینده‌ای حافظ گویته اندیشه‌های تردید  
در مواعید مناهب را که این دو سرا یینده  
نایبه بیان داشته بودند در منظمه کبیر خود  
«فاوست» بدین شکل افاده کرده است :

من به جهان آنسوی مرگ لا قید  
وهنگامیکه این جهان و بیان گز دد  
با آن جهان انسی ندام  
زیرا من فرزند ز مینم ، رنج یا شادی را  
تنها در این جایگاه ادراک می‌کنم  
ودر آن دم تلغ که تر کش می‌گویم  
برای من بیکسان است که حتی گیا هی از  
کوود بر نه مد .

زیرا مرا با جهان د گز کاری نیست  
هیجانات آن جهان هر نامی که داشته  
باند .

کنگناو نیست که حدود و نفور آن کجاست  
واینکه آیا در آن سما نیز فراز و فرودی  
هست یانه .

در زمان گویته که هنوز پاپ روم قدرت  
تکفیر داشت و « کتب خاله » را در سیاهه‌ای  
سیاه خود می‌تجاند تکن این کلمات آسان  
نبود ، در دوران حافظ بطريق او لی دشوار  
بود . شکل « شاعرانه » حافظ ورقه‌های که  
مالامال از استعارات و اشارات است برای  
وی گزین گا هی بود . در آن زمانیکه توده‌ها  
چون بوده ذلیل بودند ، شیوه استبدادی  
در اوج بود ، وزنان تسلط بلا رقیب بود ،  
حافظ خود می‌دانست حامل چه افکار طفیانی  
است چه سوزی در درون دارد و چه خطری  
اورا تهدید می‌کند :

فاس می‌گویم وز گفته‌ی خود د شادم  
بنده عشقم وز هر دو جهان آزا دم  
ما در درون نیمه هوانی نیفته ایم  
بر باد اکر رود سر ما ، زان هوا رود  
گویته و اقبال :

در تجلیل از بزرگ‌داشت گویته باشد  
از علامه اقبال نیز یاد کرد چه اقبال گلستانه  
ای بنام « پیام شرق » از گلیای رانک رنگ  
حاش مشرق بخاک مغرب ، تقدیم نموده است .  
علامه اقبال در سال ۱۸۷۳ متولد شد و با اندیشه  
های فلسفی خود انبوخته های گرانهای  
بر جای نهاده است .

اقبال به توصیه توماس ارتوله در سال

در حافظ عین این مفهوم را چنین بیان کرد  
سالیا جام میمده که نگارنده غیب  
کس ندا نست که در گز دشپر کارچه کرد  
در پس آیینه طوطی صفت داشت اند  
آنچه از ل گفت بگو می گوشیوس »  
سا قیا می‌ده که با حکم از ل تدبیر نیست  
قابل تغییر نبود آ نیزه تعین کرداند .  
هردو شاعر کاهی از قیل و قال ز مانه  
دلسرد شده و گوشش گیری را پسندی دارند  
و به تنهایی بنام می‌برند . گویته می‌گوید :  
مرا با پیاله‌ام تنها بگذارید که مرد در  
تشایی نشاط بیندا می‌کند .

حافظ گوید :

حالا مصلحت و وقت در آن می‌بینم  
که کشم رخت به میخانه و خوش بشیم

حافظ اند .



تصویری در باب اثر « فاوست گویته » .

ای بیرون باش ، ملال می‌باش .  
اگر هم موبیت سفید شده در عشق یا بدار  
باش .

حافظ می‌گوید :

پیرانه سرم عشق جوانی بسر افتاد  
و آن راز که در دل بنهمتم بذر افتاد !  
هردو شاعر پیوسته از عنیق سخن می-  
زنده : حافظ می‌گوید :

بحربیست بحر عشق که هیچکس کناره نیست  
آنجا جز آنکه جان بسیارند چاره نیست

گویته می‌گوید : ای عشق تو تاج زندگی  
و خوشی بی آلام هستی !

# یوهان و لفگادنگ

که ام بجهه ام جو غسم سبمه بی  
ماخذ مقاله

رومی عصر ، شرح احوال و آثار عالم

دو خود یکانه از همه ییگانه همروزه  
از بعر بیکارانه چه مستانه میرود

دو شعری تحت عنوان «جلال و گویته» به محمد اقبال ، سعید نفیسی صفحه ۲۰۹

مجله دانشکده ادبیات شماره اول سال  
جارد هم ۱۳۴۵ ، دانشگاه تهران

محله سخن سماره ۲ دوره ۲۶ سال ۱۹۵۳

سایر خبری برویساها درباره جهان یعنی ها

شاعری کو همچو آن عالی جانب  
نیست پیغمبر ولی خود کتاب

حکیم است که دنبال عقل میرفت بعد که راه  
کتاب «فاوست» گویته اشاره نموده که داستان

و مرید شیطان گردید :

نکته دان المتن را دو ادم

صحبی ۱ فتا د بایبر عجم

شاعری کو همچو آن عالی جانب  
نیست پیغمبر ولی خود کتاب

خواند بر ذات اسرار قدیم

قصه پیمان ابلیس و حکیم

کفت روی این سخن را جان نکار

تو ملک صید استی ویز دان شکار

فکر تو در کنج دل خلوت گزید

این جهان کهنه دا باز آفرید

سوز و ساز جان به پیکر دینه بی

در صد تعبیر کوهر دینه بی

هر کسی از ذهن عشق آگاه نیست

هر کسی سایان این درگاه نیست

داند آن کو نیکبخت و محروم است

زیرکی ذ ابلیس و عشق از آدم است

اقبال در جواب نظم گویته موسوم به حروف

شاعری تحت عنوان «حور» می‌گوید :

نه به باده میل داری نه بعن نظر گشایی

عجب این که تو نهانی ره وسم آشنایی

همه ساز جستجوی همه سو ز آرزوی

نفسی که می‌گذردی غزلی که می‌سرایی

بنوایی آفریدی چه جهان مکشای

برو اگر اموانوله مختی (ارنست تا لمن  
دمعکنیانو په موسیو او ساز مانون  
کی دیرخه والو تر منخ یو زیان  
شمیر دوستا نه لوپی او دله یی  
مسا بقی عمو ما د سیا سیا  
تکنالوژی آرت ، او گلچر ، سپورت  
او بدنه روزنی او د تولیز ژونه دی  
شمير نورو ساحو په ارتباط جو پین  
او حسارت نیسی باید وویل شو چو  
د مخکنیانو په تر بیوی او تعليم  
دوستانه مسابقو کی دیپر نیو زی  
او تور بیز دنده کری پرو گرا مون  
هم شامل دی دذکر شویو مضمونون  
دزده کری او تدریس په دوران کی

شحاله او نیکمر غه کری او د خپل  
ژوند خخه خوند او لفت واخی .  
ددغه اصل د په نظر کی نیو لوسره  
ویل کیدای شی چی د مخکنیانو  
مو سسی او ار گانونه د هلکانو او  
تجوونو د خوبن او خو شحال ساتلو  
غوره هر کزونه لو کا نه دی . د  
عمده او مهم خصو صیت دلای چی  
دکال په بیلا بیلو و ختو نو کسی  
هلکانو او نجو نو ته د تفریحی  
پرو گرا مونو په لپ کی د دعم می  
تعطیلا تو د تیرولو غوره ۱ مکانات او  
په زره یوری شرایط هم برابری .  
د مخکنیانو په مانیو او سازمانونو  
کم د دوستانه لوپو او مسابقه

او زنشو خی شرته قلزم تیبد  
نا گربیان صدف را بردوید .  
من به آغوش صدف قابیم هنوز  
در ضمیر بعر نایابم هنوز

در پیام مشرق ، اقبال از خواننده کلام خود  
کله دارد و اظهار تاسف می‌کند می‌گوید که من  
می‌خواهم بوسیله شعر در روحیه ملت «آتش  
بزم» ، این مردمان خواهی‌بده را بنایه گفته  
های «بلغی» پیام بیلاری بدhem اما آشنایان  
باد نیای خیال و تصورات رنگین چنان خوش  
گرده اند و از شعر من گناهه می‌جوینند ایشان  
درک نمی‌کنند که شعر من از گرمی خون من بر  
چشم می‌گیرد ..

آشنای من زمن یکانه رفت  
از خستانم تهی پیمانه رفت  
من شکوه خسروی او را دهم  
تاج گسری ذیر پای او نهیم  
برگ گل رنگین زضمون من است

مضرع من قطمه خون من است  
اقبال شعر «جوي آبه وادر جواب نظم  
گویته موسوم به نفعه «محمد» سروده است:  
بنگر که جوي آبه چه مستانه می‌رود  
ما نند کهکشان بنگر بیان مر غزار  
در خواب ناز بوده گهواره ای سعاد  
واکرد حشم شوق باگوش کوهسار  
از سنگر یزه نفعه کشاید خراماً

بیزرنگ پیام مشرق خودرا به  
بیشکش کرده است ، در آن  
تفصیل شیوه «دری» را بکار برده  
عنوانین دیوان گویته هم هاند  
ساقی نامه ، عشق نامه ، تیمور نامه  
نم «دری» است .

بیزرنگ پیام مشرق خودرا به  
بیشکش کرده است ، در آن  
تفصیل شیوه «دری» را بکار برده  
و کوشش و تحصیل علیم  
است . قسمت دوم کتاب حاوی  
قطعه غزل و منتوی ۱ سنت  
مت مجموعه پیام مشرق  
ب دانا فر نگ

لسفه اروپا آنسوران را که از  
بهره ای ندارد و بند سعادت  
رد :

سبا کوی به دنای فر نگ

گشتو دست گرفتار ترسی  
رنگ گل ولاه نینند ورنه  
ردۀ رنگ است پدیدار تراست  
نیست که انجاز همیعا داری  
ست که بیمام تو بیمار تراست  
اخته ای دل زکف انداخته ای  
ترانما یه که در باخته ای  
را با گویته هفایسه گرد می‌گوید:  
خودم خود بین نیم  
و گه بود و عن گیم  
جوانان مثل برق

## ۵ مخکنیانو

هلکانو او نجونو استعدادونه روزی  
او دوی ته زمینه برابری چی دخیل  
سوق او طبیعی علاقی له مختی د  
بنوونی او روزنی دول دول پرو -  
گر ۱ مونه تعقیب کاندی .

د هفو یرو گرا مو بو به محی حی  
دالهان په دمو کراتیک جمهوریت کی  
د مخکنیانو د مو سیو او سازمانونو  
دیاره طرح شویلی د بنوونی او  
روزنی په برخه کی د دوی په پرو -  
گرا موونو دیو لئیز ژوند یو زیان

نریا مجیدی

## برای دوری از وطنم گردیدم میکنم

وطن را از افق های دو رمیشنوم  
.... میشنوم که طنین آنها میکویند  
(با مشوق با ید و فادر ما ند)  
وفای زن در کشورم از آرزو های  
خون شده مردان میهن من است .

وطن عزیزم :  
تا آن لحظه بی که قلب من  
در غم و آند یشه دوری تو بکلی  
 بشکند و در هم ریزد و نا بسود  
شوم این سیل سر شک حسرت  
همواره از چشمان پر انتظارم  
جا ری خواهد بود و شما ای مردم  
غريب و ستمد یده جهان !

کاش ! تنها میتوانستم آنمود  
های سیاه جوانان کشود رام را  
 بشما نشان دهم وای کاش میتوان  
نستم شما را به دایره رقص پر  
شور آنها دعوت کنم و شما آن  
پذیرفت ؟ و آیا باز نور امید آن  
افق روشن و آن سپیده دم عزیز  
وطن چهره اینو همکن و افسر ده  
مرا روشن خواهد ساخت ؟

بله همه نازو افتخار تما شما

ما نند امواج خشمنا که بحر به  
من همیشش از محبت تو  
سغار دیدار نه مملو -  
اگر این طفل عزیزم که  
کار زنده داشت و دار  
وبی مثال توست در  
نمیبود مد تها قبل از ا  
زنده گیم را با همین د  
پاره میکردم و زنده  
از کشورم باشد فدا  
و وطنم مینمودم .  
پس توای زادگاه من  
جسمم دیگر بتونم نمیتوان  
مطمئن باش له رو ح  
یکرو زی آزا دانه و بد  
به سوی تو به پرواز  
آمد و آنگاه تا ابد در  
همیشه به پرواز خوا  
کلمها و درختان ترا پر  
نمود .

پس ای کسانیکه  
کاش شانته خود هستید  
هوای خانه بیکانه را  
و رانید ، زیرا که پد  
که رنج فرزند نش را  
که باشد میخرد ، لیک  
شد و سایه غم بر ، هستیم چیره  
گشت خود را در بین اشخاص  
بیکانه بی حسن کردم که نشانه بی  
از انسانیت در وجود آنها دیده  
نمیشد .

آه ! ای سر زمین دو رافتاده  
از منافع فرزند استفاده  
و مادرش را پامال .

مسعوده حیا تی

## رهن زندگی

کار و ان خسته بی در نیمه  
روز با مسا فران دل خسته  
خود در بیان خانه پر خشم  
و پیچ ، درد لکوه ها و در دشت  
های بیکران راه می پیمود و بیش  
میرفت .

نا له های زنگ این کاروان ،  
راحت را از مسا فرین می رسد  
راه پر نشیب و فراز این سفر  
چشم همه را بسی افسر دهد .



# لِتَمْرِيدِ هَلَّى بِرْهَانْدَان

اتخاذیه زندگان درس ایمان

جای عی متعلمہ صنف دواز دهم تیسہ عا یشه درا نی

شغله

## عشق و امید

هاو غصه ها و در بخر بیکرا زندگی بر زور ق شکسته حیات دار. موج خیزی حواله ای نه در قلب، خون و تمام ذرات خدای ذهن تنها یم مکنار آن قدر نیرو یم ده تا در مقاب طوفان قهر آلود و خشمگین چو کوه استوار و پایپر جا بما نم با تاریکی ها بعنکم، آنقدر خوش با من بمن نید، تا با بشمام بمانم هر گز م تنها مکنار بید مکنارید که هیولای اندو روز کار با پنجه های سیاه خو یش، بیش ازین گلو یم را بیفشا رو به سوی نا بود یم بکشاند. آری، در شب های تاراشک کند.

ای عشق،  
ای امید،  
ای چشمها ر پر فیض زندگی ما و وجود م چون نیروی جیات بخش جاویدان بمن نید با من بمن نید، تا با بشمام بمانم هر گز م تنها مکنار بید مکنارید که هیولای اندو روز صبح لبخند بزنده و آفتاب خوشبختی و سرو ر طسوت شفق.

## بهار را گرامی داریم

پر نقش و نگار جلوه میکنند چنان پر نقش و نگار که گویا نقا ش با انتها مهاوت خویش ای همه را نقشیندی نموده است تا که شراب دلپذیر در دل خویش دارند. بادهای عطرآگین اند گویا دامن کشان مشک سود در فضای پاشند، دشت های پراز لا له چنان به نظر مینمای که لعل را در روی زمین پاشیم اند.

بهار است، بهاری که با فر رسیدن خویش تمام موجود را از خواب سرد زمستانی بیساخته است.

بها ری که هر موجود زندگ را سوی زندگی امید بخش دعو مینماید.

انسان شاعر و نویسنده از این دعوت بی نصیب نیست



محمد شفیع (میا خیل)

هوای خوشگوار و نسیم ملایم از هر طرف میوزد، آسمان صاف است کم، کم با ران هم میباشد. مرغان خوش آواز در با غها و چمنها شور و نوا یسی دارند و سرود های بهاری میسر- اند.

## غروب زندگی

منکار میکه از خواب برخاست تازه طلوع نموده بود دیر دیرها منتظر غروب بودم که دو دور آفتاب رنگ سرخ را بخود گرفت اشتیاق منتظر نتیجه بودم خواهد شد؟! غروب نمود و ناید یدگردید را به مهتاب سپرد خود زمزمه کرد که: طلوعی دارد و هر طلوع را غروبی در انتظار است سمه زندگی طلوع است، این طلوع غروب خواهد بود و ب زندگی یعنی چه؟

((((ک)) غروب زندگی است خواب میدیدم درین دنیا و حشتناک مهما نم بزندگی بیهم میگوید: نداری از ورودم با ک؟

## تو آنکه محبت

آنکه بی دل انگیز شود و هیچ خلایی در زندگی فرین است. آه! که نداشته باشد، ولی هر گز های سعادت وابسته گوشها یش به ترانه زیبایی است. ترانه بی که محبت آشنا نباشد و قلبش بانوار تاریک و ازمیان شا در خشان محبت ندرخشد. زندگی برایش بی ارزش و بی معنو است. زندگی بی محبت پر از ناله ها و اشکها و افسرده گی ریک روشنی می افکند. هاست.

((((کلمه بی که در آن این جهان! تو هر گز و جو د جا و دنه خود را از بساط زندگی از سعادت است. پس انسانها محو نساز و ترانه زندگی را بدون آنکه هستی بخش خود را خفته و خاموش نباشد ادا مه داد؟ نگاه مکن. زیرا تو یکانه مشعل این بدون ((محبت)) مقدس است که قلما



شوهر عزیز : فقط بر دوی جاده مستقیم حرکت کنید و  
نبینی

خانم و دیپسند

شوهر: عزیزم تو خو میخواستی موهای خود را ((نقره ای )) کنی،  
چطور یک دفعه تغییر عقیده دادی؟

زن: مگر روزنا مهها رانخواندی  
که تو شته قیمت طلا بسیا رگران  
شده است، حالا مینخوا هم موهایم  
را ((طلانی)) رنگ کنم.

بدون شرح

## دراول زاری در اخیر خوا

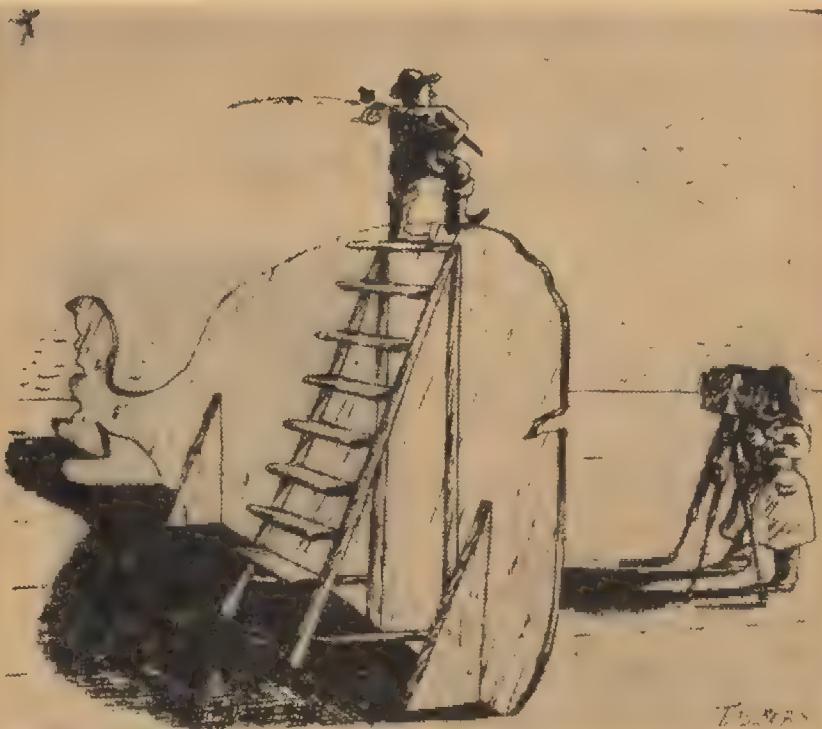
بعضی از مرد ها قبل از ازدواج سرویس به اینسو و آقول مردانه به نام مزد خود مسی برند!

بعضی از مرد ها قبل از ازدواج  
قول مردانه به نا مزد خود می  
دهند که یک ما ه بعد از عروسی،  
موتر شخصی آخرین سیستم  
بغزنه اما وقتی که خر شان از بیل  
گذشت و عروسی تما م شد همسر  
خود را به عذر نداشتند پول، حتی  
سوار تکسی هم نمی کنند و با موتر



درسته خواب

بلی دوست عزیز ... طیاره بدار تفاع بیست هزار هتری رسیده  
بود که بلون فرا شوت سقو طکردم .  
- معلوم میشود تو بسیار دور غنگو هستی ...  
پس چطور حا لا زنده هستی ؟  
آخر قبل ا زاینکه به زمین برسم از خواب بیدار شدم !



عکا سان همواره به عجله و دست پاچگی کارهی گند صبرگن. که  
من خو بالا شوم

آقای محترم رئیس صاحب  
بمنتهمت نزد ... اصلاً من تا حال  
ازدواج نکرده ام.

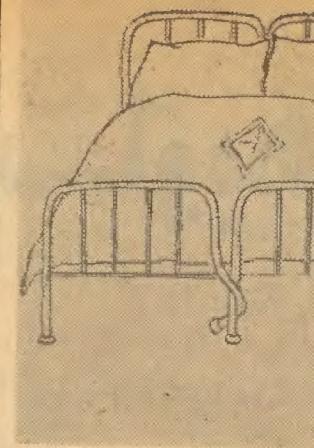
حاضر جوابی

کا رگر یک شر کت تقاضا ی

## بگذار مطالعه کنم

زن ، نیمه های شب نا گهان  
سرا سیمه از خواب بیدار شد و  
آهسته شو هر ش را صدا کرد .  
شوهر خواب آلد پر سید .  
عزیزم .. عزیزم .. بلند شو ...  
چی شده ... چی است ؟  
عزیزم ... صدایی از کتابخانه  
میاید ... فکر میکنم دزدی به  
آنجا آمده باشد .  
شو هر با خوب نسر دی خمیاز های  
کشید و گفت :

خوب عزیزم ... برو ببین که من  
خواهد کدام کتابی را مطالعه  
می کنم ؟

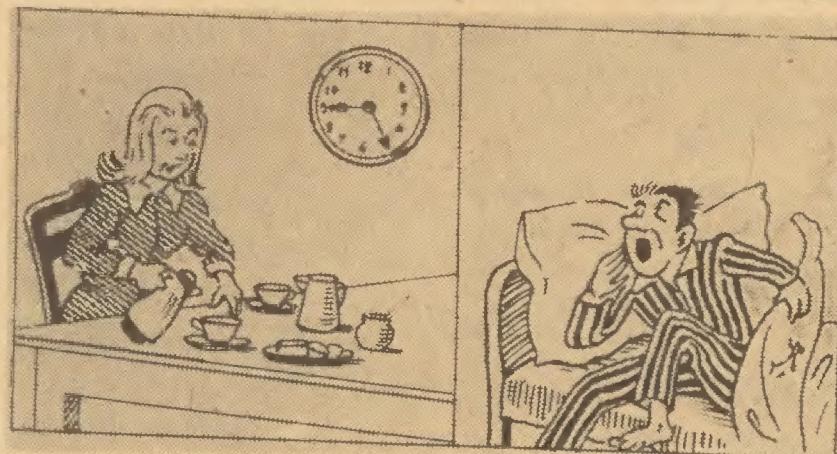


بدون شرح

## بضم بدل شافعی

نشنا س د ریاره حرفه  
خود صحبت میکردند ...  
آنها ، از همکارش پر-

ستی ، تو در مورد بیما ...  
چار کمی حافظه باشی  
لکنی ؟  
نشنا س دو می بلا فا صله  
من همیشه حق  
ام را قبل میگیرم !!



خانم ! ساعت نه نیم شده و تو تا هنوز از خواب نغیستی ! بخی که  
چای تیار است زاوتشده غیر حاضر میشی !!  
شوهر :- چرت ته خراب نکو کاتب حاضری رفیقم است خانه  
حاضری مه قید نمیکند .

دوست عزیز ، مگر در اینجا  
خلوای خیرات میکنند که ایستاده  
ای ؟

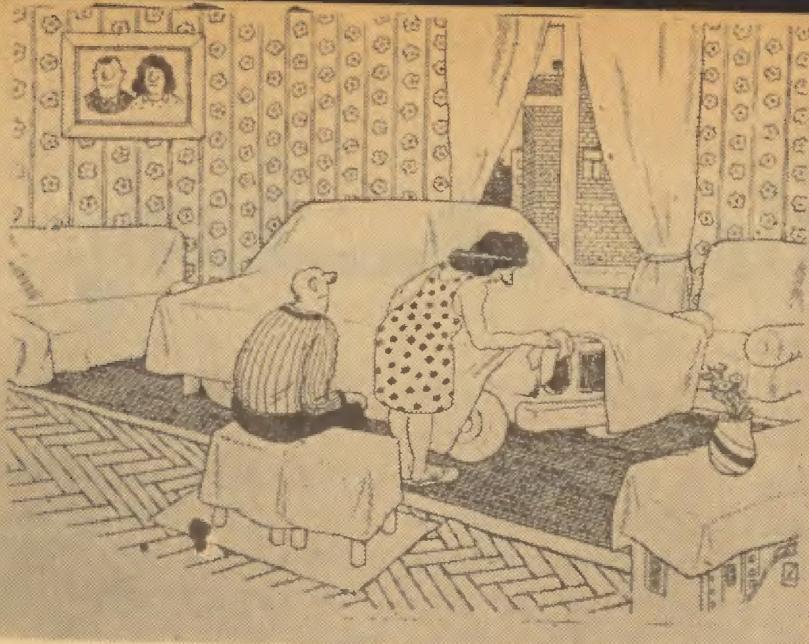
گفت : در اینجا آنچه خیر است  
کنند شیرین تر از خلوای است :

## حلوه اشیورین است

جوانی پیش مکتب دختران قسم  
میزد جوانی دیگر گفت :



بدون شرح



مادر دختر ! تو باش شوهر عزیز که نامزد دخترم کدام هو تر کهنه را  
نیاورده باشد .

مادر دختر ! تو باش شوهر عزیز که نامزد دخترم کدام هو تر کهنه را  
نیاورده باشد .

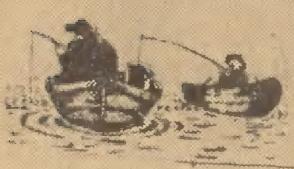
## باز لب حمد همیز نی

شو هر جوان خا نمی زیبا مرده  
بود زن در مرگشو هر سخت  
بی تابی میکرد و مرتب اشک  
از دید گاشش جاری بود ... یکی از  
دوستا نش برای دلداری او  
گفت :

- عزیزم ... تایکماه دیگر با زلبهایت  
نخور ... تایکماه دیگر با زلبهایت

بخنده باز خواهد شد .  
در اینموقوع گریه زن جوان  
شدید تر شد و در همان حال  
گفت .

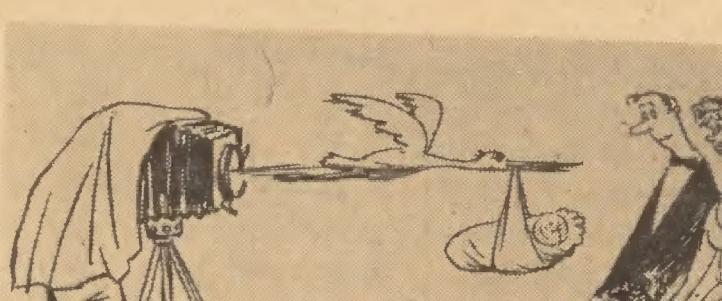
- ای خدا ... یکماه دیگر  
... نی ... این غیر قابل تحمل  
است .



بدون شرح

## زن هو شیار

شوهر ، با عصبانیت و ناراحتی  
رو به زنش کرد و گفت :  
من هیچوقت موافق نمیشوم  
میخی را بد یوار بکو بم !  
چرا ... بچی علت ؟



# پايهندها، پوداختهها و اسلوبها

ويا ر مرا نگهدا رى ميکر  
گشتم .  
خوب به ياد دارم رو زن  
زيباي خود را تر ك ميگفت  
او گر يسته بود ، بسيار  
يسته بود و گفته بود که  
بو گر دي ، من در انتظار  
نخست . )) و ما با هم  
سو گند ياد نموده بوديم  
يکد یگر را فراموش نکنيد  
بر ميگشتم نزد او ، نزد  
بي که من از نگاه كردن

سيما هش شاد مي گشتم  
غمهای دنيا را فرا موش  
مو تر به راه خود ادا  
من يكى از نامه هاي آ  
ميما را از جيپ خود بيره  
دو باره ميخوا ندم .

او نو شته بود : ))  
براي رسيده ، از اين که  
ميگردي ، تميدا نى چق  
شحال شده ام ، من درا

بودم ، چقدر انتظار كشيم  
رنج بدم ، ولی حلا  
رنج و شبهاي ظلما نى  
رسيده آفتاب پر شکوه  
دو باره برانق زنده گي  
گشته است . صبح اميد  
لبخند شادي آفر ين ميز  
تو بريگردي ، من با  
بسته بودم که اگر هزار  
داشته باشم ، اين همه  
تو خوا هم نخست ، حا  
ميگردي و همه خوا به  
به حقیقت مي پيوندد .  
نا مه اش را دو باره

خواهر عزيز ذه ميتراء ،  
احساس شعری شما ستا يش  
انگيز استع ، باري جهت يا فتن و  
شنا ختن وزن شعر بخصوص شعر  
نو باید بيشتر مطالعه كنيد و شعر  
شا عران بر جسته معاصر راز ياد  
تر بخوانيد تا راه گرایش به شعر  
سرای خوبتر روشن گردد ، و  
بيش تان نسبت به اين گونه  
شعر پخته تر . اينک پا رچه شعر  
زيباي شما را نشر مينما ييم ، شاد  
و سلامت با شيد .

## بي تو

هاي اي رفته زجسم  
ليک

همچنان آتش عشق تو به کا نون  
روانم سو زان  
بي تو مو جي زتبشهاي غم  
انگيز م

بي تو بريگي زدرخت افتاده  
بي تو پژمرده تو ين شاخ نهال  
هستي

بي تو پايز تهيد ستم  
همكار گرامي محمد گير ،  
سلام ما را نيز بيد يري ، دو

نو شته خوب از شما در يافتيم ،  
نخستين نوشته شمارا که عنوانی  
هم نداشت با گز ينش يك عنوان  
به نشر مي سپاريم ، با رى اين  
نو شته شما را آند کي اصلاح نموديم .

آميد است به همكار يهني خود  
دوام بد هيد و بر شاد مانی  
ما بيفزا ييد .

حالا به شهر خود بر ميگشتم  
از روزي که از شمال كشور و  
زاد گاه خود به کابل آمد ، تقریبا

دو ستد 1 را ن ارجمند صفحه شها مت نشان ميد هد ، خوش  
سخها و ... ، مي آيد ؟ يابين که غمی در دلداری  
پس از عرض سلام فراوان و و ميخوا هي گر احسا س اعماقت  
قلب صحتمندی برای همه شما ، را بر روی جها نیان بکشان يسى  
واز راز پنهان فت آگاه گردانی ؟  
ای دريا ،  
در جهان ما شور و مستی جوانی  
را گناه میدانند ، اما تو اى دريا ،  
فر یاد سرده ، شور و مستی  
برپاکن تا هم زمی پیدا شود و  
هم زمانی ، و در کنار تو با يستند  
وترا ياری رسانند .

## اي دريا ،

خوا هش مي کنم غوغائ ،  
فرياد بزن و روشن گردان که  
نمی خوا هي مورد هجو م کسی قرار  
گيری . آری ، با شور و فر یادبی  
اما نخود قلب هجو م آوران را  
بلرزان و آگاه گردان که تو چه  
نیروي عظیمي داری .

ای دريای زیبا ، خروش تسو  
سبب ميشود که قلبم قوت بيشتری  
گيرد ، چرا که ترا هم ما ننده قلب  
خود مي بینم و احساس ترا نسبت  
به همه کس بيشتر در لک ميکنم .

همکار گرامي فريده و زمه ،

پا رچه نشری کو تاه اما زيباي  
شما را نشر ميکنیم ، اميد است  
به همکار يهای صمیمی نه خویش  
دوام بد هيد .

## شعر من

آند م که در سکوت شبهاي  
تا ريك پيش روشنی چرا غ و زير  
سقف انا قى با تو هستم و آند م  
که در پر تو خاطره ها در صحبت  
را با تو باز ميکنم . آن وقت

که از شادي مي خندم و آند م که از  
دردهای رو زگار مي گير ييم ،

دو ستد 1 را ن ارجمند صفحه شها مت نشان ميد هد ، خوش  
سخها و ... ، مي آيد ؟ يابين که غمی در دلداری  
پس از عرض سلام فراوان و و ميخوا هي گر احسا س اعماقت  
قلب صحتمندی برای همه شما ، را بر روی جها نیان بکشان يسى  
واز راز پنهان فت آگاه گردانی ؟  
ای دريا ،  
در جهان ما شور و مستی جوانی  
را گناه میدانند ، اما تو اى دريا ،  
فر یاد سرده ، شور و مستی  
برپاکن تا هم زمی پیدا شود و  
هم زمانی ، و در کنار تو با يستند  
وترا ياری رسانند .

ش را گرامي پندا زيم .

دو ستد 1 را ن ارجمند صفحه شها مت نشان ميد هد ، خوش

ما هما نسان ، که انتظا ردا -

ستيم ، نا مه ها ي فرا وان از  
شما در يا فتيم ، جا لبتر اين ،  
كه دو ستد 1 را ن تازه يي  
به ياری ما شتا فته اند و با

تر ستدان نا مه ها و تو شته هاي  
خوب و خواهد نه خود برشادمانی  
ما افزو ده اند . اينک با اظهار  
سيما س زياد از شما دو ستد 1

همکار را ن ديرين و نوين مسي  
پر دازيم به بررسی و نشر نوشته  
ها ييان .

گرامي صفيه صد يقي ،

نو شته شما با عنوان ((خروش  
دریا )) به اداره مجله رسيده . اينک  
پس از آند م تعديل به نشر آن

ميپر دازيم ، با ريدو شعر شما  
به نا مهای ((تأثیر شعر )) و  
((زيبا يي ستد 1 )) نيز به دفتر  
مجله رسيده است ، زمانی که  
نوبت نشر ش رسيده ، به نشر  
خوا هم سپرد .

خروش دریا

تقریباً عمر (( قسیمی ))

شما را با عنوان (( نو -

کشور ما )) دریا فتیم،

آیند ( به جز از عده محدود شان )

با ید در سنین خورد شان با پدر

خود یا در کارهای زرا عتی و یا

هم اگر پدر شان کسبه کار باشد

در دکان پدر شان که نظر به

سن برای آنها خیلی نا مسا عداست

سهم بگیرند.

غول بیسوسادی ، عده م رشد

فر هنکی جامعه و دهه عامل دیگر

آنها را خجول ، بی اعتماد به نفس

و در یک محدوده خیلی کوچک علمی

میگذارد از همین سبب باست

انداز توسعه و انکشاف

ن و نو جوانان این

جلو گیری کرده آنها را

سوده خاص آموزشی و

حacomیت آنها بر -

اشته اند .

که یکی از فقیر ترین

جهان به شمار می رود

بدست آرند و از محیط کوچک

و نامسا عد فامینی و محیطی

خود به جاهای که مطابق نظر

طبعشان باشد رخت سفر بر -

بندند .

نو جوانان کشور می

تنها نو جوانان ما رادر

پیارز استعدادهای شان

ناونت نکردن بلکه

که امکان برا یشان

از رشد آن جلو گیری

نند .

بر ما که صرف پنج

س آن باسوساد بوده و نودو

آن که غالباً در دهات

دو رسدت با شرایط

طبیعی به سر می برند،

نمودن پلانهای شوم

آنها شرایط مسا عدی

ورده بود .

ت قاطع اطفال کشور ما

عرضه وجود می گذاردند

ط مشکل زیست رو برو

پدر با سواد که نسبت به پدران بی

عدم مرا عات مقر رات

هد و نگهداری صحی از

هستند فهمیده ترند و لی دیده

ز عدم تووجه به برخورد با اطفال

در سنین خوردشان می باشد .

نو جوان کشور ما مثل اکثریت

قطاع هموطنان ما در شرایط شواری

بسربمنی برند . در آوان نوجوانی

به نوجوانان در کشور ما اعم

از دختران و پسران رهمنمایی های

لازم و سالم صورت نمیگیرد

تا در مقابل پیشامدهای دو ران

نوجوانی آمادگی قبلی داشته

باشند ، در وسائل ارتباط جمعی

کشور ما هم ازین قبیل چیزها

گفته نمیشوند .

چرا نوجوانان ما به همه

چیز محیط و ما حول خود نفهمند؟

چرا نایاب در باره خود ، جنس

همنوع و مخالف خود معلوم نداشت

داشته باشد؟

راه حل و ارائه جواب به این

باقیه صفحه ۲۱

## وزن را گرامی

مرحله نوین انقلاب تور ، این ره آ و دد  
انباشته های فکری و جدالهای انسانی گذشته  
و حال ، از مقاومت دلیرانه دختران و زنان  
کشور ما یاد گارهای دارد ، چه دو شیوه گان  
شرافتمندی که در زیر چکمه های سیاه  
فاسیستیا امین جان سپردند و قهرمانانه  
به شهادت تن دادند . مادرانی که در سوگ  
پسران از دست رفتة شان ، اشک ریختند  
پس در برابر همه زنان ، مادران و خواهر  
شید خوش سر سپاس و احترام فرو می  
آریم و یاد شانرا گرامی میداریم .

باقیه صفحه ۳۶

## رویا

میخواست خودش باشد  
و این داشت بیکران ، دشته که  
زمانی سراب در آن جلوه داشت ..  
رویش را از دختر برگ داند  
قطرات اشک برگ نه اش لیز  
خورد و به سینه سوزان و خشکش  
لغز ید میخواست دیگر چشمش  
بحشم دختر نخورد . و برا آخرین

سوالات وابسته به تکا مل  
به سوی جامعه نوین در کشورهای  
است . د رجا معه ایکه اطفال ماباید  
سوی فردای خوب شیخت و آرا  
قدم را به بیش گذارند و نو جوانان  
ما در شرایط مساعد مطالعه  
آموختن علوم به سوی ایجاد یک  
زندگی مر فه برای خود و خدمت  
صادقانه و وطن پرستانه برای  
مردم و کشور عقب نگهداشت  
خود که سالیان متما دی را  
شرایط بد و نامسا عد اقتصاد  
اجتماعی گذارند است به پیش  
روند و استوار رانه به پیش رو نی  
تا و طن آباد او لا آیند ظوط  
خوب شیخت به دنیا بیان یند و خو  
شیخت زنده گی کنند .  
به امید فرار سیدن هرچه  
زود تر چنین رو زی .

و آبروی خویش را پاسداری کردند . ذ نی  
مرگ شوهران و پدران و غیریان خویش  
دیدند و بر قاتلان شان با مشت و خشن  
حمله ورشدند و لب به نفرین کشیدند  
به جاست که بگوییم در تاریخ چندین صد  
ا خیر کشور هرگز چنین فشار و مقاومت  
برانگیزی را زنان کشور ما ندیده بودند  
در دوران سیاه باند امین دیدند و زخم آ  
چشیدند .  
پس در برابر همه زنان ، مادران و خواهر  
شید خوش سر سپاس و احترام فرو می  
آریم و یاد شانرا گرامی میداریم .

یک رویا خوش و زود گذر  
برو دختر خوب شیخت باشی  
دختر چیز کشید اشک ریخت  
ولی جوان با رویا از هر  
پاشیده اش در تاریکی ها  
شد ه بود .

مدیر مسؤول : راحله راسخ خر  
معاون : محمد ذ مان نیکرا  
آمر چاپ علی محمد عثمان ز  
آدرس : انصاوی وات جواریا  
مطابع دولته - کامان

